

شماره ۲۱۹



سالروز شهادت گل سرخ انقلاب



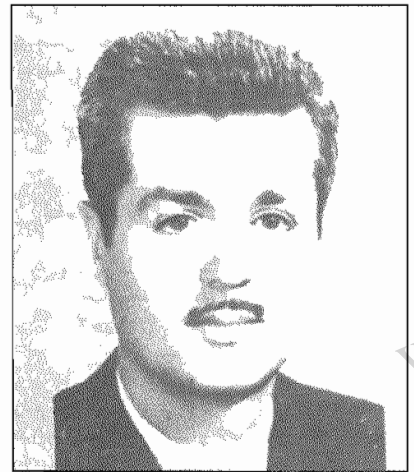
سال ۳۰ - خرداد ۱۵ - شهریور ۱۳۴۲ - شماره ۱۰۰ (خارج از کشور معادل دو سوم دلار)



یاد پدر طالقانی گرامی باد

اسامی و مشخصات بخشی (۱۰۲۳۱ تن) از شهدای انقلاب نوین ایران در صفحات ۱۴۲ تا ۱۵

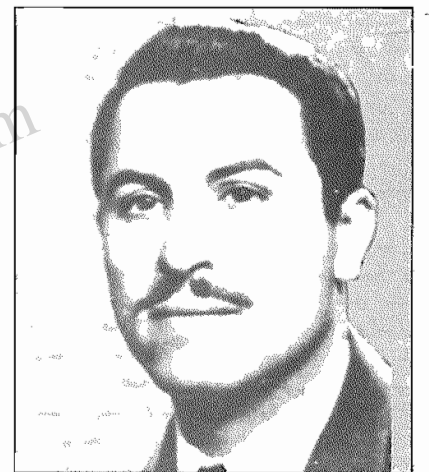
پیام برادر مجاهد مسعود رجوی فرمانده عالی و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران
بمناسبت آغاز بیستمین سال بنیانگذاری سازمان
در صفحه ۲



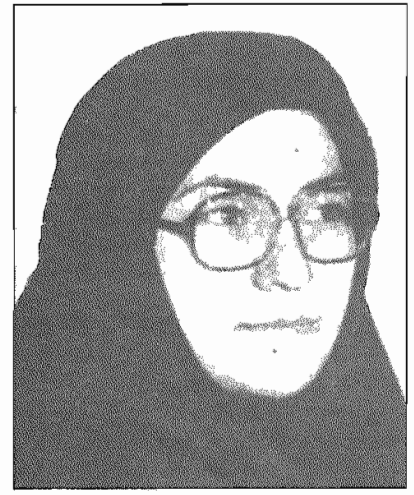
مجاهد بنیانگذار شهید علی اصغر بدیع زادگان



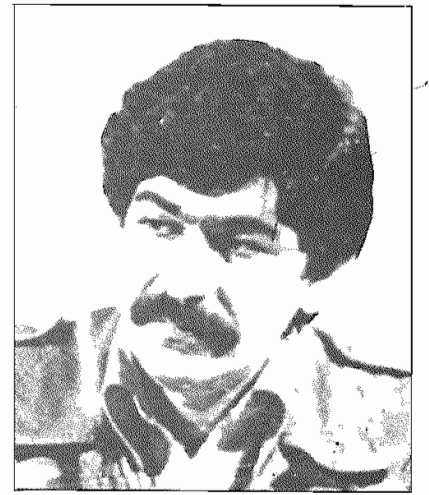
مجاهد شهید، بنیانگذار کبیر محمد حنیف نژاد



مجاهد بنیانگذار شهید سعید محسن



سمبل زن انقلابی مجاهد، شهید اشرف ربیعی



سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی

بیان مالی سازمان مجاهدین خلق ایران همراه با لیست اسامی و میزان وامها و کمکهای مردمی
در سومین سال مقاومت انقلابی سراسری
در صفحه ۷

پیام برادر مجاهد مسعود رجوی فرمانده عالی و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران بمناسبت آغاز بیستمین سال بنیانگذاری سازمان

بسم الله الرحمن الرحيم

وَ هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا مِثْقَالًا شَفَعْنَا لِعِبَادِكُمْ تَمِيتَ فَأَنْزَلْنَا مِنْهَا مَاءً فَآخْرَجْنَا مِنْهَا خَضِرًا لِيُؤْكَلَ فَكَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لِقَعْلِكُمْ تُذَكِّرُونَ وَ الْبَلَدَ الطَّيِّبَ يَخْرُجُ تِبَّانُهُ يَأْذَنُ رَبِّي وَالَّذِي حَبِيبٌ لَا يَخْرُجُ إِلَّا كَيْدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (آیات ۵۷ و ۵۸ اعراف)

"اوست آنکه بادها را می‌فرستد، بشارت بخش و پیشتازان (رهائی و) رحمتش تا با بار ابرهای سنگین بردارند، برانیم آنها را بسوی شهر و دیار مرده و مرگزده، تا بدان وسیله آب (مادهی حیات) را فرو فرستیم، پس برون آوریم به آن از تمامی میوه‌ها. این چنین، مردگان را نیز برمی‌انگیزیم. شاید که یادآور و پندگیر شوید.

زمین (و شهر) پاک و نیک برون آید رستنی‌اش به اذن پروردگارش (در موعد معین) و آن زمینی که پلید و ناپاک است جز (گیاه) اندک و بی‌ثمر حاصلی ندهد. این چنین نشانه‌های خود را برای گروهی که شکرگزارند (پدیدار) می‌گردانیم."

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران
بنام بنیانگذار کبیر سازمان مجاهدین خلق ایران
شهید محمد حنیف نژاد
و یاران پاکباز و رستگارش راهبران شهید:
سعید محسن و علی اصغر بدیع زادگان،
آموزگاران بزرگ نسل شرف و رهائی،
نسل مجاهد خلق

مردم آزاده‌ی سرزمین ایران؛

مادران، پدران، خواهران و برادران
نیمنه شه‌ریور ماه، نسیم پاکباز "رحمت و رهائی"
که اکنون در میهن ما "سازمان مجاهدین خلق ایران"
نامیده می‌شود، آغاز بیستمین سال تولد خود را جشن
می‌گیرد. جشنی خونین و آتشین با کیهانشانی از اخگران
سرخ و هزاران ستاره‌ی شبتاب که جملگی با گلوله‌های
سربین بر فلک تقدیر این میهن دوخته شده و در پس
ابراهی تیره و تار، طلوع آفتاب تابان آزادی را نوید
می‌دهند جشن وفا و ایمان. جشن داس و گندم و
شاخه‌های زیتون در مشت‌های گره‌گرفته‌ی نسلی که طی
۱۹ سال گذشته سلاح بر کف برای آزادی خلقتش و
میپنشن "ایران" قیام نموده و در گورهای گذران انقلاب،
هرچه خالصتر شده است. جشن تفتیدگی و استواری بر
سندان مجاهدت بیست ساله که دست افشان و پاکویان،
سینه‌چاک و سربدار و سرودخوان، با عزمی جزم برای
امحاء هرگونه استبداد و استعمار و استثمار و پالایش
آئین حنیف ابراهیمی از جمیع رسوبات جاهلی و
بهره‌گشی به پیش می‌رود. جشن پرواز بسوی یگانگی
اجتماعی و نیل به آرمان بالا بلند "جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی
توحیدی". مظهر دلنشینی که بر پای همه‌ی وصایا و سنگ
مزارهای مجاهدین بچشم می‌خورد...

چنین بود که ۱۹ سال پیش شجره‌ی طیبه‌ی "مجاهد
خلق" در بن‌بست مبارزات رفرمیستی تولد یافت، در
پهنه‌ی دریای "خلق" با دایان "انقلاب" گشود و
مبارزای "سازمان یافته" و "علمی" را بر اساس ایدئولوژی
انقلابی اسلام آغاز کرد.
... در پس تلاش‌های مستمر آن تشکل کوچک و آن گروه
اندک نخستین، ذهنی و فکری وجود داشت که از

جمع‌بندی واقع بینانه و درک عمیق مبارزات تاریخ
معاصر مایه می‌گرفت. به این ترتیب برای نخستین بار
نسلی از انقلابیون یکتاپرست، پا به عرصه‌ی تاریخ
میپن نهاد که قبل از هر چیز کسب "صلاحیت" نسبی را
مد نظر قرار داشت. آنگاه پس از شش سال کار مخفی
دوران عمل آغاز شد...

همه می‌دانند که این نسل را تا امروز هیچ نصیبی
جز شکنجه و زندان و تیرباران نبوده است. نسلی
خانهدوش و با بدن‌های سوخته که در طوفان توطئه‌ها،
پایداری و ماندگاری عقیدتی خود را در قله‌ی انقلاب و
ترقی به اثبات رساند. شاه و شیخ تا توانستند بر سرش
چماق کوبیدند و سرب مذاب در سینش ریختند.
چپ‌نمایان نیز یک چند فرصت را غنیمت شمرده و به
قدر امکان جسدش را نیز آتش زدند.
آری این نسل پیوسته در معرض شلاق و توطئه بود.
با سپیلی از اکاذیب دیوانه‌وار که از هر سو بر او نثار
شده است.

بدرستی کدامیک از دیکتاتورها و مرتجعین و
"میانه‌بازان" و فرصت‌طلبان رنگارنگ بخت خود را با
این نسل نیازموند و در صدد "ملاشی" کردن آن
برنیا مده‌اند؟! راستی کجا هستند آنانکه در اوایل
سلطنت خمینی چون مور و ملخ از آشیان عاقبت‌جوئی
سال‌های دراز بیرون آمده و کباده‌ی اسلام و انقلاب
می‌کشیدند؟! یا آثانکه در آن اوائل بزعم خود به
سازش! و مامشات! مجاهدین با رژیم خمینی خرده
می‌گرفتند؟! و یا آثانکه نسل ما را به همدستی با
ضدانقلاب و ریختن آب به آسیاب امپریالیسم متهم
می‌کردند؟!!

اما برغم همه‌ی اینها بر زمینهای از "پاکی" عقیدتی
و "نیکی" سیاسی، شجره‌ی پرحاصل مجاهد خلق؛ که
در اعماق تاریخ و فرهنگ ایران و در سراسر دریای خلق
ریشه دوانیده؛ به اذن پروردگار تکامل‌بخش خود و تحت
قانونمندی‌های خدشه‌ناپذیر انقلاب و اجتماع، گل کرد و
میوه داد و می‌رود تا بشارت‌بخش رهائی شهر و دیار
شاهزده و خمینی‌گزیده باشد. می‌رود تا با تدارک قیام
رهائی‌بخش مردمی زنجیره‌های سنگین دیکتاتوری و ارتجاع را
درهم شکسته و انقلاب کبیر خلق را به ثمر بنشاند.
لذاست که همزمان با انتشار فهرست جدید اسامی
و مشخصات بخشی از شهدا و پرچمداران این انقلاب
نویسن که در کل کشور بیش از ۱۰/۰۰۰ تن را بالغ شده
و حدود ۸۵٪ آن از مجاهدینند، در برابر روان‌های
والای بنیانگذاران شهید این سازمان بویژه معلم، مربی
و مرشد و مسئول خود "محمد حنیف" زانوی می‌زنم و از سوی
تمامی زنان و مردان مجاهد در هر کجای ایران و جهان
که باشند در پیشگاه پروردگار یکتا "سجده‌ی شکر" بجای
می‌آورم. باشد که آیات رحمت و عزت او بر نسل ما
بیشتر پدیدار گردد...

شکر برای همه‌ی ابتلائات و آزمایشاتی که تا این
تاریخ نسل ما در معرض آن قرار گرفته و از آنها روسفید
و سرفراز بیرون آمده است.
شکر برای برخورداری از حمایت خلق محبوبی که
بدینسان پاک‌ترین و رشیدترین فرزندان خود را
هزارهزاریه زیر درفش خونین سازمان مجاهدین خلق
ایران می‌فرستند.

شکر برای جگر سوختگی از فراق موسی و اشرف و
محمدضابطی و محمدرضا سعادت و هزاران هزار شهید و
اسیر دیگر که تا آخرین نفس مشعل وفا و ایمان بر دوش
کشیدند و راه آزادی خلق در زنجیرمان را گشودند.
شکر برای قوت تصمیم و خلوص انقلابی و عقیدتی
هر هسته‌ی مقاومت و میلیشای مجاهد خلق و هر زن و
مرد مجاهدی که در دشت و کوه و جنگل و یا در

شهرهای دور و نزدیک و یا در خارج از کشور شرف
مقاومت و شکست‌ناپذیری یک خلق تحت ستم را نمایندگی
می‌کند و با هر مسئولیتی که بر عهده دارد شب و روز
سرا پا نمی‌شناسد.

شکر برای زدودن همه‌ی انحرفات و جاذبه‌های
قدرت‌طلبانه‌ی دنیوی و استقبال از همه‌ی فشارها و
مصائبی که لازمه‌ی پاکیزگی و تصفیدی راه و روش
مجاهدی از تمایلات و رسوبات ارتجاعی و انحرفاتی طی
۱۹ سال گذشته بوده است.

شکر برای برخورداری از هزاران مادر و پدر مجاهدی
که از ارزشمندترین عزیزان دلبد خود بخاطر خدا و
خلق گذشته و بازم خواهند گذشت.

اکنون بگذارید بازم هرآنکس که می‌خواهد،
فهرست شهیدان را نشاندی "شرشکستگی یا ورشکستگی"
قلمداد کند. بگذارید هر کس که می‌خواهد همچون
خمینی‌گور شهیدان ما را نیز تخریب نموده و سنگ‌های
مزار آنها را هم بشکند. بگذارید بر شهیدان نسل ما
بویژه بر "هواداران ناآگاه"! بخندند و بر سر زندگانمان
خاکستر بپاشند. بگذارید خمینی‌صفتانه داستان
مجاهدین را ده‌بار "فتنهای" پایان یافته بخوانند.
بگذارید قبل از هر چیز بفکر سرعت و میوه‌چینی از خون
شهدا و شکنجه‌ی اسرای ما برآیند و خام خیالانه دوران
بعد از خمینی را البته با نیت "دفع شر مجاهدین" در
اوهام خود تدارک ببینند...

اما ما سوگند می‌خوریم که همچنان تا آخرین نفس
بعهد خود با خدا و خلقمان وفا کنیم.

بیش از ۳ سال است که همه‌ی ایرانیان و جهانیان
می‌دانند که در صحنه‌ی مقاومت انقلابی، سراسری بیش از
۹۰٪ "کاروبار" بر دوش عنصر موحد مجاهد خلق است
که در چارچوب یک آلترناتیو دمکراتیک - انقلابی مرکب از
عموم نیروهای مختلف ملی و دمکراتیک و انقلابی با
مرام‌های گوناگون عقیدتی انجام وظیفه می‌کند. جاشینی
که در مقطع تاریخی کنونی تنها ضامن تمامیت آزادی
و استقلال میهن و استقرار حاکمیت ملی و مردمی است.
حال آنگه مدعیان دیگر، اغلب یا تسلیم شده و یا
به طرق مختلف در صدد سازش و تسلیم‌اند و یا به

مقاومت انقلابی سراسری پشت نموده و در تلاشی
نمودن آن می‌کوشند و به زبان‌های مختلف نغمه‌ی
"ثبات" و "دوام و بقا" این رژیم ضد مردمی را
سر داده‌اند. برخی نیز در وانفاسی غربت بسا لاف
می‌زنند و بر طبل‌های میان‌تهپی می‌کوبند و هزاران
فرسنگ دور از صحنه نبرد گماکان به شغل شریف!
جداسازی "رهبران ناصادق" از "هواداران ناآگاه"
اشتغال دارند. در این میان شگفت‌انگیزتر از همه
وضعیت مدعیان جنت‌مکانی! است که در واقع سالوسان
خیانتکاری بیش نیستند. آنانکه در "میانه‌ی جلاذ و
قربانی به موعظه! کردن قربانی اهمیت می‌ورزند و یا
در "محاکمه" او می‌کوشند تا در قدم بعد بتوانند
ماهیت ارتجاعی خود را هرچه سریعتر بارز نموده و آشکارا
اعلام کنند که خمینی را بسا از مجاهدین (و بویژه
رهبری توتالیتراریست آنها) به خود نزدیکتر یافته‌اند.
گناه این رهبری این است که تسلیم "باج‌خواهی
میوه‌چینان" حرفه‌ای نشده و حاضر نگردید نمی از وزرا
و وزارتخانه‌های دولت آینده را همانند گوشت شکار نشده،
پیشاپیش بنام آقایان قبایله کند.

گناه این رهبری اینست که از یکسو در منتبهای
انعطاف و حسن‌نیت و بهانه‌ی یک آزمایش تاریخی برای
همگان در چارچوب "آزادی و استقلال" سنگ تمام
گذاشت و هیچ فرصتی را در این رابطه از هیچکس دریغ
نکرد اما از سوی دیگر بحکم وظیفه از روز نخست اعلام

پیام برادر مجاهد مسعود رجوی فرمانده عالی و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران بمناسبت آغاز بیستمین سال بنیانگذاری سازمان

نمود و گفت و نوشت و دست بر برگ گردن گذاشت و سوگند خورد که بر سر خون شهیدان با هیچکس معامله نخواهد کرد و به هیچکس امتیاز اساسی نراند بر "مقاومت" اش نخواهد داد. هرگز "یادی امیرالایم" و ارتجاع و بقایای شاه و خمینی و نیروها و احزاب وفادار به آنها را نخواهد پذیرفت. اجازه‌ی بازگشت به دیکتاتوری‌های شاه و خمینی نخواهد داد و بویژه هرگز نخواهد گذاشت اراذل نوفل لوشاتو مجدداً در فضای سیاسی این میهن آغشته بخون، جولان کنند و بخاطر جاه و قدرت، مجدداً سرنوشت این خلق را به تاهی گشاده و آخر سر از زمین و زمان نیز بستانکار دربرایند! اگرچه این رهبری می‌دانست که فرصت طلبان کینه‌کار چه "مار"ها و برچسب‌هایی بویژه در عرصه‌ی بین‌المللی علیه او در آستین دارند. می‌دانست که ایان در جعل و دروغ و تحریف در سبانه‌ترین و ناشرافتمندانه‌ترین صورتش ید طولانی دارند و می‌دانست که اگر رژیم خمینی بزودی سقوط نکند بسا گسان به کشفیات جدیدی ناخن خواهند شد و منجمله دمگرات ما بانه! و ملی‌گرایان! و فیلسوف‌نمایان! به این نتیجه خواهند رسید که ولایت فقیه خمینی بدگرد ولایت توتالیترستی رهبری (استالینستی - پل پتی - ببرگ کارملی) مجاهدین نیز نمی‌رسد!!

آری گناه مجاهدین - گناه تمامی مجاهدین و نه تنها رهبرانی چون خیابانی و رجوی و زرکنش و داوری و ابریشمچی و عطائی و سایرین - اینست که به حکم تمامی درد و رنج ملت ایران و به حکم قطره قطره‌ی خون‌های پاک‌ی که قبل از هر چیز فدیه‌ی آزادی پایدار و استقلال ملی این میهن شده است. و به حکم آرمان‌های همی شهدا و اسیران و شکنجه‌شدگان؛ سوگند خوردند که اینبار تقریباً پس از یک قرن که از قیام مجاهدان آزادی‌ستان صدر مشروطه می‌گذرد دیگر به ارتجاع و امیرالایم و فرصت‌طلبی و میوه‌چینی میدان ندهند. همان مجاهدینی که با خون‌های خود اسلام پناهی ارتجاعی خمینی را نیز درهم شکستند و تا جایی که در توان داشتند به آن میدان رشد ندادند.

راستی در سال‌های معاصر کدام انقلاب، کدام جنبش و کدام سازمانی را می‌توان سراغ داد که در مقیاس مجاهدین اینگونه پاکبختگی و انسجام و استواری نشان داده و از سوی دیگر تا بدین حد از همه طرف هدف تیرهای مسموم و زهرآگین واقع شده باشد؟ پس بگذارید در همینجا از همه‌ی آنها بی‌گناهی که پیشرفت انقلاب رهانیبخش نوین مردم ایران و گسترش و ارتقاء سازمان پیشاز آن را بر ضد منافع حقیر فردی و گروهی خود یافته‌اند به جد تقاضا کنم که مبادا بر علیه نسل ما از آخرین تیرهای ترکش ارتجاع و فرصت‌طلبی نیز دریغ کنید! مبادا بازم در تیغ کشیدن از رو و خنجر زدن از پشت به این نسل قهرمان گماکان لختی درنگ نمایید! هر چه عقده و توهم در سر و هر آنچه مار و عقرب در آستین دارید علیه ما بکار اندازید!

بیگمان یگروز خلق قهرمان ایران بین ما و شما داوری خواهد نمود. حال هرچه در چپته دارید بیرون بریزید! تا می‌توانید سنگ بیاندازید و علیه ما تقلا کنید! آنکس که با مهیب‌ترین نیروی تاریخ این میهن - یعنی استبداد مذهبی خمینی خون‌آشام - چنگ در چنگ شده لابد از پس فشارهای رسوبات ارتجاعی و انحرافی دیگر نیز برخواهد آمد. این یک آزمایش عظیم تاریخی است. آزمایشی که بیش از پیش خود ما را مطهر و پاکیزه می‌کند و مدعیان مؤرورا نیز بر جای خود می‌نشانند.

بر همین روال بگذارید هر که می‌خواهد مذبح‌وحانه به تختگی مقاومت انقلابی مسلحانه برخیزد و در میانه‌ی جلاد و قربانی به "موضع" او و سپس به "محاکمه"ی قربانی بکوشد تا در قدم بعد بتواند روضه‌ی "استحاله" بخواند و از دیگران نیز بخواهد تا چون او سر در "میانه"ی رژیم خمینی فرو کنند و غرقه در پیلیدی شود.

اما ما به این تقلابی بی‌شمر پوزخند می‌زنیم و با اشمزاز از جاه‌طلبی شیخ این تشنه‌گامان قدرت که می‌خواهند خون شهدای خلق را رذیلا نه لگدکوب سم ستوران "میانه"ی خمینی سازند می‌تویم که هیچکس و هیچ قدرتی در جهان نمی‌تواند جنایتگرانی همچون رفسنجانی، منتظری و مهدوی‌کنی و... را در انتظار ملت ایران تطهیر نموده و با محاسبه بر روی حمایت آنان همدی تقصیرات را به گردن جناح "سخت" والیته مجهول‌الهیوی! رژیم سرشکن کند و نقشه‌ی جهیدن بر "خر مراد" بگذرد. حتی اگر فرومایگی‌اش به آنجا برسد که به تلویح و به تصریح به رژیم عراق پیشنهاد کند که مخالفین (بخوانید اساساً مجاهدین) را "وجه‌المصالحه‌ی غرامتی بگرداند که رژیم خمینی می‌طلبد." آخر خطر وظی پرستی ریاکارانه، البته جز به اینگونه پیشنهادات خیانت‌بار نمی‌انجامد: "وجه‌المصالحه" قرار دادن مجاهدین به جای دریافت غرامت از رژیم عراق توسط رژیم خمینی. پیشنهادی که به اعتقاد نویسندگان این پیشنهاد مرضی‌الطرفیتی (هم برای رژیم خمینی و هم برای رژیم عراق) جلوه می‌کند. گوش کنید: "... رژیم خمینی امیدوار است رژیم صدام تضعیف و سرانجام ساقط شود. اما رژیم صدام امیدوار است رژیم خمینی تحول کند و صلح را بر جنگ ترجیح دهد. از آنجا که بظاهر حل مشکل در گرو تصمیم خمینی است ناگزیر باید دید چگونه تحولی این رژیم را به صلح راضی خواهد ساخت.

رژیم عراق برای آنکه رژیم خمینی را به صلح راضی گرداند باید: اولاً خیال رژیم ایران را از لحاظ هدف‌های آینده‌ی عراق در باری رژیم ایران مطمئن گرداند. ثانیاً خیال رژیم ایران را از مزاحمت‌های کنونی و آتی مخالفان این رژیم آسوده سازد. به سخن دیگر مخالفان را وجه‌المصالحه‌ی غرامتی بگرداند که رژیم خمینی می‌طلبد. یکی غرامت سیاسی که رفتن صدام است و دیگری غرامت مالی که سر به بیلیاردها دلار می‌زند. در حقیقت میان دو خواست یکی صلح بلافاصله و دیگری سقوط رژیم خمینی تناقض وجود دارد.

نمی‌توان هم خواهان صلح با رژیم خمینی شد و هم خواهان سقوط آن گشت. رژیم خمینی هیچ فرصتی را برای نشان دادن این تناقض و افشای رژیم عراق از دست نداده است:

رژیم عراق هم می‌خواهد رژیم ما را ساقط کند و هم می‌خواهد با صلح کند!!

ملاحظه می‌شود که دعوی اصلی و اساسی بر سر مخالفان رژیم خمینی و اساساً بر سر همان مجاهدین توتالیترست است و نه بر سر رژیم خمینی و یا رژیم عراق. اما ما بازم به این پیشنهادات پوزخند می‌زنیم بخصوص که می‌دانیم اکنون ۱۳ سال و اندی پس از خروج قوای عراقی از خرمشهر کار رژیم خمینی بسا از این چیزها گذشته و برای وجه‌المصالحه قرار دادن شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران قبل از هر چیز بایستی خود را در داخل ایران و در برابر طوفان مقاومت و قیام خلق وجه‌المصالحه قرار بدهد. رود خروشان شهیدان و مقاومت اسیران و رزمندگان و تمامی پیشمرگان مردم ایران گواه این حقیقت است. لذا از آنجا که یقین داریم اگر

"وجه‌المصالحه" قرار دادن مجاهدین سودمند باشد کسی از آن صرفنظر نخواهد نمود؛ هم به پیشنهاد دهندگان و هم به دریافت کنندگان پیشنهاد (اساساً رژیم خمینی) خاطر نشان می‌کنیم که حتی از یک چنین صلحی نیز دریغ نکنند! اگر این مجاهدین و اگر این مقاومت و اگر این آلترناتیو دمگراتیک - انقلابی در داخل مردم ایران پایگاه و ریشه دارند و اگر رزمندگان ما گماکان جان بر کف و آماده‌اند و اگر مجاهدین همان‌ها هستند که سوگند خورده‌اند حتی به بهای عملیات مقدس انتحاری جمیع اعضا خود (از زن و مرد) رژیم ضدیشری خمینی را ساقط نموده و دمگراسی پایدار و حاکمیت مردمی و ملی را مستقر سازند؛ ما هرگز بطور استراتژیک از "صلح" متضرر نخواهیم شد. اگر رژیم خمینی فی‌الواقع صدار جنايتكارتر و مغرورتر از رژیم دست‌نشانده‌ی شاه است و اگر مقاومت ملت ایران در برابر چنین رژیم واقعی واقعیت دارد و اگر مجاهدین از اعماق تاریخ و فرهنگ ایران در پرتو ایدئولوژی انقلابی اسلام جوانه زده‌اند؛ بگذارید خمینی و یا جناح باصطلاح نرم آن سرپوش اختناق (جنگ) را بدست خود کنار بزنند و صلح کند تا آثار آن را در تسریع قیام خلق به عیان ببیند.

وانگهی تجربه ثابت کرده است که خمینی به نسبت کلیه‌ی سیاست‌پیشگانی که تمامی آنها را با یک "پشت یا" نقش زمین نموده و یا فقط با یک "تنه‌زدن" آنها را از صحنه‌ی سیاسی خارج کرده است؛ از هوشیاری ضدانقلابی بسا بیشتر و وافرتری برخوردار است. پس باید به اینگونه سیاست‌پیشگان نصیحت نمود که خود را برای رهنمود دادن به خمینی بیش از این خسته و ملول نکنند. اگر خطی "خواندنی" و بر علیه مجاهدین "اجرا کردنی" می‌بود؛ آنچه را که امروز شما در آئینه می‌بینید از آن مدتها پیش در خشت خام خوانده بود. فقط باید افزود که: هر که باشد از هر کجا که انسان بر ضد مجاهدین و مقاومت انقلابی سراسری سرمست شده باشد؛ قدری "دیر" آمده‌اید؛ دیر آمده‌ای رفیق سرمست! چرا که امروز دیگر پس از سه سال گذشتار لاینقطع و سرکوب مداوم و در شرایطی که جنبش مقاومت خلق و ستون فقرات آن، مقاومت مسلحانه‌ی سازمان مجاهدین خلق ایران و مقاومت هسته‌های مجاهد خلق مجدداً رو به اعتلاست. تکرار می‌کنم: در شرایطی که در مسیر تدارک قیام گام‌های بنیادین و اساسی برداشته شده و شعله‌های فروزان مقاومت انقلابی رو به اعتلاست - و در شرایطی که ضمن سه سال گذشته زنجیری از توطئه‌های مستمر (ارتجاعی و امیرالیستی) برای متلاشی نمودن تنها آلترناتیو دمگراتیک - انقلابی در هم شکسته و خوشبختانه تا این تاریخ شورای ملی مقاومت ایران را با سرفرازی تمام با همکاری کلیه‌ی اعضای آن بر سر پا نگاه داشته‌ایم؛ خمینی دیگر هیچ برگ کیفی جدیدی علیه "مقاومت" و بویژه علیه مجاهدین در جیب قبایش ندارد و علیرغم همه‌ی آسیب‌های محتمل موضعی و ضربات تاکتیکی، نمی‌تواند ما را بطور استراتژیک زیانکار نماید. مگر آنکه به ترور یا حذف فیزیکی تمام ما نایل آید که البته این روزها به شدت دست‌اندرکار طراحی آن (بطور مستقیم و غیرمستقیم) می‌باشد.

بگذاریم که تا آنجا که به مجاهدین خلق ایران مربوط می‌شود تاریخ پرفراز و نشیب ۱۹ سال گذشته بوضوح ثابت کرده است که این جریان عظیم تاریخی هیچگاه متکی به یک فرد و یا تنی چند افسراد رهبری‌کننده نبوده و قبل از این، مجاهدین توانسته‌اند حتی فقدان بنیانگذاران بگیر

پیام برادر مجاهد مسعود رجوی فرمانده عالی و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران بمناسبت آغاز بیستمین سال بنیانگذاری سازمان

خود را نیز تحمل کنند و از طریق آن فدیهای عظیم نیز راه پیشرفت و ارتقاء بیجویند. راهی که خود آنها (بنیانگذاران) بازگشودند و ضمن آن بهما آموزش دادند که بایستی بنای کار را طوری گذاشت که با فقدان افراد برهم نریزد. گماینکه سالها بعد مجاهدین بازم بردباری و استقامت خود را به آزمایش گذاشته و فقدان سرداری چون موسی و سمیلی چون اشرف را نیز تحمل نمودند و از این شهادت‌های عاشوراگونه پل‌های استوار برای پیروزی و بهروزی خلق در زنجیرشان تعبیه کردند.

براستی هم بدن هر مجاهد خلق (خواه موسی و اشرف و خواه هزاران میلشیا و زن و مرد دیگر و خواه مسعود) چیست جز قطعه‌ای از پل پیروزی خلق. باشد که خلق قهرمان ایران از روی آن بسوی آزادی و یگانگی عبور کند.

آری، جان هر مجاهد در مسیر خدا و خلق همانند آجری است بر بنای نورانی و مرتفعی که قلب تاریکی‌ها را از هم می‌برد و در مسیر مبارزه با انواع ستم و بهره‌کشی که لازمی و وصول به یگانگی اجتماعی است، بسوی خدا پُر می‌گردد. چنان ذره‌ای که با شور و عشق چرخ زنان راهی خداگونه‌ی خورشید شده و به اصل خداگونه‌ی انسانی‌اش باز می‌گردد. یا همچون "کلمه‌ای" در سرود لایتناهی آفرینش که از خدا و برای خدا و بسوی خدا سروده می‌شود.

مَنْ كَانَ يُرِيدَ الْغِيَاةَ فَلْيَذْهَبْ بِهَا إِلَى الْوَيْعَةِ الْكَلِيمِ الْكَلِيمِ وَالْعَقْلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ (فاطر آیه شماره ۱۰)

هرآنکس که در جستجوی عزت است بدانند که بزرگی و عزت تماما از آن خداست. "کلمات" پاک و طیب به سوی او بالا می‌روند و کردار و مشی شایسته (متناسب با شرایط و زمان) آن را اوج می‌دهد...

چون صحبت به توطئه‌های دشمنان خلق و بویژه دشمن ضدبشری در خارج کشور کشید فرصت را مفتنم شمرده و در همین جا از تمامی خواهران و برادران مجاهد در هر کجای ایران و جهان که هستند یا خواهند بود، به جد درخواست و قویا تاکید می‌کنم که در شرایط متحول آتی نکته به نکته رهنمودهای سیاسی و فرامین نظامی برادر مجاهد و قهرمان علی زرکش جانشین مسئول اول و فرماندهی سیاسی - نظامی سازمان را آویزوی گوش قرار دهند.

هم‌میهنان،
خلق قهرمان ایران،

شورای ملی مقاومت بمنابه تنها جانشین دمکراتیک و مستقل و مردمی برای رژیم خون‌آشام خمینی تاکنون مصدر خدمات تاریخی بسیار ارزشمندی بوده است. این شورا جایگاه تلاقی و اتحاد عموم نیروهای آزادیخواه و استقلال‌طلب مردم ایران از اقشار و طبقات مختلف خلق با مرام‌ها و عقاید گوناگون بوده و خواهد بود. برنامه‌ی شورا و دولت موقت و طرح‌های مصوب این شورا راجع به صلح عادلانه و خودمختاری کردستان ایران یک ارزش تاریخی خاصی خود را دارند. شعار اصلی این شورا که حاصل نغمی تام و تمام رژیم‌های شاه و خمینی است "مرگ بر خمینی" یا "مرگ بر رژیم خمینی" می‌باشد و مشی محوری آن باتفاق آرا "مبارزه و مقاومت مسلحانه" برای سرنگونی دشمن ضدبشری شناخته شده است.

در ۲۳ مردادماه گذشته شورای ملی مقاومت به صدور بیانیه‌ی فوق‌العاده مهمی مبادرت ورزید که باتفاق آرا، کلیه‌ی نیروها و شخصیت‌های عضو شورا

تصویب شده است. به اعتقاد مجاهدین خلق ایران این بیانیه نه فقط بر یکی از فتنه‌های سیاسی ایام اخیر نقطه‌ی پایان، بلکه فراتر از این، نقطه‌ی اوج دیگری در انسجام درونی و تصفیه و تکامل دائمی شورا می‌باشد که حقا در مسیر سرنگونی دشمن ضدبشری و استقرار دمکراسی و استقلال ملی و مرزبندی میان خسادان و خائنان به خلق واجد اهمیت تاریخی است. بیانیه‌ی ۲۳/مرداد/۶۳ شورای ملی مقاومت من باب روشن‌شدن اذهان عمومی منجمله تصریح می‌کند "این شورا رژیم خمینی و تمام دستمندی‌های درونی آن را یکسره ضدانقلابی می‌شناسد و طبعاً هرگونه موضعگیری یا فعالیتی را که در خدمت حفظ و تحکیم این رژیم ارتجاعی باشد و شبهه‌ی تحول‌پذیری و قابلیت اصلاح آنرا القا کند همدستی با ضدانقلاب حاکم و تلاش مذبحخانه برای تضعیف روحیه‌ی مقاومت و در نتیجه خیانت به عالیت‌ترین مصالح مردم ایران و آرمان‌های آزادیخواهانه و استقلال‌طلبانه‌ی آنها ارزیابی کند."

بیانیه‌ی شورا تلاش برای "تطهیر مسئولان جنایت‌پیشه و خونخوار رژیم خمینی" را که البته "نخستین هدف" آنها "متلاشی کردن شورای ملی مقاومت" می‌باشد قویا محکوم و این‌قبیل تشبثات را همچون "گوشش آخرین نخست‌وزیر شاه برای پیشگیری از امواج پیروزمند انقلاب مردم و حفظ رژیم"، ناموفق می‌شناسد.

شورای ملی مقاومت به اتفاق آرا، تاکید می‌کند که "شدت یافتن اخیر فعالیت‌های ضدانقلاب حاکم و مدعیان گادب مخالفت با رژیم خمینی در خارج از کشور، نه علامت ثبات رژیم خمینی بلکه نشانه‌ی بی‌ثباتی این رژیم و ترس از عواقب مرگ خمینی است. ترسی که البته با توجه به اوجگیری و اعتلای جنبش مقاومت عادلانه و فزاینده‌ی مردم ایران قابل درک است؛ اما هرگز نمی‌تواند هیچ روزنه‌ی امید بر روی گساینکه به استحاله‌ی رژیم متزلزل خمینی دلستاند بگشاید."

در همین بیانیه "شورای ملی مقاومت یکبار دیگر خاطر نشان می‌کند که مبارزه با رژیم خمینی را بر اساس مقاومت مسلحانه و با استفاده از تمامی طرق و وسایل مکمل آن تا پیروزی نهایی بر این رژیم و استقرار حاکمیت ملی و مردمی ادامه خواهد داد."

براستی همچنانکه در بیانیه‌ی شورا آمده امروز دیگر اثبات بی‌ثباتی و بی‌آیندگی رژیم خمینی احتیاج به توضیحات مبسوط ندارد و بسیاری دولت‌های جهان نیز به آن معترفند. لذا در شرایطی که درآمد نفت طی هفته‌های اخیر بار دیگر بشدت کاهش یافته و تقریباً به نصف تقلیل یافته است، در شرایطی که مقامات رژیم خود تصریح می‌کنند که سال گذشته ۲۴ میلیارد دلار واردات داشته‌اند و در سال جاری نیز تاکنون واردات ۶۰ برابر صادرات غیرنفتی بوده است، در شرایطی که خمینی در قبال مجلس جدیدش حتی از قدرت مانور سیاسی برای تعویض نخست‌وزیر جنایتکارش نیز برخوردار نبوده و برای ممانعت از هر تحولی که بنحوی به شل شدن مهار اوضاع بیانجامد، مجبور است با پادرمیانی شخص خود نخست‌وزیرش را به نمایندگان مجلس بقبولاند و در شرایطی که خمینی عناوین توخالی نظیر ملی‌گردن تجارت خارجی و اصلاحات ارضی را تماماً به‌کناری نهاده و برغم شعارهای مظنون پیشین، آن روی چهره‌ی خط‌امامی خود را عیان‌تر نموده و بلحاظ اقتصادی به سرمایه‌داران وابسته و وابسته‌گرایی اطراف خودش و نیز

به محافظه‌کاران سنت‌گرای فوق ارتجاعی و فتووالی، بیش از پیش امتیاز می‌دهد؛ بسیار قابل درک است که بحران درونی و اختلافات و تضادهای داخلی رژیم تا

کجا افزایش یافته است. اما واقعیت این است که جریان اضمحلال و پاشیدگی این رژیم ضد مردمی نه بطور تصادفی و خودبخودی بلکه قبل از هر چیز ناشی از مقاومت و جانبازی و ضربات کوبنده‌ی رشیدترین فرزندان مردم ایران می‌باشد که رژیم خمینی را به روزگار کنونی گشاده‌اند. بنابه یک قاعده‌ی عام سیاسی و اجتماعی تضادها و اختلافات بالائی‌ها در چنین مواردی، مقدم بر هر چیز دیگر بازتاب جبری و اجتناب‌ناپذیر مبارزه میان "پائین" و "بالا" است. یعنی از تضاد آشتی‌ناپذیر بین خلق و رژیم سرکوبگر ضد خلقی ناشی می‌شود که ابتدا ماهیت آن برای توده‌ی مردم افشاء و برملا شده و از آنها منزوی گردیده است و آنگاه در جریان اضمحلال و متلاشی‌شدن قطعی و نهائی خود، قدم به قدم تحلیل می‌رود و تجزیه می‌شود. اینجاست که عده‌ای که به مقاومت مردمی پشت کرده‌اند به سودای قدرت درصدد بره‌ی آیند تا تنور گرم است نانی هم برای خود بپزند و بخت برگشته‌ی خود را با ارائه‌ی پیشنهاداتی در راستای نجات تمامیت رژیم از فای محتوم با "وجه - المصالحه" قرار دادن نیروهای مقاوم انقلابی باریگر بی‌زمانند و از این لحظه به بعد مسابقه برای عرضه کردن خود و خدمات خود به دژخیم بانحا مختلف آغاز می‌شود. . . . و بعضاً حتی برای ردگم کردن هم که شده در منتهای وقاحت "میان‌بازانه" به پیشنهاد بحث آزاد! به ما (مجاهدین) نیز منتصبی می‌گردد. بحثی که لابد موضوع آن بهترین نحوه‌ی توبه! دادن گرگ درنده‌ای چون خمینی و دیگر جانوران شرور و هززه‌ی اطراف او اعم از "نرم" تنان یا "سخت" سران است که قطعاً بحث پیرامون بهترین فوت و فن‌های رجعت به پیشینه‌ی ارتجاعی با لنگ و لگد زند هر چه بیشتر به مجاهدین را نیز شامل می‌شود!!

عجبا که در گذشته آقایان بهشتی و گیانوری نیز یک چند گوشیدند با مجاهدین به بحث آزاد! بنشینند اما بزودی دریافتند که نسل ما ملعبه‌ی بوالهوس‌های ارتجاعی و فرصت‌طلبانه نمی‌شود و نیازی به درس گرفتن معانی دمکراسی و مبارزه‌ی ضدامپریالیستی در کنف ولایت فقیه! آنهم در چنین دکان‌هایی ندارد.

هم‌میهنان؛

هم‌دردان و حمایت‌کنندگان مجاهدین خلق ایران،

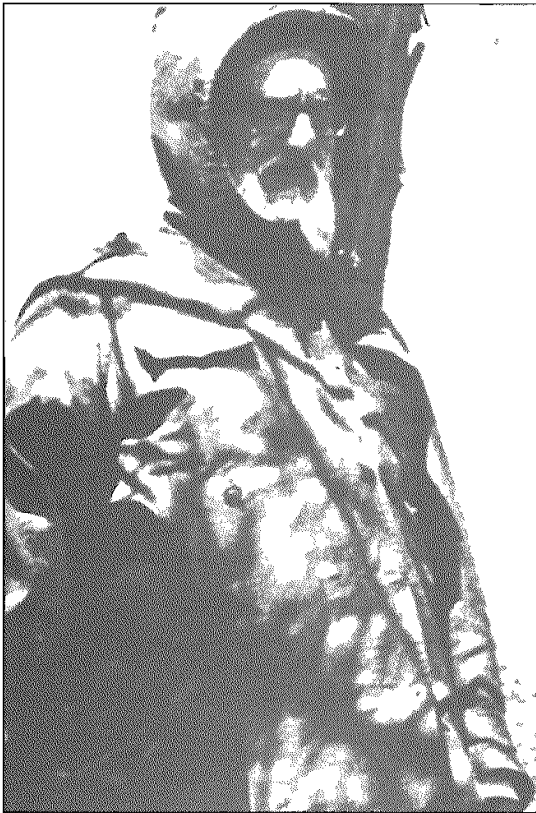
چنانکه می‌دانید تاکنون نزدیک به ۵۵۰ حزب، سازمان و جریان سیاسی از کشورهای مختلف جهان با محکوم کردن جنایات رژیم خمینی (که اعلام عدم مشروعیت این رژیم است) شورای ملی مقاومت را رسماً و کتبا برسمیت شناخته‌اند. بر همین روال نامه‌هایی از حدود ۶۴۰ اتحادیه‌ی کارگری و شورای صنفی و ۲۳۰ اتحادیه یا انجمن دانشگاهی و قریب به ۹۰۰۰ تن از شخصیت‌های شناخته‌شده‌ی سیاسی، پارلمانی، علمی، اجتماعی و مذهبی از سراسر جهان دریافت شده که تماماً حاکی از محکومیت قاطع رژیم خمینی و اعتبار بین‌المللی تنها جانشین دمکراتیک و مستقل برای این رژیم ارتجاعی است.

در میان این نامه‌ها اسامی بیش از ۸۰ تن از نمایندگان کنگره‌ی آمریکا و بویژه رهبران شناخته‌شده‌ی حزب دمکرات آن کشور به چشم می‌خورد که مبین پیروزی تلاش‌های دیپلماتیک شورا در راستای برسمیت شناساندن حق مقاومت و حق آزادی و استقلال ملت ایران از سوی تمامی احزاب و پارلمان‌ها و دولت‌های جهان با هر مسلک و عقیده و مرام است.

بدیهی است که نفس "برسمیت شناخته شدن" گسترده، چه برای یک آلترناتیو و چه برای یک دولت

بقیه در صفحه‌ی ۱۵۱

یاد پدر طالقانی گرامی باد



مجاهدش در برابر دارودسته‌ی تبهکار و فاسد خمینی می‌گردید. می‌دید که چگونه مجاهدین، بار دیگر "راه جهاد" مسلحانه را گشودند و "برای درهم کوبیدن شرک و بت‌ها و اقامه‌ی توحید بی‌خواب شدند" و چون هزاران "گوهر" تابناک در "تاریکی" حاکمیت سیاه‌خمینی "درخشیدند" و در این راه، تا دفن کردن جرمه‌ی فساد و رذیلت، و بشارت "رحمت و رهائی" برای خلق (آرمان پدر طالقانی) همچنان به پیش خواهند تاخت. یاد پدر طالقانی گرامی باد

خرداد ۶۰، و فدیه نمودن دهها هزار از پاک‌ترین فرزندان خود در جریان انقلاب کبیر و نوین ما، در آینده میهنان هیچ جایی برای شاه جنایتکار و شیخ تبهکار و ارادل و ابواب آدمکش و غارتگر آنها نیست. ارتجاع خمینی نیز بدست توانای خلق می‌رود که الی‌الابد در همانجایی دفن شود که رژیم سلطنتی برای همیشه مدفون گردید! و بایکوبی و دست‌افشانی ضدانقلاب غالب و مغلوب برای جنایت‌ها و کشتارهایشان در حق مردم ستم‌دیده میهنان نیز، جز بر اراده‌ی خلق قهرمان ایران برای گسستن زنجیرها و نیل به رهائی نخواهد افزود.

یاد شهدای ۱۷ شهریور و تمامی شهدای بخون‌خفته‌ی خلق گرامی باد

درصد گسترش سلطه‌ی سیاه خود بود- هشدار داد. اما وفات نابهنگام پدر در اولین سال پس از قیام ۲۲ بهمن، به او این فرصت را نداد تا از نزدیک بروز کامل ماهیت ضدبشری و پلیدپیر کفتر خون آشام ارتجاع را نیز مشاهده کند که چگونه هزارها را مجاهد و مبارز را به میدان‌های تیرباران و یا شکنجه‌گاه‌ها و سیاه‌چال‌های قرون وسطائی‌اش کشید، و از هیچ رذالت و جنایتی در حق خلق و فرزندان رشید او فروگذار ننمود. اما کاش پدر زنده می‌ماند و شاهد پرشکوه‌ترین مقاومت تاریخی و حماسی فرزندان

تائید کرده و بی‌شرمانه گفت: "قانقاریا" بود باید بریده می‌شد، حتی امروز نیز چه در خفا و گاه علناً، با زبان بی‌زبانی از جنایت و آدم‌کشی‌های بی‌حد و مرز خمینی جلاد - خلف "پدر تاجدار"! شان - در حق رشیدترین فرزندان مجاهد و مبارز میهنان جانبداری می‌نمایند! اما به این مزدوران جیره‌خوار شاه و مکنندگان خون و دسترنج خلق و اخلاف آنها در حاکمیت کنونی بایستی گوشزد کرد که در اثر جانفشانی‌های خلق و پشت‌سر گذاردن مقاطع سرنوشت‌سازی همچون ۱۷ شهریور ۵۷ و ۳۰

با خواست ارتجاع مبنی بر خلع سلاح مجاهدین شدیداً مخالفت می‌ورزید. در جریان توطئه‌ی دستگیری مجاهد قهرمان، سعادت‌ی نیز آشکارا علیه ارتجاع موضع گرفت و اتهام جاسوسی و دستگیری سعادت‌ی را محکوم نمود. با چنین روحیات مردمی و آزادیخواهانه‌ی، پدر طالقانی اول بار با تعطیل موقت دفاتر خود و هجرت از تهران، فریاد اعتراض خود را بر علیه انحصارطلبی و هرج و مرج انصار گسیخته‌ی ارتجاع، بلند کرد. متعاقب آن نیز در سخنرانی تاریخی خود در فیضیه قم با شجاعت و صراحت، خطرات قسدرت‌پرستی و انحصارطلبی ارتجاع به حکومت خزیده را برشمرد و هشدار داد که بتدریج "آب در پوست انقلاب خواهد دوید" و "انقلاب" به صورت "ضد انقلاب" در خواهد آمد. او بوضوح آینده‌ی حاکمیت ضد مردمی

مرتجعین را می‌دید و در همان سخنرانی برپا کردن "شورا"های مردمی در تمام امور را، تنها چاره برای خارج کردن مقدرات مردم از چنگال غول استبداد قلمداد نمود. او در آخرین سخنرانی خود در بهشت زهرا، به مناسبت ۱۷ شهریور، در اعتراض به مرتجعین حاکم گفت: "صدبار من گفتم که مسئله‌ی شورا از اساسی‌ترین مسئله‌ی اسلامی است... ولی نگردند و می‌دانم چرا نگردند" او سپس درباره‌ی "استبداد زیر پرده‌ی دین" - یعنی خطرناک‌ترین نوع دیکتاتوری که هم‌جا

ستمدیدگان و مدافع آزادی‌های دمکراتیک و حقوق حقه‌ی مردم و برپا کردن "شورا" در تمام شئون جامعه در آمده بود و بهمین دلیل نیز از آغاز حاکمیت مرتجعین، مورد خصومت خمینی و دارودسته‌ی "قدرت‌پرست" و "انحصارطلب" و چپاولگر او قرار گرفت. بویژه اینکه برای مرتجعین ضد مجاهد، حمایت‌های بیدریخ پدر از فرزندان مجاهدش و یادآوری علنی و صریح او از نقش راهگشای رهبران سازمان در مبارزه و نیز مبارزه‌ی سرسختانه‌ی آنها در قبال شکنجه‌گران رژیم در زندان، اساساً غیر قابل تحمل بود. بیاد داریم پس از آزادی

پدر طالقانی: "وقتی اسم مجاهدین برده می‌شود، اعصاب اینها (ساواک) به هم می‌لرزید... از اسم مسعود رجوی وحشت داشتند، از اسم خیابانی وحشت داشتند..."

برادران مجاهد مسعود رجوی و موسی خیابانی از زندان شاه، پدر طالقانی بلافاصله به دیدار آنها شتافت و سخنان پرشوری در حمایت از مواضع و اعتقادات انقلابی و توحیدی مجاهدین و پایداری و مقاومت آنها بر این آرمان‌ها ایراد نمود. پدر که خود در زندان‌های شاه خائن شاهد عجز و وحشت دژخیمان ساواک از شنیدن نام موسی و مسعود بود، با یادآوری همین خاطرات و مشاهدات دوران زندان خود، از فرزندان مجاهدش عمیقاً تجلیل نمود. علاوه بر این "پدر" تازه‌نده بود

ای ناخدای پیرامت، جاودان باد آن آتش سرخی که سرزد از لبانت در بانگ آخر، در بانگ آخر پیام آتشینت، سرود آخرینت: شهادت است و شورا، شورا، شورا، ۱۹ شهریور سالروز رحلت پدر طالقانی می‌باشد. او ۴۰ سال از زندگی پربار خود را بخاطر مبارزه با استبداد سلطنتی و وابسته‌ی رژیم متفور پهلوی، در زندان‌ها و تبعیدگاه‌ها گذرانید. عبور از این پروسه‌ی طولانی مبارزاتی، تاثیرات کیفی متمایزی در دیدگاه‌های ایدئولوژیک و سیاسی او بوجود آورده و نیز در این رابطه خصائص عمیقاً مردمی در پدر شکل داده بود. همین

ویژگی‌ها نیز همواره خط‌فاصل عظیمی بین طالقانی و هم‌کسوتان بی‌عمل و حجره‌نشین و فارغ‌البال! او ایجاد کرده بود. از همین رو مبارزات ضد استعماری و ضد دیکتاتوری پدر طالقانی و برداشته‌ها و تفاسیر اصیل و مردمی او از قرآن، همیشه مورد علاقه و توجه عموم، بویژه دانشجویان و جوانان مسلمان و مبارزه‌ی میهنان بود و متقابلاً پدر را پیوسته آماج دشمنی و شامت و تهمت‌های مرتجعین قرار می‌داد. در دوران قیام ضد سلطنتی و پس از آن نیز، پدر همواره بصورت تکیه‌گاه و ساختگویی

۱۷ شهریور، سالروز کشتار خلق به فرمان شاه خائن

جمله بخاطر قتل عام ۱۷ شهریور - هرگز از یاد نخواهند برد، پس‌ماندگان "آریامهر"! که دستشان به خون و شکنجه‌ی بسیاری از مردم بیگناه ما آلوده است، با وقاحت تمام، کشتار بزرگ مردم در ۱۷ شهریور ۵۷ را همواره بی‌مقدار و ناقابل! توصیف نموده‌اند!! این قبیل مزدوران که رویای بازگشت سلطنت و سوار شدن به گردن مردم را در خواب و خیال خود می‌پروراندند، همانند آن نماینده‌ی خائن و سفاکی که چند روز پس از کشتار ۱۷ شهریور، در مجلس ضد خلقی شاه، صریحاً آن را

مرد و زن و کودک و بزرگ را چون برگ خزان بر زمین ریختند. اما سیلاب خون خلق محاسبات ضد انقلابی شاه خائن را برهم ریخت؛ قیام پشتوانه‌ی مردمی تعیین‌کننده و مستحکمی پیدا نمود و سرانجام در ۲۲ بهمن بساط سلطنت را در زیر پای خلق و میهنان برای همیشه مدفون نمود!

در سالروز این جنایت بزرگ، ذکر این نکته ضروری است که در حالیکه خلق ستم‌دیده‌ی ما کینه‌های عمیق مقدس و تاریخی خود را از جنایات شاه خائن و دارودسته‌ی ضد خلقی او - از

صبح روز ۱۷ شهریور سال ۵۷، برغم هشدارهای حکومت نظامی، مردم قهرمان تهران از نقاط مختلف به سوی میدان زاله (شهدا) سرازیر شدند تا به شاه خائن و دست‌نشانده‌ی امپریالیسم ثابت کنند که:

"وقتی که خلقی خواهان زندگی شرافتمندانه گردد، سرنوشت باید که به این خواست عادلانه پاسخ دهد شب تیره باید ناپدید گردد زنجیرها باید گسسته شوند..."

اما شاه جنایتکار و رجالگان مزدور دربارش به کردار گذشته‌ی خود، یکبار دیگر برای مهار طوفان به کشتار و قتل‌عام خلق روی آوردند و مزدوران شاه با گشودن رگبار مسلسل‌های خود بر روی مردم بیدفاع، هزاران نفر

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان درباره هفته گسترش اعتراضات و "مبارزه با جنگ"

بقیه از صفحه آخر

کردستان و نیروهای مقاوم آن توسط رژیم ددمنش خمینی ادامه دارد.

با گذشت زمان، سرکوب و اختناق در کردستان هرچه بیشتر با جنگ ضدملی و ضدمیمنه خمینی پیوند یافته و بارها از زبان مزدوران سرسپرده‌ی خمینی شنیده‌ایم که حل مسئله‌ی کردستان بدون حل مسئله‌ی جنگ، امکان‌پذیر نیست.

در جهت گسترش فعالیت‌های دستجمعی برعلیه اختناق و جنگ از جانب فرماندهی سیاسی - نظامی سازمان برادر مجاهد علی زرگش طی پیامی هفته‌ی اول مهرماه سال جاری بعنوان هفته‌ی شعار "مرگ بر خمینی" و هفته‌ی "مبارزه با جنگ" اعلام گردیده است. در قسمتی از این پیام چنین آمده است:

"... کلیه بخش‌ها و نهادهای سازمان اعم از نظامی - عملیاتی یا سیاسی - تبلیغی و اجتماعی چه در داخل شهرها و چه در کردستان و خارج از کشور بایستی فعالیت‌های متناسب خود را برای هفته‌ی شعار "مرگ بر خمینی" و "مبارزه با جنگ" در رابطه و هماهنگ با یکدیگر تعیین نموده و از هم‌اکنون برای انجام آن برنامه‌ریزی نمایند."

از آنجا که مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان بطور اخص در رابطه با هفته‌ی "مبارزه با جنگ" وظیفه‌مند می‌باشد، تحت فرماندهی ستاد نظامی مجاهدین خلق، هماهنگ با بخش ارتش، فعالیت‌های خود را در هفته‌ی مزبور گسترش می‌دهد.

در همین رابطه دستورات و رهنمودهای ویژه‌ی منطقه‌ی کردستان را از پیام فرماندهی ستاد نظامی مجاهدین خلق برادر مجاهد محمود عطایی که بمناسبت اعلام هفته‌ی اول مهرماه بعنوان هفته‌ی "مبارزه با جنگ" صادر گردیده است، نقل می‌نمائیم:

"تشکیل هسته‌های مقاومت، در درون پایگاهها و پادگانهای ارتش در کردستان، ضمن آنکه بخاطر نقش توامان نیروهای رژیم در کردستان (جنگ و سرکوب) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، دارای این مزیت نیز می‌باشد که امکان ارتباط سهل‌تر با پیشمرگان مجاهد خلق و سازمان مجاهدین خلق ایران نیز وجود دارد... کلیه‌ی هواداران غیرنظامی سازمان، ساکن در شهرهای مناطق جنگی و همچنین شهرهای کردستان علاوه بر وظیفه‌ای که در رابطه با وصل ارتباط پرسنل نظامی مجاهد خلق با سازمان معاهده دارند به این نکته نیز بایستی توجه نمایند که مبارزه‌ی آنها برعلیه جنگ‌طلبی خمینی، از تاثیرات ویژه‌ای در این شهرها برخوردار است و لذا بایستی بهای ویژه و متناسب آنرا پرداخت نمود."

سربازان، درجهداران و افسران هوادار مجاهدین خلق در کردستان!

پیشمرگان دلیرگرد!

نیروهای مقاومت مردمی کردستان هواداران و هسته‌های مقاومت مجاهد خلق در مناطق کبدنشین!

به منظور گستردگی و هماهنگی هرچه بیشتر فعالیت‌های هفته‌ی مبارزه با جنگ، رعایت دستور - العملها و رهنمودهای اجرائی ذیل ضروری است:

۱ - کلیه‌ی رهنمودها و دستورات عمل‌های صادره از جانب بخش ارتش در رابطه با هفته‌ی مبارزه با جنگ که با شرایط کردستان مطابقت داشته باشد، لازم‌الاجراست. لذا باید به برنامه‌های آموزشی که توسط بخش ارتش از طریق رادیو مجاهد پخش می‌شود، بطور مرتب گوش فرا دهید.

۲ - کلیه‌ی هواداران و هسته‌های نظامی مجاهد خلق در کردستان، می‌توانند نامدهای خود را از طریق صندوق‌های پستی صدای مجاهد و نشریه‌ی مجاهد و

آدرس روابط عمومی بخش اجتماعی سازمان در خارج کشور برای مرکز کردستان، و یا از طریق مردم آگاه و مبارز شهرها و روستاهای کردستان، به پایگاههای پیشمرگه‌های مجاهد خلق ارسال دارند.

۳ - آن دسته از هواداران نظامی مجاهد خلق که از پایگاههای دشمن ضد خلقی فرار می‌کنند، می‌توانند از طریق روستائیان زحمتکش کردستان و پیشمرگان رزمنده‌ی کرد و نیروهای مقاومت مردمی سرپا خود را به پایگاههای مجاهدین خلق برسانند.

در همین جا از پیشمرگان دلیر و رزمنده و گروههای مقاومت کردستان، بویژه پیشمرگان دلیر حزب دمکرات کردستان ایران می‌خواهیم که در این مورد نهایت همکاری را نموده و چنانچه هواداران نظامی مجاهد خلق به آنها مراجعه می‌نمایند سرپا آنها را به پایگاههای مجاهدین خلق راهنمایی نمایند.

۴ - آن دسته از هواداران نظامی مجاهد خلق که امکان دسترسی به هر نوع بی‌سیم را ندارند می‌توانند با ارسال فرکانس‌های مشخص و ساعات تعیین شده با رزمندگان مجاهد ارتباط برقرار نمایند. این فرکانس‌ها و ساعات تعیین شده را توسط نامه یا شیوه‌ی مندرج در بند ۳ می‌توانند ارسال کنند. همچنین این دسته از هواداران می‌توانند روی فرکانس مشخصی که ستاد پیشمرگه‌های مجاهد خلق اعلام می‌کند با آنها تماس برقرار نمایند.

۵ - از کلیه‌ی پیشمرگان قهرمان کردستان و نیروهای مقاومت مردمی می‌خواهیم در هفته‌ی "مبارزه با جنگ" و هفته‌ی شعار "مرگ بر خمینی" هنگام با پیشمرگان مجاهد خلق بر میزان تهاجمات و عملیات خود برعلیه مزدوران رژیم خمینی بیفزایند.

مرگ بر خمینی - درود بر رجوی
زنده باد صلح و آزادی
نابودا بدیا سداران ظلمت و تباهی
مجاهدین خلق ایران
مرکز کردستان
۷ شهریور/۶۳

وحشت نخست وزیر خمینی در رابطه با اعلام

هفته "مبارزه با جنگ" توسط مجاهدین

بدنبال موضعگیری ناطق نوری (وزیر کشور)
و رفسنجانی (رئیس مجلس ضد خلقی)

دوشنبه‌ی گذشته (۱۲ شهریور) موسوی خائین نخست‌وزیر خمینی نیز طی مصاحبه‌ای با خبرنگاران داخلی و خارجی در رابطه با اعلام هفته‌ی "مبارزه با جنگ" توسط مجاهدین صراحتاً موضعگیری کرد. وی پس از اعتراف به عملیات مقاومت مجاهدین (البته در پوش دجالگری‌های مضحک و لجن‌پراکنی‌های تبلیغاتی رایج رژیم) وحشت سردمداران رژیم خمینی را از این حرکت، آشکارا ابراز نمود. نخست‌وزیر خمینی که پس از ناطق نوری (وزیر کشور) و رفسنجانی جنایتکار (رئیس مجلس ضد خلقی) سومین نفر از سردمداران رژیم خمینی است که پیرامون اعلام هفته‌ی "مبارزه با جنگ" توسط مجاهدین، به موضعگیری پرداخته، در مصاحبه‌ی خود از جمله چنین گفت:

"آن تروریست‌هایی که در فرانسه مورد حمایت رژیم میتران قرار دارند. در عین حال که آنها خودشان قبول می‌کنند اطلاعیه می‌دهند که این نوع

مجاهدین خلق ایران هفته‌ی "مبارزه با جنگ" اعلام گردیده، علاوه بر موضعگیری‌های علنی و رسمی بوسیله‌ی مقامات درجه اول خود، بطور ویژه نیز در سطح پایگاهها و پادگان‌های ارتش دست به اقدامات باصطلاح پیشگیرانه زده و دستورات غلاظ و شدادی نیز به همین منظور صادر کرده است.

در این زمینه بطور مشخص، ستاد فرماندهی نهاجا (نیروی هوایی باصطلاح جمهوری اسلامی ایران) بخشنامه‌ی صادر کرده است. مضمون این بخشنامه که به امضاء سرهنگ ستاد نادرپور (مدیریت حفاظت "نهاجا") بوده و برای کلیه‌ی یگان‌های تابعه، ارسال گردیده، اینست که به مقامات حفاظت و همچنین به کلیه‌ی پرسنل "در مورد فعالیت‌های ضدجنگ و تخریبی منافقین در هفته‌ی اول مهر ماه تحت عنوان مبارزه با جنگ" شدیداً هشدار داده و دستور تشدید اقدامات حفاظتی در این زمینه را صادر کرده است.

این بخشنامه که به تابلوهای اعلانات کلیه‌ی پایگاههای نیروی هوایی نیز نصب گردیده، از پرسنل خواسته است چنانچه اطلاعاتی و اعلامیه‌های "منافقین" را در سطح پایگاهها مشاهده کردند، فوراً به "دوایر اطلاعات و ارشاد" گزارش کنند. ضمناً تهدید نموده که در صورت عدم همکاری پرسنل با مقامات اطلاعات و ارشاد، تحت بیگرد قرار خواهند گرفت.

عملیات زیر سر آنهاست در عین حال رژیم فرانسه از این تروریست‌ها حمایت می‌کند. این یک مسئله است، مسئله‌ی دیگر اینکه چرا در این مقطع ما با عملیات تروریستی مواجه هستیم. من اعتقاد دارم این حرکت مصادف با موج عظیمی است که در مکه بوجود آمده.

برای اینکه این موج عظیم آتارش در سطح جهان اسلامی کم بشود. این حرکت‌ها صورت می‌گیرد. در عین حال ما در آستانه‌ی هفته‌ی جنگ هستیم و ما می‌دانیم که دشمنان مردم و ایدئولوژیست‌ها به قدرت‌های بزرگ و کسانی که از طرف رژیم فرانسه مورد حمایت قرار می‌گیرند آن هفته‌ی را که مردم در آن از عملیات رزمی و حرکت‌های جنگی حمایت می‌کنند و شعار جنگ جنگ تا پیروزی می‌دهند که شما در نمازهای جمعه و جاهای دیگر دیدید. اینها بدین ترتیب عمل می‌کنند که این هفته را بعنوان حمایت از صدام و مخالفت از جنگ اعلام کردند ما فکر می‌کنیم این موضوع به این مسئله ارتباط دارد."

بخشنامه ستاد فرماندهی نیروی هوایی

در رابطه با اعلام هفته "مبارزه با جنگ"

رژیم خمینی در هراس از فعالیت‌های انقلابی پرسنل مجاهد خلق و دیگر پرسنل انقلابی و ملی ارتش در هفته‌ی اول مهر ماه که توسط فرماندهی ستاد نظامی

انقلاب: صلح، صلح، آزادی

ارتجاع: جنگ، جنگ، اختناق

بیان مالی سازمان مجاهدین خلق ایران در سومین سال مقاومت انقلابی سراسری همراه با لیست اسامی و میزان وام‌ها و کمک‌های مردمی

هم‌میهنان،
خلق قهرمان ایران!

در این فرصت بی‌مناسبت نمی‌دانم تا آنجا که محدودیت‌های امنیتی مجاز می‌دارد، شمه‌ای نیز پیرامون بیان دریافت‌ها و پرداخت‌های مالی و برآورد مجموعه هزینه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران در سومین سال مقاومت انقلابی سراسری، بعرض برسانم: در سومین سال مقاومت، همانند سال قبل از آن، پول مصرف شده در چارچوب سازمان مجاهدین خلق ایران، از محل حمایت‌های مردمی، مصادره‌ی انقلابی و یا گاریدی و درآمدهای روزمره‌ی اعضا و هواداران این سازمان در داخل و خارج کشور تامین شده است. در شرایط اختناق حداکثر، طبعاً بودجه‌بندی و حسابرسی کل سازمان و تمامی شاخه‌ها و شعب مختلف و طیف فعالان حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای آن در داخل کشور، بسهولت امکان‌پذیر نیست. چرا که فی‌المثل اگر نقل و انتقال و دریافت و پرداخت کلیه‌ی وجوه مربوط به سازمان، تماماً با سند و مدرک و با زیرنویسی روزمره صورت بگیرد، بسیار خطرناک و موجب ضربات جدی خواهد بود.

اما براساس برآوردهای مستدل، مجموعه‌ی مخارج مربوط به سازمان، ماهیانه دست کم به صدها میلیون تومان بالغ می‌شود که البته یک برآورد فوق‌العاده محافظه‌کارانه است، و الا اگر بخواهیم تمامی آنچه‌ها که از سوی مردم، صرف رسیدگی به بازماندگان شهدا و زندانیان و خانواده‌های بی‌پناه و آواره‌ی ما می‌شود نیز

در نظر بگیریم، برآورد فوق، محققاً بمراتب افزایش خواهد یافت.

اما با اینهمه در شرایط کنونی نیز قسمت بالایی هرم سازمانی ما همراه با آبشخورهای سمپاتیک مربوطه، زیر پوشش بودجه‌بندی دقیق قرار دارد. در همین قسمت، ضمن سومین سال مقاومت، نزدیک به ششصد و پنجاه میلیون تومان پرداخت و جزء به جزء در رابطه با وظایف انقلابی روزمره، مصرف شده است.

صرفنظر از حمایت‌های بلاعوض مردمی، بخشی از این رقم را وام‌های مدت‌دار یا بدون مدت و در مواردی نیز وام با بهره، تشکیل می‌دهد. اسناد مربوط به منابع درآمد و نحوه‌ی خرج مبلغ فوق، تماماً در اختیار و در هر زمان که لازم باشد قابل انتشار است. طی سال گذشته، شخصاً بطور مستمر در جریان گزارشات بخش مالی سازمان قرار داشته و بعضاً آنها را مورد مطالعه و ارزیابی لازم قرار داده‌ام.

در برابر فداکاری هسته‌ها یا گوشه‌های وصف‌ناپذیر حمایت‌کنندگان و همدردان سازمان و انجمن‌های مختلف دانشجویی؛ همچنانکه در برابر حمایت‌های بی‌قید و شرط مردمی چه در داخل و چه در خارج کشور؛ فقط می‌توان سر تکریم فرود آورد. باید یادآوری نمود که صرفنظر از حمایت‌های مالی، مقادیر عظیمی کمک‌های جنسی و صنفی و غذائی و تدارکاتی از جانب اقشار و اصناف مختلف مردم، بدون آنکه بهای پولی آن قابل ارزیابی باشد، در اختیار مجاهدین خلق ایران قرار گرفته است. همچنین شایان تذکر است که چه اعضا

سازمان و چه انجمن‌های وابسته، صرفنظر از مصارف ضروری مربوط به پیشبرد وظائف انقلابی‌شان، مخصوصاً در داخل کشور، از لحاظ معیشت شخصی و خانوادگی، بسا اندازه نگه می‌دارند. ضمن اینکه معیشت آنها چه در رابطه با مسائل حفاظتی و حرفه‌ای و چه از لحاظ صرفه‌جویی اقتصادی، تا جایی که مشکل امنیتی ایجاد نکند، حتی‌الامکان به شیوه‌ی دستجمعی است.

با اینهمه سرنگون کردن قطعی دشمن ضدبشری و پاسخگویی به نیازهای متنوع مقطعی و استراتژیکی مالی، نیازمند کمک‌ها و پول هرچه بیشتر است. علیهذا بایستی منابع درآمد - چه کمک‌های بلاعوض و چه وام - را در داخل و خارج کشور گسترش داد. علیرغم تمام کمک‌های بیدریغی که از جانب اقشار و طبقات مختلف مردم، نثار مجاهدین می‌شود، استعداد گسترش کار و وارد کردن نیروهای جدید به میدان نبرد انقلابی بحدی است که ضمن سال گذشته، کمتر پیام یا گزارشی دریافت کرده‌ام که در آن برای داخل کشور بازهم این سه چیز را نخواست باشند: رادیوی قوی، اسلحه و مهمات، پول!

در مورد رادیو تقریباً هر هموطن ایرانی را نیز که از سه سال پیش تاکنون ملاقات کرده‌ام، در اینباره یادآوری و سفارش و تاکید کرده است.

(نقل از پیام مسئول اول سازمان برادر مجاهد مسعود رجوی بمناسبت سومین سالگرد انقلاب رها تیب خشنوین مردم ایران ۱۳۶۳/۳۰ خرداد)

گزارش مسئول بخش مالی سازمان

این لیست‌ها صورت گرفته است، آنها را به منظور انتشار در نشریه مجاهد و رساندن باطلاح عموم هموطنان قهرمانان تقدیم می‌کنیم. در رابطه با بیان مالی مجاهدین خلق ایران طی سومین سال مقاومت سراسری نکات زیر قابل توجه می‌باشند:

۱- چنانکه در پیام مسئول اول سازمان به مناسبت سومین سالگرد مقاومت آمده است:

"در شرایط اختناق حداکثر، طبعاً بودجه‌بندی و حسابرسی کل سازمان و تمامی شاخه‌ها و شعب مختلف و طیف فعالان حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای آن در داخل کشور، بسهولت امکان‌پذیر نیست. چرا که فی‌المثل اگر نقل و انتقال و دریافت و پرداخت کلیه‌ی وجوه مربوط به سازمان، تماماً با سند و مدرک و با زیرنویسی روزمره صورت بگیرد، بسیار خطرناک و موجب ضربات جدی خواهد بود.

اما براساس برآوردهای مستدل، مجموعه‌ی مخارج مربوط به سازمان، ماهیانه دست کم به صدها میلیون تومان بالغ

تحریریه‌ی نشریه‌ی مجاهد، با سلام و درودهای انقلابی و توحیدی؛

در پایان سومین سال مقاومت شوک‌همند انقلابی و مسلحانه‌ی سراسری، یعنی در تاریخ سیام خردادماه ۱۳۶۳، براساس دستورالعمل مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، برادر مجاهد مسعود رجوی، بخش مالی سازمان موظف گردید که بیان مالی، لیست منابع و اسامی کمک‌کنندگان و وام‌دهندگان به سازمان مجاهدین خلق ایران، طی سومین سال مقاومت سراسری را پس از حل تضادهای امنیتی مربوطه، برای انتشار و به منظور دادن گزارش به پیشگاه خلق قهرمان ایران آماده نماید.

بدین منظور تصمیم براین شد که اسامی هموطنانی که طی سومین سال مقاومت سراسری، کمک بلاعوض و یا مبالغی به عنوان وام در اختیار سازمان مجاهدین خلق ایران قرار داده‌اند را، بصورت "رمز" درآورده و همراه با بیان مالی سازمان طی همین سال تهیه و تنظیم ناقیم.

اکنون با عرض پوزش نسبت به تاخیری که در تهیه و تنظیم

می‌شود که البته یک برآورد فوق‌العاده محافظه‌کارانه است، و الا اگر بخواهیم تمامی آنچه‌ها که از سوی مردم، صرف رسیدگی به بازماندگان شهدا و زندانیان و خانواده‌های بی‌پناه و آواره‌ی ما می‌شود نیز در نظر بگیریم، برآورد فوق، محققاً بمراتب افزایش خواهد یافت.

اما با اینهمه در شرایط کنونی نیز قسمت بالایی هرم سازمانی ما همراه با آبشخورهای سمپاتیک مربوطه، زیر پوشش بودجه‌بندی دقیق قرار دارد. در همین قسمت، ضمن سومین سال مقاومت، نزدیک به ششصد و پنجاه میلیون تومان پرداخت و جزء به جزء در رابطه با وظایف انقلابی روزمره، مصرف شده است.

صرفنظر از حمایت‌های بلاعوض مردمی، بخشی از این رقم را وام‌های مدت‌دار یا بدون مدت و در مواردی نیز وام با بهره، تشکیل می‌دهد. اسناد مربوط به منابع درآمد و نحوه‌ی خرج مبلغ فوق، تماماً در اختیار و در هر زمان که لازم باشد قابل انتشار است.

بنابراین بیان حاضر را چه بلحاظ کمک‌های مردمی و چه بلحاظ مجموعه‌ی وام‌هایی که

خلق ایران می‌باشد، اسامی و مشخصات واقعی را برحسب فرمول‌های "رمزبندی" استخراج و عندالزوم اعلام نمود. یادآوری می‌کنیم که دسترسی به دفاتر اصلی و رمزهای قرائت آن بهیچ وجه برای دشمن میسر نیست و حتی در داخل سازمان نیز تعداد بسیار محدودی از مسئولین از آن مطلعند. بهر حال پس از پیروزی خلق لیست‌ها و دفاتر اصلی در کنار جدول اسامی کمک‌کنندگان و وام‌دهندگان قابل انتشار خواهد بود.

البته در اکثریت قریب باتفاق موارد قبض‌های رسید کمک‌ها و وام‌ها - چه بصورت قبض‌های رسمی سازمان و چه با امضاء مسئولین شناخته شده‌ی سازمان ما - به هموطنان کمک‌دهنده یا وام‌دهنده تقدیم شده که در نزد خود آنها موجود است.

۲ - به ضمیمه چهار جدول را ملاحظه خواهید نمود:

جدول شماره ۱ - بیان درآمدهای قابل بودجه‌بندی سازمان مجاهدین خلق ایران طی سومین سال مقاومت می‌باشد که انواع آن در ستون‌های مختلف مشخص گردیده است.

جدول شماره ۲ - چنانکه در مقدمه نیز ذکر شد شامل

وام‌دهندگان به سازمان مجاهدین

بیان مالی سازمان مجاهدین خلق ایران همراه با لیست اسامی و میزان وامها و کمکهای مردمی در سومین سال مقاومت

لیست رمزی بخشی از اسامی کمککنندگان و وام دهندگان به مجاهدین همراه با تاریخ و مبلغ وام یا کمک مربوطه است که کمکها یا وامهای آنها ارقام بالاتر از هزار تومان را شامل می شود. در این جدول عمداً این امر که اقلام مختلف وام است یا کمک، بدلائل امنیتی مشخص نگردیده و از روی آن نمی توان فهمید که کدام مورد وام است و کدام مورد کمک بلاعوض. مجموعی مبلغ مندرج در این جدول ۲۸۴/۳۸۳/۵۷۶ تومان می باشد. جدول شماره ۳ - اما در این جدول (شماره ۳) میزان کل وام دریافتی و بازپرداخت ماهیانه وامها طی سومین سال مقاومت مشخص شده و بدهکاری ماهیانه نیز با توضیحات مربوطه به چشم می خورد.

جدول شماره ۴ - در این جدول ترازنامه مالی (قسمت بودجه بندی شده) سازمان مجاهدین خلق ایران در سومین سال مقاومت را ملاحظه خواهید نمود که ضمن آن کل دریافت های بخش مالی و حدود تقریبی پرداختها تا اواخر خرداد ۶۳ (شماره شده در پیام ۳۰ خرداد مسئول اول سازمان) و مانده حساب (بدهکاری) مربوطه معین گردیده است. بدیهی است که جزء به جزء پرداختها و مخارج بخشها و نهادهای مختلف سازمان و دریافت کنندگان آن در شرایط کنونی قابل انتشار نبوده اما کلیه اسناد مربوطه جزء به جزء موجود است.

۴ - مخارج مربوطه به داخل کشور و بویژه بودجهی ستاد نظامی سازمان در جوف بودجهی کل تا پایان تابستان سال ۶۳ تحت مسئولیت برادر مجاهد محمدحیاتی عضو مرکزیت سازمان قرار داشته و از آن پس تا پایان سومین سال مقاومت (آخر خرداد ۶۳) تحت مسئولیت برادر مجاهد عباس داوری عضو دفتر سیاسی سازمان بوده و گزارشات مربوطه مستمرا برای دفتر مسئول اول ارسال گردیده است.

۵ - برای تسهیل در تبدیل ماههای میلادی به شمسی در هر کجا که در محاسبات مالی ضروری بوده از تفاوتها صرف نظر نموده و ماههای ژوئیه - اوت - سپتامبر - اکتبر - نوامبر - دسامبر - ژانویه - فوریه - مارس - آوریل - می - ژوئن را بترتیب معادل تیر - مرداد - شهریور - مهر - آبان - آذر - دی - بهمن - اسفند - فروردین -

اردیبهشت و خرداد فرض کرده ایم.

۶ - در تبدیل پولهای خارجی به تومان و بالعکس در هر کجا که لازم بوده مبنای تبدیل را صرفا دلار قرار داده ایم. نرخ تبدیل دلار به تومان در تیرماه سال ۶۲ بطور متوسط ۴۰ تومان (در ازای یک دلار) در دی ماه ۶۲ چهل و نه تومان و در خرداد ۶۳ پنجاه و شش تومان محاسبه شده است.

۷ - بدیهی است که جدول بیان درآمدها بهیچوجه بیانگر نحوه ایجاد آنها و نحوه جمع آوری کمکهای مالی نمی تواند باشد. چرا که شرح چگونگی تهیهی درآمدهای سازمانی شامل حماسه های شورا نگیزی است که در واقع بخشی از مقاومت شکوهمند سراسری بر علیه رژیم ضد بشری خمینی را تشکیل می دهد. داستان پدران و مادران و خانواده هایی است که علیرغم

تنگدستی و فشار اقتصادی رژیم پوسیده ی خمینی، همیشه بخشی از درآمد ناچیز خود را برای کمک به رزمندگان مجاهد کنار می گذارند و شرح کار و کوشش سخت و بی وقفه ی عموم هواداران و همچنین دانشجویان قهرمانی است که در داخل و خارج کشور ضمن مبارزات نظامی و یا سیاسی خود و ضمن رساندن پیام مقاومت خلق به ایرانیان و جهانیان و افشاء هر چه بیشتر رژیم ضد بشری خمینی به جمع آوری کمک برای سازمان می پردازند و یا بطور شبانه روزی و خستگی ناپذیر به سخت ترین و کارهای یدی پرداخته و از این طریق بخشی از مخارج انقلاب را تامین می کنند.

شرح این فعالیت های بی وقفه که گاه حماسه های بس شورا نگیزی را نیز شامل می شود به گزارش کامل تر و جامع تر نیاز دارد. بعنوان نمونه به فدکاری برخی از خانواده های هوادار

اشاره می کنیم که منزل مسکونی خود را که تنها دارائی آنها بوده نیز فروخته و یا در گرو بانک گذاشته و پول آن را تماما در اختیار سازمان گذاشته اند. اسناد مربوطه موجود و قابل انتشار است.

۸ - لیست اسامی کمک کنندگان و وام دهندگان به سازمان مجاهدین خلق ایران در نخستین و در دومین سال مقاومت نیز موجود است که فعلا نیازی به انتشار آن ندیدیم.

۹ - فرصت را مغتنم شمرده و با توجه به نیازمندی های مردمی مالی در مبارزه با دشمن ضد ملی و ضد مردمی از عموم هموطنانمان تقاضا می کنیم که در مسیر استمرار و گسترش مقاومت خونین خواهران، برادران و فرزندان مجاهد خود برای سرنوشتی رژیم خمینی و استقرار آزادی و حاکمیت ملی و مردمی از کمکهای خود - هرچند هم اندک و ناچیز - فروگذار نکنند و

به تاثیر آن کم بها ندهند. کمکهای مالی خود را به هر میزان و از هر طریقی که می توانید به سازمان مجاهدین خلق ایران، هسته های مقاومت و ملیشای مجاهد خلق برسانید. ۱۰ - در خاتمه همچنانکه در پیام ۳۰ خرداد مسئول اول سازمان آمده بود ما نیز تکرار می کنیم: "در برابر فدکاری هسته ها یا گوشه های وصف ناپذیر حمایت کنندگان و همدردان سازمان و انجمن های مختلف دانشجویی؛ همچنانکه در برابر حمایت های بی قید و شرط مردمی چه در داخل و چه در خارج کشور؛ فقط می توان سرتکریم فرود آورد..."

با امید پیروزی و رهائی خلق "رود خروشان خون شهدا، ضامن پیروزی محتوم خلق ماست" مرگ بر خمینی - درود بر رجوی مسئول بخش مالی معاون مرکزیت ۰۰۰ / شهریور ۱۳۶۳

جدول شماره ۱

جدول درآمدهای (بودجه بندی شده) سازمان مجاهدین خلق ایران در سومین سال مقاومت (مبلغ به تومان)

تاریخ	کمکهای مردمی شامل: در داخل و خارج کشور، کمکهای سازمان های ناهیه و انجمن های هوادار و کمکهای امدادی جهت خانواده شهدا و رندانیان و آوارگان	درآمد فروش تریات و کتب و نوارهای سازمانی (بدون کسری مخارج تولد و توزیع)	درآمد بخش قابل محاسبه کارهای یدی بمنظور تامین مخارج سازمان (پرداخت شده به صندوق کل)	درآمد کارهای انتفاعی (مربوط به داخل کشور) بمنظور تامین مخارج سازمان (پرداخت شده به صندوق کل)	معادل تومانی قسمتی از کمکهای جنسی (کالاشی) (که تحت نظارت صندوق کل دریافت و توزیع و ارزش گذاری شده است)	وام وام های بدون بهره و با بهره از هموطنان	جمع
تیر ۶۲	۲۱۱۵۸۵۲۰	۴۹۸۱۹۲۰	۷۲۳۵۴۸۰	۴۶۰۰۰۰	۱۷۰۹۲۰۰	۳۲۹۳۵۶۸۰	۶۸۲۸۰۸۰۰
مرداد ۶۲	۳۵۵۸۲۸۶۸	۵۱۰۱۱۵۲	۷۳۲۸۲۹۶	۱۴۰۷۹۲۴	۲۴۶۵۰۲۲	۴۱۰۰۱۹۱۲	۹۲۸۸۷۳۷۴
شهریور ۶۲	۲۶۸۳۵۲۹۱	۴۰۶۵۵۶۴	۶۵۶۱۸۴۳	-	۵۹۹۵۹۲	۱۲۰۷۰۴۸۷	۵۰۱۳۲۷۷۷
مهر ۶۲	۲۱۹۹۶۳۶۴	۴۲۸۱۸۱۸	۷۰۴۴۷۱۶	-	۲۴۷۷۱۱۶	۱۴۲۱۷۲۲	۳۷۳۹۱۷۳۶
آبان ۶۲	۲۴۲۶۳۰۲۲	۵۷۸۱۵۶۴	۸۴۱۲۶۷۱	۲۷۴۶۶۸	۳۰۳۷۳۲۸	۲۷۲۳۶۵۰	۴۴۴۹۲۹۰۳
آذر ۶۲	۱۹۹۱۸۶۳۴	۵۲۳۳۳۰۴	۶۸۲۸۱۴۴	۱۰۹۲۷۶۸	۲۷۱۰۶۰۸	۱۲۳۶۶۲۴	۳۷۰۲۱۰۸۲
دی ۶۲	۱۶۹۴۲۷۰۳	۴۱۴۱۰۳۹	۴۷۵۵۴۹۹	۳۸۱۲۹۸۴	۳۵۱۸۴۹۴	۲۲۴۵۷۶۸	۳۵۴۱۶۴۸۷
بهمن ۶۲	۳۱۰۷۹۹۹۱	۶۶۵۵۶۰۲	۵۹۸۱۵۸۶	۵۰۰۴۳۲۴	۱۲۱۳۹۵۳	۱۶۳۷۱۶۶۳	۶۶۳۰۷۱۱۹
اسفند ۶۲	۱۹۹۶۷۴۲۰	۷۱۳۰۵۳۸	۵۰۰۶۵۵۶	۲۳۰۲۳۹۸	۳۳۷۲۸۴۰	۲۳۳۲۴۰۲۰	۷۲۱۰۳۷۷۲
فروردین ۶۳	۳۲۰۸۷۳۴۴	۶۲۳۱۷۰۸	۴۵۳۲۷۲۲	۴۵۳۲۴۰	۳۶۲۴۶۴۲	۷۳۶۱۰۱۰	۵۸۳۸۷۶۶۶
اردیبهشت ۶۳	۷۰۱۸۳۸۴۰	۷۲۳۲۴۴۵	۵۲۸۵۸۰	۱۶۸۰۲۵۰	-	۱۳۲۵۴۰۱۰	۹۸۰۷۹۱۲۵
خرداد ۶۳	۳۱۶۴۳۹۶	۲۵۶۹۳۲۰	۳۰۹۱۰۸۸	۲۲۷۸۰۸۰	-	۱۵۶۵۹۷۲۸	۵۷۲۴۴۶۱۲
جمع	۳۵۱۶۶۲۳۹۳	۶۵۴۰۶۹۷۴	۷۲۵۱۸۲۸۱	۲۲۸۵۲۶۳۶	۲۴۸۹۸۷۹۵	۱۸۰۶۰۶۲۷۴	۷۱۷۹۴۵۴۵۳

سوال من ۵ - معادله کسری ...
 مدیر ایران بخش
 ۱۳/۱/۶۳



جدول شماره ۲

لیست رمزی مشخصات بخشی از کمک کنندگان و وام دهندگان به مجاهدین همراه با تاریخ و مبلغ (به تومان)
در سومین سال مقاومت

ردیف	کد	تاریخ	مبلغ به تومان	ردیف	کد	تاریخ	مبلغ به تومان
۱	ی EP ۳۳۴۰	تیسر ۶۲	۱۷۰۲۰۰۰۰	۵۰	م EP ۳۳۵۷	فورودین ۶۲	۱۰۶۸۶۰۰
۲	ی SM ۳۳۳۷	مرداد ۶۲	۱۳۲۹۴۰۰۰	۵۱	ش BX ۸۴۷۵	مرداد ۶۲	۱۰۶۰۰۰۰
۳	ی LY ۳۳۳۸	مرداد ۶۲	۱۲۳۷۱۷۰۰	۵۲	ش BX ۸۵۱۲	شهریور ۶۲	۱۰۶۰۰۰۰
۴	ی NK ۳۳۳۹	تیسر ۶۲	۱۱۰۲۵۲۸۰	۵۳	ی NG ۸۴۵۹	تیسر ۶۲	۱۰۰۰۰۰۰
۵	ی EP ۱۸۶۵	اردیبهشت ۶۳	۱۰۰۲۲۰۸۰	۵۴	ی ZC ۸۵۲۲	تیسر ۶۲	۱۰۰۰۰۰۰
۶	ی SM ۳۳۳۶	شهریور ۶۲	۹۲۰۰۰۰۰	۵۵	د HI ۸۵۳۳	تیسر ۶۲	۱۰۰۰۰۰۰
۷	ی SP ۷۳۲۴	فورودین ۶۳	۸۹۵۹۵۲۰	۵۶	ی BF ۸۵۴۵	تیسر ۶۲	۱۰۰۰۰۰۰
۸	ی EP ۳۲۵۲	دی ۶۲	۷۰۲۰۰۰۰	۵۷	ی BF ۸۷۶۰	اسفند ۶۲	۱۰۰۰۰۰۰
۹	د LY ۳۲۵۸	دی ۶۲	۶۴۸۰۰۰۰	۵۸	ر HI ۸۴۹۴	مرداد ۶۲	۹۸۰۰۰۰۰
۱۰	ی SM ۳۲۵۷	دی ۶۲	۵۹۴۰۰۰۰	۵۹	ی NG ۸۷۶۲	فورودین ۶۲	۹۰۰۰۰۰۰
۱۱	ی SP ۹۰۸۳	مهر ۶۲	۵۷۴۶۰۰۰	۶۰	ت LD ۸۱۹۶	آبان ۶۲	۸۷۹۷۵۰۰
۱۲	ی EP ۳۲۵۵	دی ۶۲	۵۴۰۰۰۰۰	۶۱	ل LY ۳۳۶۱	خرداد ۶۳	۸۱۰۰۰۰۰
۱۳	ی EG ۹۰۸۶	خرداد ۶۳	۵۱۲۵۶۸۰	۶۲	ل LI ۸۱۷۵	فورودین ۶۳	۸۱۰۰۰۰۰
۱۴	ی NK ۳۱۱۷	تیسر ۶۲	۴۶۰۰۰۰۰	۶۳	ی NK ۳۲۶۰	دی ۶۲	۸۱۰۰۰۰۰
۱۵	ه EP ۳۲۴۵	دی ۶۲	۴۳۷۴۰۰۰	۶۴	ی BU ۸۵۱۶	شهریور ۶۲	۸۰۰۰۰۰۰
۱۶	ی SM ۳۱۱۳	مرداد ۶۲	۳۶۸۰۰۰۰	۶۵	ر OJ ۸۸۱۲	اردیبهشت ۶۳	۷۴۰۰۰۰۰
۱۷	ی SP ۷۳۷۷	خرداد ۶۳	۳۶۷۲۰۷۰	۶۶	ی LI ۸۱۷۶	مهر ۶۲	۷۳۶۰۰۰۰
۱۸	د SM ۳۱۱۵	تیسر ۶۲	۳۴۵۰۰۰۰	۶۷	ی NK ۳۲۵۳	دی ۶۲	۷۰۲۰۰۰۰
۱۹	ی EP ۳۲۵۴	دی ۶۲	۳۲۴۰۰۰۰	۶۸	ی LY ۳۲۴۸	دی ۶۲	۷۰۲۰۰۰۰
۲۰	ZV ۹۰۱۲	خرداد ۶۳	۳۲۰۰۰۰۰	۶۹	ه OJ ۸۵۱۷	مهر ۶۲	۶۰۰۰۰۰۰
۲۱	ی LY ۳۱۱۶	مرداد ۶۲	۲۹۹۰۰۰۰	۷۰	ت LD ۸۱۹۷	آبان ۶۲	۶۰۰۰۰۰۰
۲۲	ی EP ۳۲۵۹	اردیبهشت ۶۳	۲۷۸۱۸۵۰	۷۱	ی EP ۳۰۸۴	خرداد ۶۳	۵۹۴۰۰۰۰
۲۳	ی NK ۳۳۴۱	شهریور ۶۲	۲۷۷۷۶۶۴	۷۲	ی ZC ۸۴۳۱	تیسر ۶۲	۵۷۰۰۰۰۰
۲۴	ن EP ۳۲۰۴	آبان ۶۲	۲۶۶۰۰۰۰	۷۳	ن HJ ۳۴۷۹	مهر ۶۲	۵۷۰۰۰۰۰
۲۵	د BU ۸۷۸۸	خرداد ۶۳	۲۶۵۰۰۰۰	۷۴	ی SM ۳۲۰۵	خرداد ۶۳	۵۴۰۰۰۰۰
۲۶	م EP ۳۲۴۶	دی ۶۲	۲۵۹۲۰۰۰	۷۵	م SM ۳۲۱۳	خرداد ۶۳	۵۴۰۰۰۰۰
۲۷	ی SP ۷۳۲۶	اردیبهشت ۶۳	۲۴۴۸۸۹۰	۷۶	ی LY ۳۲۲۳	دی ۶۲	۵۴۰۰۰۰۰
۲۸	ی ZC ۹۰۶۴	فورودین ۶۳	۲۴۴۱۴۵۰	۷۷	د EP ۳۲۴۲	خرداد ۶۳	۵۴۰۰۰۰۰
۲۹	SK ۸۹۸۱	اردیبهشت ۶۳	۲۴۰۰۰۰۰	۷۸	ل LD ۸۱۹۵	بهمن ۶۲	۵۳۸۶۵۰۰
۳۰	ی NK ۳۱۱۸	تیسر ۶۲	۲۳۰۰۰۰۰	۷۹	ت HJ ۳۴۲۳	شهریور ۶۲	۵۲۶۹۶۰۰
۳۱	د NK ۳۴۰۰	تیسر ۶۲	۲۳۰۰۰۰۰	۸۰	الف SK ۸۴۶۹	شهریور ۶۲	۵۲۰۰۰۰۰
۳۲	م HJ ۳۴۲۶	آبان ۶۲	۲۳۰۰۰۰۰	۸۱	ش BX ۸۷۸۹	خرداد ۶۳	۵۱۵۰۰۰۰
۳۳	ی EG ۹۰۸۵	خرداد ۶۳	۲۱۰۶۰۰۰	۸۲	ی BI ۸۳۹۹	تیسر ۶۲	۵۰۰۰۰۰۰
۳۴	ی NK ۳۱۱۱	تیسر ۶۲	۱۸۴۰۰۰۰	۸۳	د BX ۸۶۵۶	شهریور ۶۲	۵۰۰۰۰۰۰
۳۵	ی EP ۳۲۰۳	آبان ۶۲	۱۶۱۰۰۰۰	۸۴	د BX ۸۶۵۷	شهریور ۶۲	۵۰۰۰۰۰۰
۳۶	م NK ۳۱۱۴	مرداد ۶۲	۱۵۵۲۵۰۰	۸۵	ل ZV ۸۷۵۷	اسفند ۶۲	۵۰۰۰۰۰۰
۳۷	م ZC ۸۵۳۸	مهر ۶۲	۱۵۰۰۰۰۰	۸۶	ه OJ ۸۷۶۵	اردیبهشت ۶۳	۵۰۰۰۰۰۰
۳۸	ی NK ۳۳۳۵	تیسر ۶۲	۱۳۹۳۴۳۲	۸۷	ی EQ ۸۸۵۸	خرداد ۶۳	۵۰۰۰۰۰۰
۳۹	ی EP ۳۲۵۹	دی ۶۲	۱۳۵۰۰۰۰	۸۸	ی NG ۸۹۲۲	شهریور ۶۲	۵۰۰۰۰۰۰
۴۰	د NK ۳۲۴۹	دی ۶۲	۱۳۵۰۰۰۰	۸۹	ی LI ۸۱۷۱	مهر ۶۲	۴۶۰۰۰۰۰
۴۱	ی LY ۳۲۴۷	دی ۶۲	۱۳۵۰۰۰۰	۹۰	ی LI ۸۱۷۲	آبان ۶۲	۴۶۰۰۰۰۰
۴۲	ن EP ۳۲۶۴	دی ۶۲	۱۳۵۰۰۰۰	۹۱	ی LI ۸۱۷۷	آبان ۶۲	۴۶۰۰۰۰۰
۴۳	الف TJ ۸۷۶۴	فورودین ۶۳	۱۲۷۵۰۰۰	۹۲	ی BF ۸۷۷۲	اردیبهشت ۶۳	۴۵۰۰۰۰۰
۴۴	ن EP ۳۲۶۵	دی ۶۲	۱۱۸۸۰۰۰	۹۳	و LY ۳۲۶۲	دی ۶۲	۴۴۲۸۰۰۰
۴۵	ی NK ۳۱۱۰	مرداد ۶۲	۱۱۵۰۰۰۰	۹۴	ی HF ۸۴۱۵	تیسر ۶۲	۴۳۵۰۰۰۰
۴۶	ی HA ۸۴۱۲	تیسر ۶۲	۱۱۲۵۰۰۰	۹۵	ن SM ۳۲۶۶	دی ۶۲	۴۳۲۰۰۰۰
۴۷	ب EP ۳۲۶۷	بهمن ۶۲	۱۰۸۰۰۰۰	۹۶	ن EP ۳۳۹۹	آذر ۶۲	۴۳۰۰۰۰۰
۴۸	د ZC ۸۶۱۰	تیسر ۶۲	۱۰۷۵۰۰۰	۹۷	ی BI ۸۷۶۱	اسفند ۶۲	۴۲۰۰۰۰۰
۴۹	ه BX ۸۷۵۸	اسفند ۶۲	۱۰۷۰۰۰۰	۹۸	ح ZC ۸۷۳۶	آذر ۶۲	۴۰۰۰۰۰۰



لیست رمزی مشخصات بخشی از کمک‌کنندگان و وام‌دهندگان به مجاهدین همراه با تاریخ و مبلغ (به تومان)
در سومین سال مقاومت

مبلغ به تومان				تاریخ	کد	ردیف	مبلغ به تومان				تاریخ	کد	ردیف	
۲۱۶۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۶۳ خرداد	ک LY ۳۲۲۷	۱۵۰	۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۶۲ آذر	ح NG ۸۷۳۴	۹۹
۲۱۶۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۶۲ دی	د EP ۳۲۵۱	۱۵۱	۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	م ZC ۸۴۷۶	۱۰۰
۲۱۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ر SK ۸۵۵۰	۱۵۲	۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ع LA ۸۴۴۴	۱۰۱
۲۱۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	د LU ۸۴۰۳	۱۵۳	۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	م NG ۸۴۰۰	۱۰۲
۲۱۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	ی NG ۸۴۹۷	۱۵۴	۳۷۸۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	خرداد ۶۳	ب NK ۳۲۴۱	۱۰۳
۲۰۸۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اسفند ۶۲	ی NM ۸۷۵۵	۱۵۵	۳۶۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	فروردین ۶۳	ح BI ۸۹۹۶	۱۰۴
۲۰۷۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ر LY ۳۲۷۴	۱۵۶	۳۶۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	الف BX ۸۴۰۱	۱۰۵
۱۵۴۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	دی ۶۲	ت HQ ۸۰۹۹	۱۵۷	۳۶۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	پ ZC ۸۴۴۹	۱۰۶
۲۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ی BF ۸۴۱۷	۱۵۸	۳۵۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	م SK ۸۴۰۲	۱۰۷
۲۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ی BI ۸۴۳۴	۱۵۹	۳۵۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	م EW ۸۵۵۵	۱۰۸
۲۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ه BU ۸۴۳۷	۱۶۰	۳۲۴۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	دی ۶۲	الف LY ۳۲۶۱	۱۰۹
۲۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	ی OG ۸۴۴۰	۱۶۱	۳۲۴۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ر SM ۳۲۶۸	۱۱۰
۲۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	ی ED ۸۴۷۹	۱۶۲	۳۲۴۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	دی ۶۲	م NK ۳۲۵۰	۱۱۱
۲۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	د TG ۸۴۹۰	۱۶۳	۳۱۴۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ه NR ۸۶۳۴	۱۱۲
۲۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	د ZC ۸۴۹۱	۱۶۴	۳۰۶۴۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	خرداد ۶۳	الف EG ۸۲۱۰	۱۱۳
۲۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	ر BW ۸۴۹۳	۱۶۵	۳۰۵۶۴۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	فروردین ۶۳	ح SP ۷۳۸۱	۱۱۴
۲۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	د BF ۸۴۱۶	۱۶۶	۳۰۲۵۷۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	خرداد ۶۳	الف EC ۸۲۱۱	۱۱۵
۲۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ی NG ۸۵۴۸	۱۶۷	۳۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	فروردین ۶۳	ح OG ۸۹۸۴	۱۱۶
۲۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	ی BW ۸۴۰۴	۱۶۸	۳۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	فروردین ۶۳	م SK ۸۹۸۸	۱۱۷
۲۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	ی BU ۸۶۹۳	۱۶۹	۳۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	فروردین ۶۳	ن TG ۸۹۹۲	۱۱۸
۲۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اردیبهشت ۶۳	ه BX ۸۷۸۵	۱۷۰	۳۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ر BF ۸۶۲۳	۱۱۹
۱۹۵۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	دی ۶۲	م HJ ۳۴۴۴	۱۷۱	۳۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ه BI ۸۶۶۶	۱۲۰
۱۹۵۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ه LP ۸۴۰۵	۱۷۲	۳۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	م HF ۸۶۷۱	۱۲۱
۱۹۵۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ح HI ۸۴۱۹	۱۷۳	۳۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ب ZC ۸۴۶۰	۱۲۲
۱۹۴۷۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	آبان ۶۲	ه HQ ۸۰۷۷	۱۷۴	۳۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ر BF ۸۴۶۱	۱۲۳
۱۹۰۸۹۰	۰۰	۰۰	۰۰	دی ۶۲	م HJ ۳۴۴۳	۱۷۵	۳۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	م BX ۸۴۷۰	۱۲۴
۱۸۴۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	س SM ۳۲۹۸	۱۷۶	۳۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	پ NG ۸۵۶۱	۱۲۵
۱۸۳۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اسفند ۶۲	ح NG ۸۷۵۰	۱۷۷	۳۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	الف BU ۸۴۲۴	۱۲۶
۱۸۳۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	ی OG ۸۵۰۷	۱۷۸	۳۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	م HI ۸۴۲۵	۱۲۷
۱۸۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	ی SK ۸۵۰۱	۱۷۹	۲۸۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	خ NG ۸۶۹۹	۱۲۸
۱۸۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	م TG ۸۵۲۲	۱۸۰	۲۷۷۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	س BF ۸۶۸۷	۱۲۹
۱۸۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ی ZC ۸۴۰۶	۱۸۱	۲۷۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	فروردین ۶۳	ت LD ۸۲۰۳	۱۳۰
۱۷۷۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مهر ۶۲	خ HQ ۸۱۱۹	۱۸۲	۲۷۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	بهمن ۶۲	ه LI ۸۱۶۲	۱۳۱
۱۷۵۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	م BF ۸۵۲۳	۱۸۳	۲۷۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	بهمن ۶۲	ه SI ۸۲۱۸	۱۳۲
۱۷۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	ف HI ۸۵۸۷	۱۸۴	۲۷۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	دی ۶۲	م SM ۳۲۵۶	۱۳۳
۱۶۲۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	خرداد ۶۲	س SM ۳۲۲۳	۱۸۵	۲۷۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	خرداد ۶۳	ع LY ۳۲۱۷	۱۳۴
۱۶۲۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	خرداد ۶۳	ک LY ۳۲۲۴	۱۸۶	۲۷۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	خرداد ۶۳	ف NK ۳۲۱۱	۱۳۵
۱۶۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	ه NG ۸۴۲۲	۱۸۷	۲۵۹۲۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	خرداد ۶۳	ر HX ۱۹۲۲	۱۳۶
۱۵۹۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اسفند ۶۲	ه TG ۸۷۵۶	۱۸۸	۲۵۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	س EW ۸۶۲۴	۱۳۷
۱۵۴۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	خرداد ۶۳	ن NR ۹۰۱۳	۱۸۹	۲۴۳۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	فروردین ۶۳	ج LI ۸۱۷۴	۱۳۸
۱۵۲۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ر ZC ۸۴۲۱	۱۹۰	۲۴۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	پ HD ۸۶۲۶	۱۳۹
۱۵۱۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	ی BF ۸۴۳۰	۱۹۱	۲۴۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اردیبهشت ۶۳	الف HI ۸۷۸۶	۱۴۰
۱۵۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	ی OG ۸۶۲۲	۱۹۲	۲۳۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	ح EP ۳۳۱۱	۱۴۱
۱۵۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ی HI ۸۴۵۷	۱۹۳	۲۳۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	د LY ۳۲۸۳	۱۴۲
۱۵۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ر ED ۸۴۴۶	۱۹۴	۲۳۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ر NG ۸۴۶۴	۱۴۳
۱۵۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	ر TJ ۸۵۲۴	۱۹۵	۲۲۴۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اردیبهشت ۶۳	س OJ ۸۷۸۳	۱۴۴
۱۵۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	ی BX ۸۵۱۹	۱۹۶	۲۲۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ح ZC ۸۴۱۸	۱۴۵
۱۵۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	ی SK ۸۵۰۹	۱۹۷	۲۲۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اردیبهشت ۶۳	پ BU ۸۷۷۱	۱۴۶
۱۵۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	ی ZC ۸۴۹۲	۱۹۸	۲۱۸۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	الف BA ۸۲۴۶	۱۴۷
۱۵۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	ی LK ۸۴۳۸	۱۹۹	۲۱۶۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	خرداد ۶۳	م SM ۳۲۰۸	۱۴۸
۱۵۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ی NG ۸۴۵۸	۲۰۰	۲۱۶۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	فروردین ۶۳	ف SI ۸۲۲۰	۱۴۹



لیست رمزی مشخصات بخشی از کمک‌کنندگان و وام‌دهندگان به مجاهدین همراه با تاریخ و مبلغ (به تومان)
در سومین سال مقاومت

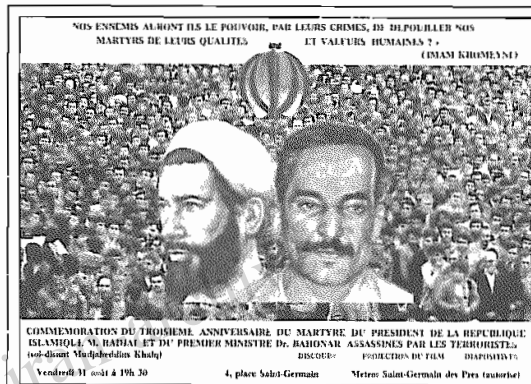
ردیف				کد	تاریخ	مبلغ بد تومان				
۲۵۲	ی	EK	۸۲۲۷	ه	بهمن ۶۲	۱	۰	۵	۰	۰
۲۵۳	ی	OG	۸۹۷۸	م	فروردین ۶۳	۱	۰	۴	۰	۰
۲۵۴	د	NG	۸۹۲۱	س	شهریور ۶۲	۱	۰	۲	۰	۰
۲۵۵	ی	ZC	۸۷۰۰	الف	مرداد ۶۲	۱	۰	۲	۰	۰
۲۵۶	ی	BF	۸۹۹۰	ر	فروردین ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۵۷	ن	BX	۸۸۴۸	ع	فروردین ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۵۸	م	BF	۸۴۴۵	الف	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۵۹	ی	HI	۸۴۴۸	ش	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۶۰	ه	OG	۸۴۵۰	ر	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۶۱	ی	NG	۸۴۵۱	خ	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۶۲	ی	SK	۸۴۶۲	ش	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۶۳	ن	TG	۸۴۹۶	ع	مرداد ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۶۴	ی	ZC	۸۴۹۹	الف	شهریور ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۶۵	ی	OA	۸۵۰۰	ع	مرداد ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۶۶	ی	ZC	۸۵۰۲	م	مرداد ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۶۷	ف	BF	۸۵۰۸	ت	شهریور ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۶۸	ی	HI	۸۵۲۰	ز	مهر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۶۹	ی	HF	۸۵۲۵	ج	مرداد ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۷۰	ی	LK	۸۵۲۷	ح	مرداد ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۷۱	ی	NR	۸۵۴۱	ر	مرداد ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۷۲	ی	ZC	۸۵۴۴	ع	مهر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۷۳	ی	HI	۸۵۵۴	الف	شهریور ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۷۴	ی	NX	۸۵۷۰	الف	شهریور ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۷۵	م	ZC	۸۵۷۱	ن	شهریور ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۷۶	ن	TJ	۸۵۷۵	م	مرداد ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۷۷	د	EQ	۸۵۷۶	ر	مرداد ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۷۸	ی	HI	۸۵۷۸	ف	مرداد ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۷۹	ی	VX	۸۵۹۷	ز	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۸۰	الف	ZC	۸۶۰۸	م	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۸۱	ن	BI	۸۶۱۹	ع	آبان ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۸۲	د	NY	۸۶۲۰	الف	آبان ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۸۳	ی	HI	۸۶۳۱	ه	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۸۴	ن	TJ	۸۶۳۷	ح	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۸۵	ه	NR	۸۶۴۸	ح	آبان ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۸۶	د	SK	۸۶۶۱	ع	آبان ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۸۷	ی	SK	۸۶۷۳	ع	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۸۸	ن	NR	۸۶۹۸	پ	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۸۹	ی	NG	۸۷۱۳	الف	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۹۰	ی	BX	۸۷۷۵	ر	آردیبهشت ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۹۱	ی	HI	۸۸۱۴	ف	آردیبهشت ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۹۲	ی	OJ	۸۸۳۵	ج	خرداد ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۹۳	ن	TJ	۸۸۳۷	م	مهر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۹۴	د	TJ	۸۹۶۳	ع	اسفند ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۹۵	ی	NG	۸۹۰۷	ل	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۹۶	د	BF	۸۹۲۴	و	آبان ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۹۷	ی	OJ	۸۹۲۷	ل	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۹۸	ی	ZC	۸۹۷۴	ل	فروردین ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۹۹	ی	SG	۸۹۸۳	م	فروردین ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۳۰۰	ی	SK	۸۹۸۶	ع	فروردین ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۳۰۱	ی	BF	۸۹۸۷	الف	آردیبهشت ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۳۰۲	ه	ZV	۹۰۰۶	م	آردیبهشت ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۰۱	ی	OG	۸۷۳۳	ب	آذر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۰۲	ن	ZC	۸۸۲۸	م	آردیبهشت ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۰۳	ی	BF	۸۸۵۰	ج	فروردین ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۰۴	ی	NG	۸۹۸۰	ج	آردیبهشت ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۰۵	ه	TG	۸۶۳۶	ف	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۰۶	ی	NM	۸۴۴۷	ح	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۰۷	ل	TG	۸۵۹۶	م	شهریور ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۰۸	ی	SM	۳۱۷۴	پ	آذر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۰۹	ی	NK	۳۲۳۹	ن	خرداد ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۱۰	الف	HJ	۳۴۶۰	ب	فروردین ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۱۱	د	BX	۸۹۷۲	ف	اسفند ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۱۲	ن	BF	۸۶۴۶	الف	شهریور ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۱۳	ر	OG	۸۵۸۸	م	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۱۴	ی	SA	۸۷۰۲	ح	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۱۵	ن	BF	۸۴۶۳	ح	مرداد ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۱۶	ی	HF	۸۴۰۷	ح	مرداد ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۱۷	ی	OJ	۸۴۱۳	ن	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۱۸	ی	LY	۳۲۳۷	ع	خرداد ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۱۹	ی	ZC	۸۷۳۳	م	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۲۰	ه	BX	۸۷۶۷	م	آردیبهشت ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۲۱	ی	ZC	۸۴۲۹	ع	مرداد ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۲۲	ی	HI	۸۷۸۱	ح	آردیبهشت ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۲۳	ی	HI	۸۴۸۹	م	مهر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۲۴	س	BX	۸۴۵۶	ر	مرداد ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۲۵	ی	NQ	۸۸۲۹	س	آردیبهشت ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۲۶	ی	TK	۹۰۰۱	ن	آردیبهشت ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۲۷	ی	ZC	۸۸۵۲	م	آردیبهشت ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۲۸	ن	HI	۸۷۷۳	س	آردیبهشت ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۲۹	ی	NK	۳۳۲۳	م	مرداد ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۳۰	د	HJ	۳۴۳۴	ف	اسفند ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۳۱	ن	HJ	۳۴۲۲	ر	مرداد ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۳۲	م	HJ	۳۴۴۵	ک	دی ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۳۳	م	SK	۸۶۰۵	م	تیر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۳۴	ی	NG	۸۴۶۵	م	مرداد ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۳۵	ی	OG	۸۹۷۶	الف	فروردین ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۳۶	ن	OG	۸۷۷۶	م	آردیبهشت ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۳۷	ن	NM	۸۷۹۰	م	خرداد ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۳۸	الف	EP	۳۲۲۰	ع	خرداد ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۳۹	ی	LD	۸۲۰۴	ج	فروردین ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۴۰	ی	LY	۳۲۳۰	ع	خرداد ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۴۱	ی	OM	۸۷۷۴	م	آردیبهشت ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۴۲	س	SK	۸۷۶۶	م	فروردین ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۴۳	د	SM	۳۲۳۱	ع	خرداد ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۴۴	ل	HJ	۳۴۶۷	ج	خرداد ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۴۵	ی	EP	۳۲۳۵	م	خرداد ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۴۶	ی	LI	۸۱۶۴	ج	خرداد ۶۳	۱	۰	۰	۰	۰
۲۴۷	الف	SM	۳۲۴۴	الف	دی ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۴۸	الف	NG	۸۹۱۸	ز	شهریور ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۴۹	ی	HQ	۸۱۲۰	ق	آبان ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۵۰	ی	BX	۸۴۶۶	م	شهریور ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰
۲۵۱	ی	NG	۸۹۱۵	م	مهر ۶۲	۱	۰	۰	۰	۰

علیرضا معیری کاردار جدید رژیم ضدبشری خمینی در فرانسه، عضو سابق بخش اطلاعات سپاه پاسداران، از پایه‌گذاران ساواما (یکی از سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی و سرکوب رژیم خمینی) و جزء سابقه‌دارترین و سرسپرده‌ترین جلاان رژیم خمینی است. اعضاء باند معیری در داخل رژیم، همکاران سابق وی در انجمن اسلامی دانشجویان تهران هستند. انجمنی که در سال‌های ۵۶ و ۵۷ معیری همراه امیرفریار و علیرضا حسینی در رأس آن قرار داشتند. ضمناً برادر وی نیز از اولین مزدوران چماقدار خمینی و بهشتی است که ضدیت هیستریک خود را با مجاهدین، منجمله با سردمداری حمله به تظاهرات شکوهمند اعتراضی مردم تهران در رابطه با دستگیری مجاهد شهید محمدرضا سعادت به نمایش گذاشت. معیری با انکاء به همین همپالکی‌های مرتجع، از همان فردای غصب حاکمیت توسط خمینی، مستقیماً به سازمان دادن نهادهای سرکوبگر پرداخت و باین ترتیب وی به‌همراهی علیرضا حسینی رسماً از اردیبهشت سال ۵۸ برقرارگرفتن در نخست‌وزیری، زیرنظر دکتر چمران و برادر وی به تجدید سازمان و بازسازی ساواک شاه که در جریان قیام خلق متلاشی شده بود، می‌پردازد. وی با مصاحبه و گفتگوی حضوری، ساواکی‌های پخته و باصلاح معتقد به "امام و جمهوری اسلامی" را دستچین نموده و به کمک آنها در اولین ماههای پس از سقوط دیکتاتوری سلطنتی، شروع به سازماندهی "ساواما" نمودند. افراد ساواما عمدتاً از میان ساواکی‌های ادارات کل هشتم و سوم ساواک (که در زمان شاه بیشترین وظیفه سرکوب نیروهای انقلابی و مردمی را به‌عهده داشتند) و روسای سایر ادارات ساواک انتخاب می‌شدند. در ادامه‌ی این کار معیری در رأس عده‌ای از این افراد به ساواک مهران (محل سابق ساواک شاه واقع در سلطنت‌آباد) منتقل شده و اسناد ملی را (که در حقیقت مرکز فعالیت اطلاعات سپاه مرکز بود) بازسازی کرد. در واقع با استفاده از پرونده‌های ساواک شاه، شروع به تشکیل پرونده بر علیه نیروهای انقلابی و بویژه مجاهدین نمود تا مقدمات سرکوب آئینده را فراهم کند. منجمله لیست افراد ممنوع‌الخروج را با استفاده از لیست تهیه شده توسط ساواک، بعنوان مبنای دادن ویزای خروج و یا مانع‌ازخروج، به‌نخست‌وزیری و نمایندگی‌های مربوطه ارسال کرد.

معیری کاردار جانی و شکنجه‌گر جدید رژیم خمینی در فرانسه کیست؟ وقتی دزد فریاد می‌زند "آی دزد"

باند معیری با همکاری علیرضا محسنی پس از ۳۰/۳ خرداد ۶۰، همزمان با ادامه‌ی فعالیت‌های فوق به همکاری فعال با انجمن تحکیم وحدت که به سپاه پاسداران وابسته بود پرداختند و منجمله به شناسائی و دستگیری تعداد زیادی از دانشجویان مترقی و بویژه هواداران سازمان مجاهدین خلق مبادرت کردند. بطوریکه طبق بیلابنی که از جنایات خود به سپاه ارائه کرده بودند نزدیک به ۲۰۰ دانشجویان را اسدستگیر و غالب آنها را به جوخه‌های اعدام سپردند. این مزدوران جنایتکار خمینی،

غالباً خودشان نیز در اعدام مجاهدین مستقیماً شرکت می‌کردند. از مدت‌ها قبل سپاه پاسداران ضدخلقی خمینی، تقویت سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌هایش را در کشورهای اروپائی بویژه در فرانسه و کشورهای هم‌مرز آن، بمنظور پیشبرد اهداف تروریستی خود در دستور کار قرار داده بود. در همین رابطه یکی از عوامل ذی‌نقوذ سپاه در اداره‌ی کل سوم وزارتتجاره‌ی ایران، اظهار می‌دارد که "فرانسه برای ما از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا هم حامی عراق است و هم



"بزرگداشت سومین سالگرد شهادت رئیس جمهور م. رجائی و نخست‌وزیر دکتر باهنر که توسط تروریست‌ها (باصلاح مجاهدین خلق) ترور شدند."

پیش‌ببرد. در همین رابطه سرخط اقداماتی را که وی در دستور کار خویش قرار داده بشرح زیر است: الف- گسترش شبکه‌ی تروریستی در فرانسه و فراهم آوردن حداکثر امکانات و تدارکات لازم مشخصاً برای ترور برادر مجاهد مسعود رجوی بمنظور وارد کردن کاری‌ترین ضربه‌ی نظامی به تنها آلترناتیو دمکراتیک رژیم ضدبشری خمینی. ب- از آنجا که چهره‌ی خمینی و سرکوبگری و جنگ-افروزی‌اش بخصوص با تبلیغات سازمان مجاهدین و انجمن‌های دانشجویان مسلمان در خارج از کشور کاملاً بر ملا و افشا شده است؛ یکی دیگر از اهداف معیری تلاش برای لجن‌پراکنی بر علیه سازمان و بخصوص زدن مارک تروریست به نیروهای مقاومت است. بعبارت دیگر این‌بار "دزده‌ها برای ای" کم‌کردن" می‌خواهند مذبحانه فریاد بزنند: "آی دزد!" در همین رابطه بعنوان مثال، کلیشی آگهی تبلیغ مراسم سالگرد انتقام خلق از نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور تیر خلاص شلیک‌کن رژیم خمینی، در پاریس را که در روزنامه‌ی لوموند چاپ شده در همین شماره‌ی "مجاهد" مشاهده می‌کنید. البته این اقدام سفارت خمینی بلافاصله با عکس‌العمل حقوق بشر سوسیالیست که از سازمان‌های بشردوستانه و مدافع حقوق بشر در فرانسه است روبرو شد، که خواستار مانع‌اتاز برگزاری چنین مراسم مفتضحانه‌ی حقوق بشر سوسیالیست در این رابطه نیز در روزنامه‌ی لوموند چاپ شد که همراه با ترجمه‌ی آن در همین شماره‌ی "مجاهد" از نظرات می‌گذرد. ج- تلاش برای تماس با عناصر سازشکار اپوزیسیون نما برای تحمیل و تطمیع ایشان و گسترش موج دربروزگی و آستان‌بوسی‌امام جلاان در میان آنها. د- از آنجا که خمینی و رژیم در خارج از کشور در میان عموم هموطنان و حتی خارجیان هیچ آبرویی ندارد و بشدت منفور و افشاشده است، معیری تلاش برای عوام‌فریبی در میان پاره‌های محافظ عرب و ایحاناً جذب موقت تعدادی از آنها را ولو با پرداخت پول، در دستور کار خود قرار داده است. در پایان خالی از لطف نیست که برای افزایش اطلاعات مشتاقان و سینه‌چاکان استحال‌ی درونی رژیم و بعنوان یک نمونه از استحال، با اطلاعاتش برسانیم که سفارت رژیم خمینی جلا در پاریس بشدت در حال استحال است؛ منتهی متاسفانه برعکس خام‌خیالی‌های آنها، آقای معیری مشغول بیرون ریختن آخرین بقایای عناصری است که به اندازه‌ی کافی "فالانز" و "تروریست" نیستند.

Le Monde 1^{er} septembre 1984

Au nom des droits de l'homme

DRÔTES SOCIALISTES DE L'HOMME proteste et a demandé au prêtre de police l'interdiction de la réunion annoncée dans le monde de 30 août, page 4 sous l'intitulé « Au nom de Dieu ». Cette réunion, qui doit se tenir vendredi 31 août 1984 de 19 h à 23 h, 4, place Saint-Germain-des-Près, à l'appel de l'ambassade d'Iran pour dénoncer le régime démocratique est elle inutile aux ÉTATS, FEMMES, ENFANTS DE TOUTES ORIGINES, RACES, RELIGIONS, TRIBES, PEUPLES, TRÈS PAR LA POLICE DU GOUVERNEMENT DE L'IRAN ENHÉMY. Merci pour votre contribution: CCP PARIS 23117 83 N DSH, 3, rue de La-Rochefoucauld - 75009 PARIS.

بنام حقوق بشر

حقوق بشر سوسیالیست ضمن اعتراض، از ریاست پلیس خواستار ممنوعیت جلسه‌ایست که سفارت ایران برگزاری آنرا در صفحه‌ی ۴ روزنامه‌ی لوموند ۳۰ اوت تحت عنوان "بنام خدا" در روز جمعه ۳۱ اوت از ساعت ۱۹ تا ۲۳ در میدان سن ژرمن دپره بمنظور افشاء و اهانت به مقاومت دمکراتیک اعلام کرده است. برگزاری این جلسه اهانت و هتک‌حرمت به: کودکان، زنان و مردان عقاید، مذاهب و نژادهای مختلفی است که مورد شکنجه، تجاوز و گشتار پلیس حکومت امام خمینی قرار گرفته‌اند. از کمک مالی‌تان متشکریم حساب پستی شماره‌ی N ۲۳۱۱۷۸۳ پاریس حقوق بشر سوسیالیست شماره‌ی ۳ گوچرش‌فوکو ۷۵۰۰۹ پاریس

Au nom de Dieu

Lorsque les responsables tombent en martyre, le peuple choisit d'autres personnes à leur place. Imam Khomeiny.

L'ambassade de la République islamique d'Iran à Paris organise une cérémonie à la mémoire des shahs martyrs: le Bahai, ancien prisonnier de la République et l'ancien ministre des Affaires Étrangères, sous pression iranienne, tombés en martyre dans l'indigne attentat perpétré par les terroristes néo-fascistes contre l'édifice du peuple.

Cette cérémonie commémorative aura lieu le vendredi 31 août 1984, de 19 h à 23 h, à la salle Saint-Germain-des-Près, 4, place Saint-Germain-des-Près, 75009 Paris.

بنام خدا

هنگامیکه مسئولین شهید می‌شوند مردم افراد دیگری را بجای آنان انتخاب می‌کنند. امام خمینی سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس به یادبود شهیدای عزیز: آقای رجائی رئیس‌جمهور سابق و حجت‌الاسلام دکتر باهنر، نخست‌وزیر سابق که در سوء‌نقصد نفرت‌باری که توسط تروریست‌های به‌اصطلاح مجاهدین خلق صورت گرفت شهید شدند، مراسمی ترتیب می‌دهد. این مراسم یادبود جمعه ۳۱ اوت ۱۹۸۴ ساعت ۱۹ تا ۲۳ در سالن سنت ژرمن دپر واقع در میدان سنت ژرمن دپر پلاک ۴، پاریس ششم، برگزار خواهد شد.



۱۵ شهریور (۱۵ ذیحجه) روز فرخنده‌ی عید قربان را با تعظیم در برابر روان‌های پاک تمامی قربانیان انقلابی تاریخ بشری، بویژه شهدای جاودان آزادی و انقلاب نوین ایران، گرامی می‌داریم و آنرا به خلق قهرمان و مجاهدپرورمان و همه‌ی مسلمانان تبریک می‌گوئیم.

عید قربان یادآور فلسفه‌ی بزرگ فدا و قربانی است. همان پشوتانه و رمزی که بدون آن هرگز راه انقلاب و تکامل گشود و هموار نخواهد گشت. چرا که تکامل و پیشرفت در هر قلمروی یک امر انقلابی است که مستلزم قربانی دادن و فداکاری‌های شایسته است. این منطق بنیادین حاکم بر طبیعت و انسان و جامعه است. منطقی مبتنی بر فلسفه‌ی توحید که بر حسب آن "هستی حقیقی" در تمامیت تکاملی خود، مرهون "فدا و قربانی" و ایثار وحدت‌گرایانه است. نه تکامل بدون انقلاب و جهش میسر است و نه انقلاب بدون فدا و قربانی.

سراسر ماجرای پرفراز و نشیب تکامل، گویای این حقیقت است که جهش و تعالی در هر قلمروی پیوسته بر دوش پیشتازانی پیش رفته است که "فدیه‌ی" رهائی و گشودن راه خروج از اسارت نیروهای بنده‌ساز ضدتکاملی شده‌اند. جاده‌ای که در انتهای آن، پس از همه‌ی کشاکش‌های خونینی که میان اعداد مختلف روی می‌دهد، سرانجام قلبی شکوهمند آزادی و صلح و وحدت و رستگاری را نوید می‌دهد. چنین است که پدیده‌ی "نو"

از خلال درگیری و سختی و از میان قربانی و رنج و فدا بیرون می‌آید تا صلاحیت و شایستگی خود را در صحنه‌ی عمل و آزمایش به اثبات برساند. منهای عبور از چنین کوره‌ی آزمایش‌گدازانی، ما - چه یک فرد یا یک حزب و سازمان - اگر از قربانی دادن بهراسیم، بلاشک در برابر طوفان انتخاب اصلح، درو و محو خواهیم شد.

دقیقا طی همین جریان است که نیروها و احزاب و عناصر انقلابی آبدیده شده و صیقل می‌یابند و متقابلا مدعیان کاذب، حذف و تصفیه می‌گردند. چرا که بطور کلی حقانیت و شایستگی و ماندگاری ایدئولوژیک و تاریخی و اجتماعی یک جریان انقلابی، و همچنین حقیقت پیروزی آن اساسا بر پایه‌ی همین آمادگی تمام‌عیار برای فدا شدن و قربانی دادن ارزیابی و سنجیده می‌شود زیرا که جاده‌ی تکامل اجتماعی، همواره جاده‌ی سرخ-فام و شقرنگ بوده است که البته فجر پیروزی صلح و آزادی

و یگانگی را بر عفریت جنگ و استبداد و بندگی و شرک، در چشم‌انداز تاریخی آن نوید می‌دهد. چنین است داستان ابراهیم (ع) یا همان داستان عروج و ارتقاء یگانه‌ساز بشری که در اوج مراسم حج به زبانی سمبلیک، در چارچوب یک "بین‌الملل عقیدتی" یادآوری و تکرار می‌شود. از این نظر داستان در اصل، داستان آزادی و رهائی و نیل به یگانگی جامعه‌ی انسانی و انسان اجتماعی است.

ابراهیم منادی توحید و قهرمان ضمیم با ارتجاع و شرک - ورزی که به حق پدر تمام رسولان و انبیاء لقب گرفته است، بنیانگذار و پیشتاز تاریخی این سنت انقلابی و توحیدی است. پس از آنکه او یکتاپرستی خود را اعلام می‌کند، دیری نمی‌گذرد که ارتجاع حاکم و اصحاب تزویر که بر کرسی مذهب رایج برگردی مردم حکم می‌رانند، توده‌های ناآگاه مردم را بر علیه ابراهیم

و شرک و ارتجاع است که طی آن هزاران هزار زن و مرد مجاهد و مبارز برای نگاهبانی از شرف و سرفرازی یک خلق در زنجیر به قربانگاه رفته و پیکر خود را به آتش سپردند تا از شعله‌های آن، تیرگی‌چهل‌وجور و جنایت ارتجاع خمینی زوده شود. منجمه ما اکنون در پرتو این نبرد، بهتر می‌توانیم به ژرفای مفاهیم و شاعر و سمبل‌های توحیدی دست‌یافته و به روشنی دریابیم که این مقاومت در عمق ایدئولوژیک خود، ادامه‌ی تاریخی همان بت‌شکنی انقلابی است که طی آن نسل پاکباز مجاهد خلق پرچم انقلاب یکتاپرستی را بدست گرفته و در اوج آگاهی و شور و ایمان، در حالی که همه‌ی هستی و خانمانش را در طبق اخلاص و فدا گذاشته، قلب تیرگی را نشانه گرفته است تا استبداد و استعمار و استعمار را در این میهن از ریشه درآورد و آئین حنیف و پاک ابراهیمی را

تک تک این حماسه‌ها و رنج‌ها و قربانی‌دادن‌ها، گواه آنست که خلق و انقلاب نوین ما پیروزی قطعی و محتوم خود را بر رژیم ضدبشری خمینی مسجل نموده است.

بنابراین امروز برای مجاهدین خلق ایران که با الهام از سنن انقلابی و توحیدی پیشوایان عقیدتی خویش، بر علیه بت عماسه‌دار زمان و لشکر تزویر و سرکوب او ادامه می‌دهند، جای بسی افتخار و سرافرازی است که در شرایط طاقت‌فرسای مبارزه با خمینی و علیرغم همه‌ی جوخه‌های اعدام و یا اجاق‌های شکنجه که نمرود زمان برای سوزاندن پیکر مجاهدین برپا کرده، تا این لحظه توانسته‌اند از کوره‌های گدازان آزمایشات و ابتلائاتی که از هر حیث شاید در تاریخ انقلابات دنیا بی‌نظیر باشد، سرفراز و موفق بیرون آیند. هرچه زمان می‌گذرد، ما

بنیادینست عید فرخنده‌ی قربان، بین‌الملل عقیدتی انقلاب و قربانی

“فدا و قربانی، ضرورت اجتناب‌ناپذیر انقلاب”

بهرتر درمی‌یابیم که در ورای این همه خون و فدا و آنهمه فتنه و ابتلاء که تمامی موجودیت فیزیکی و بلکه حتی موجودیت و اصالت ایدئولوژیکی ما را به آزمایش می‌گذاشت، چه حکمت عظیم و فلسفه‌ی پر راز و رمزی نهفته بوده است.

آری! عنصر یکتاپرست مجاهد خلق می‌بایست با تقدیم بالاترین قربانی و فدای ممکن از کوره‌ی گدازان ابتلائات، ابراهیم‌وار سرفراز بیرون می‌آید تا صلاحیت و شایستگی پیشتازی و راهبری نبرد همه جانبه‌ی تاریخی، ایدئولوژیکی، سیاسی و نظامی علیه بزرگترین شیاد خون‌آشام قرن حاضر را که زمانی با چهره‌ای "آسمانی" ا به‌میدان آمده بود، کسب نموده و پرچم رهائی یک خلق در زنجیر را در فراسوی مرزهای هرگونه سازش و فرصت‌طلبی به اهتزاز درآورد؛ و همینطور زنگارهای طبقاتی و بغایت ارتجاعی و جاهلی را از چهره‌ی اسلام‌راستین و انقلابی که می‌رفت بدست ارتجاع خمینی لااقل برای یک دوره‌ی تاریخی دفن شده و نشانی از آن باقی نماند، با خون و با اندیشه و عمل انقلابی بزداید و مشعل فروزان این مکتب رهائی‌بخش را در اوج قلبی انقلاب و ترقیخواهی فرا راه جنبش نوین خلق قرار دهد.

از سوی دیگر در خلال

از لوث وجود سردمداران و پاسداران ظلم و شرک و ارتجاع بکلی پاک نماید، و در این راه بی‌هراس از قربانی دادن، تاکنون بسا حماسه‌های بی‌نظیر خلق نموده است. از حماسه‌ی هزاران پدر و مادر و همسری که با روی گشاده فرزندان و همسران خود را ابراهیم‌وار فدیده‌ی رهائی خلق و میهن خویش نمودند گرفته تا حماسه‌ی فرماندهان و واحدهای جنگاور مجاهد و میلیشیائی که با جسارت‌ها و جان‌بازی‌های خود در میدان نبرد انقلابی مسلحانه قلب دشمن خدا و خلق را ملامت از وحشت و هراس نمودند، یا حماسه‌ی زندانیان استوار و مقاومی که با استخوان‌های شکسته و بدن‌های متلاشی شده، مرزهای طاقت بشری را در نورددیدند، و یا حماسه‌ی قهرمانان عملیات مقدس انتحاری که خود را با بمب‌هایشان منفجر کردند و ققنوس‌وار سوختند تا آیت‌ها و عفریت‌های جنایت و تزویر و تباهی را از سر راه انقلاب بردارند. و بالاخره و در راس همه، باید از حماسه‌ی نبرد و شهادت سردار شهید خلق موسی خیابانی و سمبل‌زن انقلابی مجاهد شهید اشرف ربیعی و هم‌زمانشان در عاشوراگونه‌ی مجاهدین یاد کرد که طی آن خلق ما والاترین فدیه و قربانی را برای آزادی خویش نثار کرده است...

می‌شوراندند. زیرا که او در مسیر بت‌شکنی، به "خدایان" و ارزش‌های مجازی و کاذب آنان "توهین" کرده است... آنگاه ابراهیم در پی محاکمهای فرمایشی، راهی آتش می‌شود تا شعله‌ور گردد و بسوزد، اما آتش به قدوم ابراهیم به گلستانی مفرح بدل می‌شود...

سپس ابراهیم پیامبر، آوازه‌ی کوه و دشت می‌شود تا سرانجام پس از آزمایشات خالص‌کننده‌ی بسیار، شایسته‌ی منصب پیشوایی و امامت می‌گردد. از مهمترین این آزمایشات، آمادگی برای قربانی کردن فرزند محبوب است که پدر و پسر هر دو از آن سربلند بیرون می‌آیند. به راستی هم که مقام رهبری راستین انقلابی و توحیدی در منتها درجات و ارستکی، از هروابستگی و جاذبه‌ی غیرمتعالی تهی باید گردد.

و از ابدلی ابراهیم ربه‌یکلمات فاتمه‌ن قال انی جاعلک للناس اماما () و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بی‌امود که آنها را به پایان رساند، سپس گفت همانا که من ترا بر خلق‌ها پیشوا و راهبر قرار می‌دهم).

همین آزمایشات پررنج و شکنج و شهادت‌ها و قربانی‌دادن‌ها بوده است که روند تصفیه و تعمیق شکوهمند انقلاب کبیر ایران، هر روز و هر ساعت به درجات عالیتری ارتقاء یافته و انگل‌ها و نیروهای فرصت‌طلب و میوه‌چین یکی پس از دیگری افشاء و نفی و دفع می‌شوند. بطوریکه اکنون منجمه به برکت همین خون‌ها و رنج‌ها، بسیاری از ماهیت‌ها که زمانی در میان انواع زوروق پیچیده شده و از نظرها مخفی نگاه داشته می‌شد، به بارزترین صورت ممکن برملا و آشکار گردیده است.

حال بگذران آنهايي که چشم دیدن تلألو و درخشش جاودان تابلوی عظیم و سرخ‌فام مقاومت ایران را ندارند هرچه می‌خواهند بر نسل شهیدان خونین پیکر ما روا دارند و همچون بقایای شاه و خمینی باین خیال واهی که لگدمال کردن این خون‌ها را وسیله‌ی هموار نمودن راه سازش خیانت‌بار خود با دژخیم خون - آشام دوران نمایند و یا همچون همه‌ی جریان‌های انحرافی و ارتجاعی که هستی بوج و بی‌ریشه‌ی خود را در گرو نفی و نابودی نسل مقاومت و ایمان یافته‌اند، عنان‌گسیخته بر زندگان یا شهیدان ما بتازند.

ولی ما خدا و خلقمان را سپاس می‌گذاریم که در پس همه‌ی حملاتی از این قبیل که به نسل مجاهد خلق نثار شده - همچنانکه در پس همه‌ی رنج‌ها و قربانی‌هایی که متحمل شده‌ایم - اساسا و در مجموع جز خیر و صلاح و افتخار و جز تصفیه و تعمیق دائمی انقلاب چیز دیگری حاصل ننموده‌ایم و یقین داریم که اگر کماکان در راه انقلابی خود پایدار و استوار باقی بمانیم در آینده نیز همچون گذشته بیاری خدا و خلق روسفید و سربلند خواهیم بود.

پس بهمین خاطر و به شکرانه‌ی برخوردار گردیدن از چنین نعمت بزرگی، در این روز گرامی بار دیگر با تمام شهدای بخون خفته‌ی خلق و با خلق قهرمانان تجدیدعهد می‌کنیم و سوگند می‌خوریم که برغم همه‌ی رنج‌ها و مرارت‌های جانکاه، اگر در مسیر خون‌آشام آزادی و برای سرنگونی رژیم ضدبشری و پلید خمینی، آزمایشات خونین‌تر و سهمگین‌تر و روزهای سخت‌تر و پرمشقت‌تری نیز در پیش داشته باشیم باز هم بیم و هراسی بدل راه نخواهیم داد. کاروان عظیم ۴۰ هزار شهید و یکصد و بیست هزار زندانی و شکنجه شده، گواه و پشتوانه‌ی اصالت این سوگند ماست.

توای خون جوشان، جوانی! وتضمین فردای زیبای این کهکشانی

از: کمال رفعت صفائی

برای شهیدان انقلاب نوین زیبا و زیبایی آفرین: شهیدان مجاهد و مبارز خلق

خدا یا! سرسبز همسایه من!

و یارا: چه رفته‌ست بر ما چه رفته‌ست؟
شبهه یکی پلکانی که آید پدید از ستاره
فتاده جسد بر جسد بر جسد از سواران
و چون نردبانی که آید پدید از گل سرخ
و یا صخره‌واری که آید پدید از پرند
و یا گوه گرمی که آید پدید از شراره،
فتاده جسد بر جسد بر جسد از سواران
و یارا! چه رفته‌ست بر ما، چه رفته‌ست؟

و لیکن، تو گم شو توای گوه اندوه

چنانی که گم گردد از مرگ - در دره‌ی دور

سر و ساعد و چشم گفتار پیری

تو گم شو

گر از هر چه سوگاو مرگت بگوید

گل گرم بودن، شکوفد

در این خون گرمی که توفد به جان و به میدان

و لغزد به شریان رفتن - به عزم سواران

و جوشد، و توفد

که زاید به جای هر آنکس که مرده‌ست

هزار و هزاران دیگر

و یارا! نمرده‌ست، کس از ما نمرده‌ست

چرا که هر آنکس شهید است:

تمامی نیروی دانای خود را

درون تن و عزم دیرینه‌ی ما دمیده‌ست

(بدینگونه، آری!)

نه این چشم من نیست - چشم شهیدی‌ست

و این قلب من نیست - قلب شهیدی‌ست

نگه کن که خود را به جا برنهادم - و اکنون کس دیگر من!

نه خاک و نه دانه - سپیدار زیباتر من

و بر شانه‌ام نطفه بندد بهار و گبوتر

و تابد دهان تمام شهیدان - چو خورشید جوشان به شریان جانم:

و خواند:

به میدان اکنون - به میدان ایران -

از این خیل خفت - ز شاهان و شیخان -

به جز جامگانی نصیب تن موزه‌داران

و خاکستری در رگاب سواران،

نباید بماند نشانی

و خواند دهان تمام شهیدان

چنانی که خواند دهان تمامی جنگل - در امواج رویان

و خواند دهان تمامی مردم - به جان حماسی غزل‌های منظوم عصیان:

تو ای انقلاب رهائی - به سرپنجه‌ی سرخ؛

چنانی که طوفان - ورق می‌زند آب دریا،

و در ساعت عصر - به هنگام پرواز

چنانی که ناگه پرند،

- به چشمان پرش -

شود خیره بر خون گرم گلوگاه سرخش؛

در اکنون و این جا - به هنگام خیزش:

نگه کن چکیده‌ست خون شهیدان،

به روی تمامی برگ درختان

به روی تمامی زلف سواران

- و بر پرچم موج و بر شانه‌ی گوه

- و بر شانه‌ی ما -

و بر چمپلی هر چراغی که می‌لرزدش شعله از ضرب پای هیولای ظلمت

و می‌ماندش شعله تا ضرب پای سپیده

و در زخم نامرئی عابرائی

که اندوه خود را نهان در دل آرند و دیری به لب برنیارند

و اما:

به هنگام گفتن - شکفتن:

چنانی بغزند، گاتش‌فشانی

و آتش بپاشند و آتش بپاشند و آتش

[بپاشید! بپاشید!]

به آئین ظلمت، سرآتش‌افروز بادا سلامت

[بپاشید!]

و حتی چکیده‌ست خون شهیدان

در این گاسه‌ی آب و بر سفره‌ی نان و دریا در یاران

[و یارا، سواران، سواران، سواران

سواران چه زیبا گذشتند از کوچهی مرگ

چه زیبا گذشتند و بی‌مرگ - از کوچهی مرگ!]

- چه سرخ و چه عاصی، چه چالاک

و بی‌باک،

طربناک

[و ما را، چرا این سواران نهادند و با خود نبردند?]

...

- و حتی -

و حتی چکیده‌ست، خون شهیدان

در آوای این کودکی که برقصد بر این تپه‌ی خاک و خواند:

نگه کن تو مادر

که خورشید، شبهه سرسرخ همسایه گشته‌ست

که دیروز،

به رگیار

- به ناگه فرو برفتاد از دل آن دریچه

به فریاد بادا رها خلق و بادا رها خلق

[و یارا!]

سرسبز همسایه من!

که با من سخن می‌سرود از گل و ماه و دریا و فردا

و معماری صبح و آزادی عشق و ایمان و انسان



هسته پنهان این تشکل

فاطمه کبیری

بمناسبت ۱۵ شهریور، بنیادگذاری سازمان مجاهدین

- از گجا باید آغاز کرد؟
از ششمین ماه و روز پانزدهم
شهریور ولادت مجاهدین
یا از ابتدای هجرت "محمد"
که قوس دایره‌ی وسیع خود را
از مرکز کعبه
تا شعاع مدینه دورتر می‌برد؟
*
- از گجا باید آغاز کرد؟
از بصیرت گدازان چشمان ابراهیم
آنگاه که در آینه‌های طویل شعله‌ها
قبضه‌ی مسلسل‌های امروز را - در غلاف می‌نگریست
یا از شور عیسی بر صلیب
آنگاه که نوسان گشتی شهادتش را
با سلکان دست‌ها
در دریای سفر پنهان هستی
شناور می‌ساخت؟
*
- از گجا باید آغاز کرد؟
از خروج یوسف از چاه
- از طلوع بهار فرزند زیبای انسان -
یا از تخریب "آدم"
آنگاه که زندگانی پلک‌هایش را
به روی جهان زنده، باز می‌گشود؟
*
- از گجا باید آغاز کرد؟
گجاست هسته‌ی پنهان این تشکل
در آن ابر اولیه
که هنوز "انسان" می‌بارد
یا آن بهشت اولیه
که انسان نامتاسب
سیب حسرت گزیده، بیرون شد؟
*
- اما هیچ چیز مرا باز نمی‌دارد
از آنکه چون زائری برهنه پای
در نوردم، تمام دشت‌های هستی را
تا به لمس هسته‌ی پنهان این تشکل
چون لمس پوسته‌ی ناب‌ترین گوهر جهان
در تیره‌ترین شب یک صحرا، نائل آیم.
*
- باید برای هسته‌ی این تغزل
این زمزمه‌ی پاک انسان
با خروش ابدی
شعری نوشت
*
- باید برای اندام آن سه رسول جوان
که از پای البرز و سهند و سبلان
روان شدند
- با پوسته‌ی گلام
ردائی پوشاند
*
- راهی شوید
ای راهبان همیشه البرز
که از ابتدای تشکل شما
هنوز ابرهای سوزان پُر باره شوند
هنوز "مجاهدین" رگبار می‌بارند.
*
- سه گلبرگ،
سه جرعه
از اصطکاک وحی با صخره سینه‌ی انسان
که در گذر از ابعاد چهارده قرن
بر ظلمات دامن البرز، فرونشسته است.
و هنوز که هنوز است
ارتجاع ازین جرعه‌ها می‌سوزد
و بت‌ها فرو می‌شکنند
در آستان غارهای دماوند انتقام خلق‌ها -
*
- رخنه کنید!
موریا نه‌های آتش
در اندام جنگل وحش
تا خاکستر فصل مشترک انسان
با آن دور دست حیوانی
*
- از سرانگشتم
فرمان حنیف و سعید و بدیع زادگان
چون قدم‌های موسی بر دریا
شتابان روی گاغذ می‌چکنند
خیس می‌شوند تا تلاطم گاغذ
با فرود اینهمه عزم جزم
می‌بویم اینهمه شبنم دیرپا را.
*
- از هسته‌ی پنهان سازمان سخن می‌گفتم
و ابتدای گلام
چون توقع دستان یک کودک
از انتهای نخ بادبادکش
همچنان فراتر رفت
اما گجاست سقف این توقع
تا به لمس سه ستاره‌اش
دستان کودکی حجم تصورم، نائل آیند؟
*
- مرا بالا تر ببرید
ای فواره‌های هزار رنگ خون مجاهدین
ای گمانه‌های آتش:
تیر کشیده از غلاف سینه‌ی مادران داغ‌دیده
که در مجموعهای از ارتقاء شما بود
- که توقع انسان زمانه‌ی من از "آدمی"
به لایتناهی رسید
*
- و من صعود می‌کنم
و بشریت زمانه‌ی من صعود می‌کند
در فرازی از شلاق‌های شکنجه
که رگبار فرودشان
هرگز سیطره‌ی طاقت فرزند انسان را
نگویانید
و آه! چه دیدند
چشمان آسمان ما
آنگاه که شلاق‌ها برای فرود بعدی دور می‌شدند
نه!
اینبار از بهشت زمین
"آدمی" رانده نخواهد شد
و در تطابق اینهمه "جان"
که مجاهدین بر امواج نثار کرده‌اند
سیب تولد انسان نو
چشیده خواهد شد
*
- باید از سنگ نور
برای هسته‌ی این تشکل
ستاره‌ای تراشید
و در فضای اصطکاک قلب همه‌ی عشق ما
آرم سازمان من را آویخت
گجاست سزاوار المصاق یک نشان
دیواری؟
*
- ستاره‌ی یک نظام نو
بر دوش آسمان
میخگی از خون حسین
بر مزار شهیدان
بارش تند یک باران
که حلقه‌های الحاق زمین را به آسمان، تنگ‌تر می‌کند.
*
- باید برای آنان که خود را در خلق
چون گلی از نور
پرپر کردند
و دریای رنج انسان‌ها را
تا استخوان فنا شنا کردند
از زمزم آسایش دور دست انسان
آب گشید
و در جامی
- از دست‌های رضایت یک کودک یتیم -
در سایه‌ای لا یزال خم شد
و چون سایه‌ی بلند و تسکین ستمدیدگان
رویشان را بوسید.



لیست رمزی مشخصات بخشی از کماک کنندگان و وام دهندگان به مجاهدین همراه با تاریخ و مبلغ (به تومان)
در سومین سال مقاومت

بقیه از صفحه ۱۲

مبلغ بد تومان				تاریخ	کد	ردیف	مبلغ بد تومان				تاریخ	کد	ردیف
۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	OI ۸۷۱۱ ه	۴۵۶	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	BX ۸۶۱۱ ی	۴۰۵
۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	NG ۸۷۱۷ و	۴۵۷	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	OG ۸۶۱۲ ن	۴۰۶
۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ZC ۸۷۱۸ ن	۴۵۸	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	TJ ۸۴۰۹ ی	۴۰۷
۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	فروردین ۶۳	OI ۸۹۷۹ ر	۴۵۹	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ZC ۸۴۱۱ ی	۴۰۸
۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	فروردین ۶۳	TI ۸۹۸۵ ت	۴۶۰	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	NC ۸۴۳۹ ی	۴۰۹
۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	فروردین ۶۳	SF ۸۹۹۴ ی	۴۶۱	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	OJ ۸۴۸۱ ه	۴۱۰
۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	فروردین ۶۳	NW ۸۹۹۵ س	۴۶۲	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	NR ۸۵۰۴ ح	۴۱۱
۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اردیبهشت ۶۳	NG ۸۹۹۹ ن	۴۶۳	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	BX ۸۵۰۵ ر	۴۱۲
۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اردیبهشت ۶۳	NM ۹۰۰۴ ی	۴۶۴	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	فروردین ۶۳	HI ۸۷۴۲ ن	۴۱۳
۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اردیبهشت ۶۳	SK ۹۰۰۸ ر	۴۶۵	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اسفند ۶۲	ZC ۸۷۵۱ ه	۴۱۴
۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	خرداد ۶۳	ZC ۹۰۱۰ ی	۴۶۶	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	فروردین ۶۳	BX ۸۷۶۳ ه	۴۱۵
۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	خرداد ۶۳	BK ۹۰۸۲ ه	۴۶۷	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اردیبهشت ۶۳	OJ ۸۷۶۹ ر	۴۱۶
۴۷۷۹۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	HQ ۸۱۰۲ ن	۴۶۸	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اردیبهشت ۶۳	SK ۸۷۷۷ ی	۴۱۷
۴۶۸۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	آذر ۶۲	SM ۳۱۲۰ ی	۴۶۹	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	خرداد ۶۳	BF ۸۷۹۱ و	۴۱۸
۴۶۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	NK ۳۳۱۸ ن	۴۷۰	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	فروردین ۶۳	NW ۸۸۱۳ ی	۴۱۹
۴۶۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	SM ۳۳۸۸ ی	۴۷۱	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اردیبهشت ۶۳	ZC ۸۸۱۶ ر	۴۲۰
۴۶۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	EP ۳۳۹۴ ر	۴۷۲	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	فروردین ۶۳	SK ۸۸۲۷ ی	۴۲۱
۴۶۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	LY ۳۳۰۶ ر	۴۷۳	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	خرداد ۶۳	NG ۸۸۳۲ ن	۴۲۲
۴۶۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	NK ۳۳۰۷ س	۴۷۴	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اسفند ۶۲	BI ۸۸۴۶ ی	۴۲۳
۴۶۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	SM ۳۳۲۰ الف	۴۷۵	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	آبان ۶۲	NG ۸۸۶۱ ی	۴۲۴
۴۶۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	SM ۳۳۲۲ ر	۴۷۶	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	SK ۸۵۳۶ ر	۴۲۵
۴۶۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	EP ۳۳۲۵ د	۴۷۷	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اسفند ۶۲	EW ۸۸۶۹ ی	۴۲۶
۴۶۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	LY ۳۳۳۲ ت	۴۷۸	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اسفند ۶۲	HI ۸۸۷۴ ی	۴۲۷
۴۶۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	SM ۳۳۷۳ ش	۴۷۹	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	EM ۸۹۱۲ ن	۴۲۸
۱۵۳۲۰	۰۰	۰۰	۰۰	بهمن ۶۲	SP ۷۳۷۳ ب	۴۸۰	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	SK ۸۹۱۳ ی	۴۲۹
۴۵۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	OJ ۸۴۳۶ ی	۴۸۱	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مهر ۶۲	BA ۸۵۱۳ ی	۴۳۰
۴۵۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مهر ۶۲	HI ۸۶۲۱ ی	۴۸۲	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	BI ۸۵۲۶ د	۴۳۱
۴۵۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	BX ۸۷۰۴ ی	۴۸۳	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	ZC ۸۵۳۴ ی	۴۳۲
۴۵۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	BX ۸۶۷۴ ی	۴۸۴	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	NK ۸۵۳۵ الف	۴۳۳
۴۴۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	آبان ۶۲	ZC ۸۵۲۱ ی	۴۸۵	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مهر ۶۲	HI ۸۵۳۹ ی	۴۳۴
۴۴۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اردیبهشت ۶۳	HF ۸۸۸۲ ی	۴۸۶	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مهر ۶۲	BX ۸۵۵۱ ی	۴۳۵
۴۳۲۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	خرداد ۶۳	NK ۳۲۰۶ ی	۴۸۷	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	OJ ۸۵۵۳ ی	۴۳۶
۴۳۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	آبان ۶۲	TJ ۸۷۳۱ ی	۴۸۸	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	ZC ۸۵۵۶ ی	۴۳۷
۴۲۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	NG ۸۵۴۷ ی	۴۸۹	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مهر ۶۲	TJ ۸۵۶۲ ر	۴۳۸
۴۲۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مهر ۶۲	HI ۸۶۳۹ ی	۴۹۰	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ZC ۸۵۶۸ ی	۴۳۹
۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اسفند ۶۲	BF ۸۷۵۲ ی	۴۹۱	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	HI ۸۵۷۳ س	۴۴۰
۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اردیبهشت ۶۳	NQ ۸۷۸۷ ی	۴۹۲	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	OJ ۸۵۸۵ ی	۴۴۱
۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	خرداد ۶۳	BF ۸۸۱۰ ی	۴۹۳	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ZC ۸۵۹۳ ی	۴۴۲
۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	ZC ۸۸۶۴ ی	۴۹۴	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	HI ۸۵۹۴ ی	۴۴۳
۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	HI ۸۸۸۷ ی	۴۹۵	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	SK ۸۵۹۵ ی	۴۴۴
۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	OJ ۸۹۱۷ ت	۴۹۶	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ZC ۸۵۹۸ ی	۴۴۵
۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	آبان ۶۲	TJ ۸۹۲۰ ی	۴۹۷	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	شهریور ۶۲	OD ۸۶۰۱ ر	۴۴۶
۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اسفند ۶۲	OJ ۸۹۶۸ ی	۴۹۸	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	HI ۸۶۰۷ ی	۴۴۷
۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اسفند ۶۲	ZV ۸۹۷۰ ی	۴۹۹	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	HI ۸۶۲۵ ی	۴۴۸
۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	اسفند ۶۲	HQ ۸۱۰۳ د	۵۰۰	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	ZC ۸۶۳۰ ت	۴۴۹
۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	آذر ۶۲	ZC ۸۸۶۴ ی	۵۰۱	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	HI ۸۶۴۴ ی	۴۵۰
۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مهر ۶۲	ZC ۸۴۶۷ د	۵۰۲	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	SK ۸۶۶۷ ی	۴۵۱
۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مهر ۶۲	EW ۸۴۶۸ ه	۵۰۳	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	TJ ۸۷۲۰ ی	۴۵۲
۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	آبان ۶۲	NM ۸۴۷۳ ت	۵۰۴	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	NG ۸۶۸۹ ی	۴۵۳
۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	BF ۸۵۴۲ د	۵۰۵	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	OJ ۸۶۹۰ ر	۴۵۴
۴۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	تیر ۶۲	BX ۸۵۶۵ د	۵۰۶	۵۰۰۰۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	مرداد ۶۲	OJ ۸۶۹۱ ج	۴۵۵



لیست رمزی مشخصات بخشی از کمک‌کنندگان و وام‌دهندگان به مجاهدین همراه با تاریخ و مبلغ (به تومان)
در سومین سال مقاومت

مبلغ به تومان				تاریخ	کد	ردیف	مبلغ به تومان				تاریخ	کد	ردیف
۳	۰	۰	۰	۶۲ مهر	الف NQ ۸۴۷۸ ی	۵۵۸	۴	۰	۰	۰	۶۲ تیر	ع BA ۸۵۶۶ م	۵۰۷
۳	۰	۰	۰	۶۲ مهر	م NR ۸۴۸۰ ی	۵۵۹	۴	۰	۰	۰	۶۲ تیر	ع ZC ۸۵۷۹ د	۵۰۸
۳	۰	۰	۰	۶۲ مهر	ف TJ ۸۴۸۶ ی	۵۶۰	۴	۰	۰	۰	۶۲ مهر	ع NC ۸۶۴۵ ی	۵۰۹
۳	۰	۰	۰	۶۲ تیر	ح BF ۸۵۳۰ م	۵۶۱	۴	۰	۰	۰	۶۲ تیر	غ SK ۸۶۷۹ ر	۵۱۰
۳	۰	۰	۰	۶۲ شهریور	ح SK ۸۵۵۳ ی	۵۶۲	۴	۰	۰	۰	۶۲ تیر	ر EW ۸۷۱۵ ی	۵۱۱
۳	۰	۰	۰	۶۲ شهریور	ر BU ۸۵۶۴ ی	۵۶۳	۴	۰	۰	۰	۶۲ تیر	ش OJ ۸۷۱۶ ی	۵۱۲
۳	۰	۰	۰	۶۲ تیر	س ZJ ۸۵۷۲ ر	۵۶۴	۴	۰	۰	۰	۶۲ مهر	ر NQ ۸۷۱۹ ت	۵۱۳
۳	۰	۰	۰	۶۲ تیر	ب EC ۸۶۰۲ ت	۵۶۵	۳	۹	۰	۰	۶۲ شهریور	الف TJ ۸۴۷۷ ی	۵۱۴
۳	۰	۰	۰	۶۲ تیر	ر NR ۸۶۰۹ ی	۵۶۶	۳	۸	۳	۰	۶۳ اردیبهشت	ق SP ۷۳۷۵ ر	۵۱۵
۳	۰	۰	۰	۶۲ شهریور	الف NQ ۸۶۱۶ ی	۵۶۷	۳	۷	۰	۰	۶۲ اسفند	الف NR ۸۸۹۱ ی	۵۱۶
۳	۰	۰	۰	۶۲ شهریور	ر SK ۸۶۴۱ ن	۵۶۸	۳	۷	۰	۰	۶۲ تیر	ن TP ۸۶۰۶ ی	۵۱۷
۳	۰	۰	۰	۶۲ شهریور	ف HA ۸۶۵۳ ن	۵۶۹	۳	۶	۲	۵	۶۲ مهر	م HQ ۸۱۳۴ ی	۵۱۸
۳	۰	۰	۰	۶۲ شهریور	م QJ ۸۶۵۵ ی	۵۷۰	۳	۶	۰	۰	۶۲ مرداد	SM ۳۰۷۱	۵۱۹
۳	۰	۰	۰	۶۲ شهریور	ع NR ۸۶۶۹ ی	۵۷۱	۳	۵	۷	۵	۶۳ اردیبهشت	خ HM ۸۲۳۳ ت	۵۲۰
۳	۰	۰	۰	۶۲ تیر	ر ZC ۸۶۹۷ ر	۵۷۲	۳	۵	۴	۰	۶۲ مرداد	ت HQ ۸۱۲۸ هـ	۵۲۱
۳	۰	۰	۰	۶۲ تیر	ش OQ ۸۷۱۴ ی	۵۷۳	۳	۵	۴	۰	۶۲ مرداد	الف HQ ۸۰۸۳ ی	۵۲۲
۳	۰	۰	۰	۶۲ تیر	الف NR ۸۷۲۱ ی	۵۷۴	۳	۵	۴	۰	۶۲ تیر	ت HQ ۸۱۲۷ هـ	۵۲۳
۳	۰	۰	۰	۶۲ مرداد	از (ی ۲۹۲۲ ن)	۵۷۵	۳	۵	۰	۰	۶۳ اردیبهشت	ع OX ۸۸۲۰ ر	۵۲۴
					تا (م ۲۹۶۱ ک) SM		۳	۵	۰	۰	۶۳ اردیبهشت	ر BF ۸۸۲۴ هـ	۵۲۵
۲	۹	۳	۸	۶۲ دی	ک HJ ۳۴۴۶ م	۵۷۶	۳	۵	۰	۰	۶۲ تیر	الف BK ۹۰۳۸ ی	۵۲۶
۲	۸	۰	۰	۶۲ مهر	الف HI ۸۵۱۵ ف	۵۷۷	۳	۵	۰	۰	۶۲ مهر	ع NQ ۸۴۷۱ ی	۵۲۷
۲	۷	۸	۱	۶۲ بهمن	از (ی ۱۶۶۶ ج)	۵۷۸	۳	۵	۰	۰	۶۲ تیر	ف TJ ۸۵۴۶ ی	۵۲۸
					تا (ی ۱۶۸۴ ش) EP		۳	۵	۰	۰	۶۲ شهریور	س ZC ۸۷۲۶ ی	۵۲۹
۲	۷	۶	۰	۶۲ مرداد	ع LY ۳۲۸۶ ی	۵۷۹	۳	۴	۰	۰	۶۲ دی	م SP ۷۳۷۱ ی	۵۳۰
۲	۷	۱	۴	۶۳ فروردین	الف HJ ۳۴۶۱ ف	۵۸۰	۳	۴	۰	۰	۶۲ آبان	ق BF ۸۶۴۷ ی	۵۳۱
۲	۷	۰	۸	۶۲ بهمن	ت HJ ۳۴۵۱ م	۵۸۱	۳	۳	۰	۰	۶۲ آبان	ح HI ۸۶۵۲ ی	۵۳۲
۲	۷	۰	۰	۶۲ اسفند	الف TJ ۸۹۶۷ ر	۵۸۲	۳	۲	۴	۰	۶۲ اسفند	ح LY ۳۳۶۸ د	۵۳۳
۲	۷	۰	۰	۶۳ خرداد	از (ی ۱۶۴۵ ج)	۵۸۳	۳	۲	۰	۰	۶۲ مرداد	م BF ۸۵۰۶ ت	۵۳۴
					تا (ی ۱۶۵۴ ج) LY		۳	۰	۰	۰	۶۲ آذر	ح NR ۸۷۹۲ الف	۵۳۵
۲	۷	۰	۰	۶۳ اردیبهشت	از (ی ۱۷۳۶ الف)	۵۸۴	۳	۰	۰	۰	۶۳ اردیبهشت	الف TC ۸۷۷۰ ی	۵۳۶
					تا (م ۱۷۵۷ ر) NK		۳	۰	۰	۰	۶۳ اردیبهشت	م BX ۸۷۷۹ هـ	۵۳۷
۲	۷	۰	۰	۶۳ اردیبهشت	از (ب ۱۷۵۸ م)	۵۸۵	۳	۰	۰	۰	۶۲ اسفند	م NW ۸۸۰۸ ن	۵۳۸
					تا (ی ۱۷۸۷ الف) SM		۳	۰	۰	۰	۶۲ اسفند	ع NQ ۸۸۰۹ ی	۵۳۹
۲	۷	۰	۰	۶۳ خرداد	ی EP ۳۰۲۹ ن	۵۸۶	۳	۰	۰	۰	۶۳ اردیبهشت	ف ZC ۸۸۱۷ ی	۵۴۰
۲	۷	۰	۰	۶۳ خرداد	ن LY ۳۲۲۱ ح	۵۸۷	۳	۰	۰	۰	۶۳ خرداد	ع NQ ۸۸۳۶ ی	۵۴۱
۲	۷	۰	۰	۶۳ خرداد	ق NK ۳۲۱۹ م	۵۸۸	۳	۰	۰	۰	۶۳ اردیبهشت	هـ EK ۸۸۵۳ ی	۵۴۲
۲	۷	۰	۰	۶۳ خرداد	ب SM ۳۲۲۶ هـ	۵۸۹	۳	۰	۰	۰	۶۲ آبان	م SK ۸۸۶۰ ح	۵۴۳
۲	۷	۰	۰	۶۲ اسفند	ی HJ ۳۴۵۶ ی	۵۹۰	۳	۰	۰	۰	۶۲ اسفند	الف BW ۸۸۷۲ ی	۵۴۴
۲	۶	۵	۵	۶۲ آبان	هـ HQ ۸۰۷۸ ع	۵۹۱	۳	۰	۰	۰	۶۳ فروردین	ح NG ۸۸۷۲ ی	۵۴۵
۲	۶	۰	۰	۶۲ تیر	ن ZC ۸۶۰۲ م	۵۹۲	۳	۰	۰	۰	۶۳ فروردین	م SK ۸۸۷۸ ح	۵۴۶
۲	۵	۹	۲	۶۲ دی	از (ی ۱۶۸۵ ج)	۵۹۳	۳	۰	۰	۰	۶۲ آبان	م ZC ۸۸۹۵ ی	۵۴۷
					تا (ی ۱۷۱۱ ج) NK		۳	۰	۰	۰	۶۳ خرداد	ع NQ ۸۹۰۴ ی	۵۴۸
۲	۵	۳	۸	۶۲ بهمن	از (ی ۱۶۵۵ ش)	۵۹۴	۳	۰	۰	۰	۶۲ تیر	م SK ۸۹۰۹ ی	۵۴۹
					تا (و ۱۶۶۵ ک) SM		۳	۰	۰	۰	۶۲ اسفند	م EJ ۸۹۴۹ ی	۵۵۰
۲	۵	۳	۸	۶۳ اردیبهشت	از (ن ۱۷۸۸ ج)	۵۹۵	۳	۰	۰	۰	۶۳ خرداد	ح ZV ۹۰۱۱ ی	۵۵۱
					تا (ر ۱۸۰۲ ر) EP		۳	۰	۰	۰	۶۳ خرداد	الف BF ۹۰۱۴ ن	۵۵۲
۲	۵	۰	۰	۶۳ اردیبهشت	ی BI ۸۸۲۳ ح	۵۹۶	۳	۰	۰	۰	۶۳ خرداد	هـ NR ۹۰۱۶ م	۵۵۳
۲	۵	۰	۰	۶۳ اردیبهشت	ی ED ۸۸۲۶ س	۵۹۷	۳	۰	۰	۰	۶۲ اسفند	س EK ۸۷۵۴ ی	۵۵۴
۲	۵	۰	۰	۶۳ خرداد	ر ZJ ۸۸۵۱ س	۵۹۸	۳	۰	۰	۰	۶۲ تیر	ر TG ۸۴۱۴ ی	۵۵۵
۲	۵	۰	۰	۶۲ تیر	ی ZC ۸۹۱۱ ح	۵۵۹	۳	۰	۰	۰	۶۲ آبان	ص OJ ۸۴۲۳ ی	۵۵۶
۲	۵	۰	۰	۶۳ فروردین	ی HI ۸۹۷۳ م	۶۰۰	۳	۰	۰	۰	۶۲ تیر	ن ZC ۸۴۵۲ ن	۵۵۷



بیان مالی سازمان مجاهدین خلق ایران همراه با لیست اسامی و میزان وامها و کمکهای مردمی در سومین سال مقاومت

جدول شماره ۳

بیان دریافت و بازپرداخت وامها (بابیره بدون بهره) و لیست بدهکارهای سازمان مجاهدین خلق ایران به هموطنان وام دهنده در داخل و خارج کشوری سومین سال مقاومت (مبلغ به تومان)

Table with 4 columns: تاریخ, کل وام دریافتی, پرداخت, مانده (بدهی سازمان)

توضیح ۱: در ستون بدهی ارقامی به چشم می خورد که تفاضل دریافت و پرداخت نبوده بلکه حاصل عملکرد بهره های افزوده ای وامها از یکطرف و بخشودگی قسمتی از وامها به مجاهدین توسط برخی از هموطنان وام دهندگان از طرف دیگری باشد.

مسئول بخش مالی - معاون مرکزیت معاون اجرائی مسئول بخش ۶۳/۶/۱

سؤل بخش مالی - معاون مرکزیت معاون اجرائی سؤل بخش ۶۳/۶/۱

لیست رمزی مشخصات بخشی از کمک کنندگان و وام دهندگان به مجاهدین . . .

Table with 4 columns: ردیف, کد, تاریخ, مبلغ بد تومان

سؤل بخش مالی - معاون مرکزیت معاون اجرائی سؤل بخش ۶۳/۶/۱

ترازنامه مالی (قسمت بودجه بندی شده) سازمان مجاهدین خلق ایران در سومین سال مقاومت (مبلغ به تومان)

جدول شماره ۴

Summary table with 4 columns: درآمدها, هزینه های تقریبی, بدهکاری سازمان, بدهکاری سالبانه

سؤل بخش مالی - معاون مرکزیت معاون اجرائی سؤل بخش ۶۳/۶/۱

پیام برادر مجاهد مسعود رجوی فرمانده عالی و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران بمناسبت آغاز بیستمین سال بنیانگذاری سازمان

بقیه از صفحه ۴

دمکراتیک - انقلابی پیروزی مہمی در صحنہ بین المللی است. کما اینکه می دانید نمونه های متعددی وجود دارد کہ گاہ تا سالیان دراز از شناسائی برخی دولتہا استتکاف شدہ است.

از سوی دیگر روشن است کہ شناسائی شورای ملی مقاومت بمثابة قطع امید و اعلام عدم مشروعیت رژیم های شاه و خمینی از جانب شخصیتہا و احزاب و پارلمانہا و دولتہای مجاہدین مسدود نمایند. تقلابہای دلیل در برابر پیروزیہای دیپلماتیک آلترناتیو انقلابی - دمکراتیک بقایای شاه و خمینی (بویژہ ضدانقلابیون مغلوب) بیش از ہمہ گزیدہ می شوند و بہ جولان می افتند و با صرف هزینه های بسیار تلاش می کنند بہ طریق و بہر وسیلہ راہ پیشرفتہای بعدی جانشین دمکراتیک - انقلابی را بویژہ با حملہ و هجوم وافترا و تهمت علیہ مجاہدین مسدود نمایند. تقلابہای بی ثمری کہ البتہ تاکنون مکررا شکست خوردہ است و در گوشہ و کنار جہان کمتر ناظر مطلعی آنہا را جدی می گیرد. تقلابہا و تشبہات مذبحانہی بقایای رژیم شاه و ایادی شناختہ شدہی ساواک جای تعجب ندارد.

تعجب از اپورتونیستہای راستگراست کہ پشت بہ مقاومت انقلابی و بریدہ از خلق و انقلاب - برغم برخی دعاوی مطنطن چپ نمایانہ - حسب المعمول سوراخ دعا را گم کردہ و بجای دیکتاتوری ارتجاعی (و بقول خودشان رژیم سرمایہ داری وابستہ) خمینی، آشکارا کمر بہ تلاشی کردن شورای ملی مقاومت بستہ اند. جماعت مورد بحث برای حفظ تہمی ذوب ناشدہی ہواداران نہ فقط بارہا اعلام گردہ اند کہ خمینی و مجاہدین را بالمآل سر و تہ یک گریاس می شناسند بلکہ دیپلماسی انقلابی شورای ملی مقاومت و پیشرفتہای بین المللی تنہا جانشین انقلابی - دمکراتیک را نیز نشان ساخت و پاختہای امپریالیستی قلمداد می کنند. اپورتونیستہای راستگرا البتہ کماکان دچار فراموشی عمدی بودہ و اتہامات پیشین خود مبنی بر سازش مجاہدین با رژیم خمینی را در دوران مبارزات افشاگرانہی سیاسی با این رژیم، از یاد بردہ اند. کما اینکه ہرگز بخاطر نمی آورند کہ در برابر جناحین رژیم خمینی و داستان "لیبرال" ارتجاع "قبل از ۳۰ خرداد سال ۶۰، چہ سیاستہای اپورتونیستی را پیش می بردند کہ ہنوز نیز جای انتقاد از خود آن، خالی است.

اپورتونیستہای راستگرا در مبارزات فوق العادہ خطیر سیاسی دو سالہی اخیر مجاہدین در خارج کشور علیہ "میانبازی" (بین انقلاب و ضدانقلاب) نیز در موارد متعدد با فرصت طلبی تمام و "انحراف بہ راست" آشکار، درہر کجا کہ توانستند در ضدیت با مجاہدین از ہیچ چیزی فروگذار نکردند. جحدی کہ عملا با راستترین محافل ارتجاعی و امپریالیستی و بقایای شاه و خمینی در شعار "تلاشی کردن" شورای ملی مقاومت (بمثابہ تنہا آلترناتیو دمکراتیک - انقلابی) ہمدم و ہمدل و ہمسو و ہم جہت شدند. شاری کہ البتہ دقیقا یک شعار مشکوک ضدانقلابی است.

طی این مدت تفاوت ضروری اپورتونیستہای راستگرا با محافل و جریانات ارتجاعی بر سر مہرم ترین مسائل انقلاب (یعنی مسئلہ آلترناتیو و جانشینی رژیم خمینی کہ طبعاً در ارتباط مستقیم با مشی محوری مبارزہ است) در این بود کہ آنہا دعاوی عمیقاً دست راستی ضدشورائی و ضدمجاہدی خود را در زوروق آلترناتیو باصلاح پرولتری ارائه گردہ اند. کہ البتہ ہنوز یک آلترناتیو سرتی است و کسی از نام و نشان و جا و مکان گردانندگان آن اطلاع ندارد!! حال آنکہ ہر محصلی

کہ دورہی القبای سیاسی را نیز از سر گذرانندہ باشد بوضوح می داند کہ ولو بزعم اینان خط مشی مجاہدین یعنی مبارزہی انقلابی مسلحانہی مجاہدین نیز شکست خوردہ و شورای ملی مقاومت ہم بالفعل نابود شدہ باشد؛ بطریق اولی جائی برای آلترناتیو باصلاح پرولتری ایشان (لااقل در مقطع کنونی) وجود ندارد. زیرا بدیہی است وقتی کہ فرضاً از شورای ملی مقاومت با تمامی پایگاہ اجتماعی و ساخت تشکیلاتی و توان نظامی و اعتبار بین المللی اش کاری ساختہ نباشد؛ مسلماً سخن گفتن از آلترناتیو پرولتری مضحکہای بیش نیست. اگر مرحلہی انقلاب ایران، مرحلہی پرولتاریائی و سوسیالیستی می بود، بقرض محال ہم کہ جماعت مورد بحث ربطی بہ کارگران و پرولتاریای ایران می داشت؛ و بقرض کہ ہمہی تحلیلہای اپورتونیستی جماعت مزبور نیز با واقعیت اجتماعی تطبیق می نمود؛ پس این جماعت می بایست فرسنگہا جلوتر از این می بود کہ هست. لکن واقعیت این است کہ در پس لافہی پرولتاریائی، حتی در خوشبینانہترین صورت ممکن چیزی جز حرص و حسد خردہ بورژوائی و عقدہہای مربوطہ نسبت بہ مجاہدین و نسبت بہ آلترناتیو دمکراتیک - انقلابی موج نمی زند. اما ہیبت کہ گفاری مہاسی اپورتونیستی پیشین را نمی توان با مشت و لگد ہر چہ بیشتر بہ مجاہدین پرداخت نمود!

در این سطور البتہ هدف این نیست کہ بہ تحلیل ہمہ جانبہی گفتار و کردارہای این چنینی بپردازیم. فقط می خواہم بفرمایم کہ "مجاہد خلق" بہ مواضع ایشان در قبال پیروزیہای دیپلماتیک آلترناتیو انقلابی - دمکراتیک اشارہای کنم و بگذرم. چرا کہ بنظر می رسد عوام فریبی و دجالیت خمینی بر زمینہای از کمبود آگاهی و دانش و بینش انقلابی و اجتماعی بہ خیلیہای دیگر نیز سرایت کردہ است. علیہذا اجازہ می خواہم بہ مراجع انقلابی و پرولتاریائی کہ احتمالاً ہنوز باید مورد قبول صوری و نظری جماعت مورد بحث باشند، استناد کنم:

اگر آقایان از یاد نبردہ باشند این چنین بود کہ نوشت پرولتاریا حین نبرد طبقاتی اش بایستی "تمام نہادہا... را" بہ منظور تدارک پیروزی اش بکار بگیرد. او افزود کہ البتہ "این کاربرد آسان نیست و اغلب بہ چشم اکونومیستہا و تولستوی مآبہا و دیگران بصورت سازشکاری ناصواب... و نیز "بصورت فرصت طلبی" جلوه می کند.

باز ہم او بود کہ نوشت "امتناع از کاربرد نہادہای دمکراتیک جامعہی سرمایہ داری... امری نادرست و همانا تسلیم بی قید و شرط در برابر فرصت طلبی است..."

۴ سال پس از تحریر مطلب فوق باز ہم لنین (در سال ۱۹۲۰) بہ ہنگام افشاء "بیماری کودکی... نوشت کہ بایستی "از ہر تضاد منافع... در "کشورہای مختلف" و نیز "از ہر امکان ہر اندازہ ہم کوچک باشد... استفاده شود. او ہمچنین تصریح نمود کہ "این مطلب ہم برای دوران پیش از تصرف قدرت سیاسی بدست پرولتاریا صادق است و ہم برای دوران پس از تصرف این قدرت."

نمونہی دیگر مربوط بہ مارکس است: مارکس در ۲۹/نوامبر/۱۸۶۴ کی نسامہی تئوریک بہ آبراہام لینکلن رئیس جمہور آمریکا از سوی شورای مرکزی انجمن بین المللی کارگران بہ او نوشت کہ آنہا (کارگران اروپائی) "... این امر را کہ سرنوشت، آبراہام لینکلن فرزند وفادار طبقہی کارگر را در این نبرد بی نظیر در راہ نجات این نسل در زنجیر و بازسازی یک دنیای اجتماعی نو برگزیدہ است سمبل زمانہای آیندہ می داند."

حقیقت این است کہ مارکس حقا الغاء بردگی و جنگ ضدبردہ داری در آمریکا را در آن زمان بہ سود تمام بشریت و ہمچنین بہ سود کارگران اروپائی می دانست...

حال باید از مدعیان آلترناتیو باصلاح پرولتری در ایران امروز پرسید کہ کدام را باور کنیم؟ افاضات شما را یا نظریات مراجع اصیل پرولتاریائی را؟ بگذریم کہ اگر دور بہ دست جماعت مورد بحث بیفتد از ہیچ چیز و از ہیچ فرصتی و از ہیچ منفعت سیاسی پراگماتیک در غیراصولی ترین اشکال آن نیز دریغ نخواہند ورزید (ہمانطور کہ امروز علیہ مجاہدین و شورای ملی مقاومت بہ ہر رطب و یابس و خس و خاشاکی متشبہت می شوند) و آنگاہ تماشاچی است کہ ہزار و یک نقل قول و نمونہی عملی از راہبران انقلابی جہان نیز بیرون کشیدہ و جلوی ما پهن خواہند نمود!

اما تا آنجا کہ بہ مجاہدین خلق ایران - بعنوان یک تشکل یکناپرست انقلابی - مربوط می شود؛ ما با وفاداری کامل بہ اصول دمکراتیک و انقلابی خود و بدون سرسوزنی مغلطہ و توجیہ کاری، خطوط استقلال طلبانہ و مردمی مان را کہ با اصول متقن عقیدتی و اخلاقی عجین است در شرایطی بہ پیش می بریم و باز ہم بغایت تلاش خواہیم نمود تا تمامی جہان و عموم دولتہا و احزاب و پارلمانہا، تمامی حقوق خلق قہرمان ایران را برای مقاومت در قبال دشمن ضدبشری رژیم نامشروع او و برای جانشین سازی یک آلترناتیو مستقل و دمکراتیک برسیمت بشناسند و از ہر گونه حمایت و تقویت دشمنان آزادی و استقلال میہن ما دست بشویند. ما در عین حال همچون گذشتہ سرسوزنی نیز از احقاق حقوق حقیقی ملتمان و اصول مبارزہی رہانابخش ضداستبدادی و ضداستعماری در مقطع تاریخی کنونی دست نخواہیم کشید.

از سوی دیگر این حقیقت پایہای را نیز نباید فراموش نمود کہ آن نیرو یا آلترناتیوی کہ مبنای پیشرفتہای خود را بر مبارزہی انقلابی مسلحانہ استوار نمودہ و از استراتژی قیام مسلحانہی مردمی پیروی می کند و آن نیرو و آلترناتیوی کہ در مسیر احراز حاکمیت مردمی ناگزیر از میان تودہہای مردم ایران عبور نمودہ و خونہای سنگین آنرا نیز ہر شب و ہر روز پرداختہ و باز ہم می پردازد؛ نہ فقط بطور مہموی در معرض زدوبندہا و ساخت و پاختہای امپریالیستی نیست و نمی تواند باشد بلکہ بہ دلایل متعدد سیاسی، استراتژیکی، اجتماعی و طبقاتی؛ اصیل ترین راہ ملی و حقیقتاً دمکراتیک سرنوشتی دشمن ضدبشری را برگزیدہ است. اگر چہ جای شرح و بسط این حقیقت در اینجا نیست، اما تاکید می کنم کہ دیپلماسی انقلابی ما خود ملازم با استحکام در اصول استراتژیکی و ملازم با پیش بردن و بہ نتیجہ رساندن همان خط مشی مردمی و انقلابی است. والا با یک چنین پایہی اجتماعی و ساخت تشکیلاتی و با تکیہ بہ استراتژی قیام مسلحانہی مردمی، چنانچہ دیپلماسی خود را تعطیل نمودہ و دعاوی باصلاح آلترناتیو باصلاح پرولتری را در متدہا و فرمہای دیپلماتیک جدی بگیریم؛ معلوم می شود کہ در محتوای استراتژیکی خود تزلزل و تردید داریم و از استحکام و جدیت لازم برخوردار نیستیم لذا دیر یا زود بایستی مشی مسلحانہی انقلابی را نیز همانند جماعت مورد بحث ببوسیم و بہ کناری بگذاریم. و این ہم یعنی اپورتونیسم و انحراف آشکار بہ "راست" و ہمسو شدن عملی و عینی با راست ارتجاعی.

از ذکر این نکتہی بسیار مہم نیز کہ البتہ فہم نظری و عملی آن برای این قبیل جریانات و جماعات بسا زود است نباید فروگذار نمود کہ شکل و محتوای

بقیه در صفحه ۱۵۴

مجازات محمد فحله نژاد

یکی از عوامل سرکوب و اختناق

در اهواز

عملیات مجاهد شهید حسن بقال شوشتری

بنام خدا

و

بنام خلق قهرمان ایران

و با یاد شهدای قهرمان پنجم مه‌ماه سال ۶۰
مردم دلیر و مجاهد پرور ایران؛

در ساعت ۲ بعد از ظهر روز چهارشنبه هفتم شهریور ماه جاری، رزمندگان مجاهد خلق بر اساس شناسائی‌های قبلی و طبق یک طرح عملیاتی، یکی از جاسوسان مهم و عناصر سرکوبگر و اختناق‌آفرین رژیم ضدبشری خمینی بنام محمد فحله نژاد را که بشدت مورد تنفر و انزجار مردم بود، در خیابان زند اهواز مورد تهاجم انقلابی قرار داده و در دم بهلاکت رساندند.

محمد فحله نژاد در منطقه چهار راه زند اهواز در شبکه جاسوسی محل و ایجاد جواختناق نقش فعالی را بعهده داشت که بدلیل همین اعمال ضد خلقی‌اش، پیش از این نیز یکبار دیگر در سال ۶۰، توسط رزمندگان مجاهد خلق مورد تهاجم انقلابی قرار گرفته و موقتاً جان سالم بدر برده بود.

جرایم این مزدور عبارتند از:
۱- چماق‌داری و تهاجم به مراکز مجاهدین خلق در فاصله‌ی سال‌های ۵۸ - ۶۰ بویژه حمله به دفتر مرکزی انجمن دانشجویان مسلمان اهواز.

۲- شرکت فعال در لو دادن رزمندگان و میلیشای مجاهد خلق که منجر به اعدام تعدادی از آنان شده است.

۳- عضو فعال "بسج" ضد خلقی و شرکت فعال در اقدامات ضد مردمی و جنگ‌افروزی آن، یعنی دستگیری عده‌ای از جوانان و اعزام اجباری آنان به جبهه‌ها.

رزمندگان مجاهد خلق پس از انجام این عملیات انقلابی، سالم به پایگاه‌های خویش بازگشتند.

هرچه گسترده‌تر یاد مقاومت مسلحانه‌ی سراسری برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع و تدارک قیام راهائی‌بخش عمومی

ستاد عملیات مجاهدین خلق - استان‌های جنوب و غرب کشور

۷/ شهریور ۶۳

شانزدهمین سال خاموشی

صمد بهرنگی

آموزگار و دوست بزرگ و یار غم‌های کودکان و زحمتکشان روستا، "صمد بهرنگی" در تیرماه ۱۳۱۸ در محله "چرنداب" تبریز بدینا آمد. از سال ۱۳۳۶ پس از اتمام دوره‌ی دانشسرا، راهی روستاهای آذربایجان شد و بمدت ۱۱ سال در ممقان، آخیر-جان، آذرشهر، قدجهان و گوغان به کودکان روستا درس داد. قصه گفت و قصه نوشت و درد‌ها و رنج‌ها و محرومیت‌های روستائیان را که ناشی از حاکمیت ضد خلقی رژیم سلطنتی شاه خائن بود، در لابلای قصه‌ها و مقاله‌ها و "بایاتی"‌ها برای آنان ترسیم نمود. از زبان "ولدوز" و "گوراوغلو" و "پسرک لبوفروش" و... به کودکان درس پر خاش و اعتراض بر علیه فقر و ستم، آموخت. و از زبان "ماهی سیاه کوچولو"، آنها را به مبارزه برای رسیدن به دریای بزرگ رهائی، دعوت نمود. سرانجام خود نیز در این راه، با توطئه‌ی رژیم جنایتکار شاه، در آب‌های "ارس" به شهادت رسید.

یادش گرامی باد.

گرامی باد خاطره تابناک شهید مقدس، مجاهد قهرمان مجید نیکو

فاطمه ترابی - نعمت رضایی - حسن سنگار شگن - جعفر شافعی - محمد طور سوادکوهی - حسین لطیفی - حیدر محمدپور خاکی - حسین محمدی - عیسی مشرف‌زاده - مهین منفرد - عسگر مهدی‌پور - محمد یدالله‌نیا (مازندران)، داوود حسن‌پور (اصیل) - ناصر حقیقیان رودسری - علیرضا صالح - علیرضا گسائی - فریدون محمدنژاد لطفجانی - احمد محمدی (رشت)، محمدرضا قنبریان (دوگنبدان) - حسن گلبنائی (خوی)، رضا نعمتی (قزوین)

* ۱۷ شهریور (۱۳۶۱): شهادت مجاهد خلق اکبر بابایی در تهران

* ۱۸ شهریور (۱۳۴۸): درگذشت جلال آل‌احمد نویسنده‌ی مبارز و متعهد

* ۱۸ شهریور (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق حجت بزرگزاده سندی (فومن)، محمد حسین جعفری - جعفر رحیمی - قاسم صیدانلو - ایوب قادری - حسین مقبلی گهن‌زاد (مازندران)، مراد علی‌پناهی (اصفهان)، بهزاد عبدلی - رضا شیروانی - احمد صادق‌خواه - سعید علیزاده

ناظمی (تهران)، مجید حریرچی (نیشابور)

* ۱۸ شهریور (۱۳۶۱): شهادت مجاهد خلق رحیم نوبهاری (اهواز)

* ۱۹ شهریور (۱۳۵۸): رحلت پدر طالقانی

* ۱۹ شهریور (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق مصطفی استیلی - حسن تنورپالان - حمید حیرانی - اسماعیل زارعی - فرهاد (هادی) صدیق - سار گفائی - حسن گندو - مهدی یزدانیان - علیرضا یعقوبی (نیشابور)، حمید اشرقی - حمید پوراسماعیل جوینی - سید محمود حسینی

دهبندای - یدالله حیات‌بخش (گیلان)، نعمت بلوری - سیدکاوه مقدسی - جواد علی‌مرادی (مازندران)، محمد جعفر خادم دزفولی (قم)، جهان‌بخش فلاحی (بروجرد)

* ۱۹ شهریور (۱۳۶۱): شهادت مجاهد خلق پوران محمدی (محمدی‌فرانز) در همدان

* ۲۰ شهریور (۱۳۵۲): شهادت مجاهد خلق جعفر ضیاءالحق بدست دژخیمان ساواک

* ۲۰ شهریور (۱۳۶۰): شهادت مجاهد قهرمان شهید مقدس مجید نیکو در جریان عملیات انتحاری مجازات انقلابی مدنی جنایتکار امام جمعه و نماینده‌ی خمینی در تبریز

* ۲۰ شهریور (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق رضا بناهنی (بناحسینی) - اکبر پوردرویش (اهواز)، صفر پهلوان - نادر جباری - داریوش صبحی (مشهد)، حسین تقی‌پور - قاسم شگری (قائم‌شهر)، حمید جهانیان - عباس صادق‌پور - محمد صلاحی (اصفهان)، حلق‌آویز ابراهیم یوسف بیگلر (حامد) و حمید شیخ‌مظفری (کرمان)

* ۲۰ شهریور (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق محمود اخوت، علیرضا صداقت‌پور و بهروز نقدیانی در مرودشت

* ۲۱ شهریور (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق: گیتی اسماعیلی - علی جانوش - احمد صادقی‌خواه - محمد یوسف مخدومی (تهران)، حسین ابراهیمی دوآب‌سری - مریم شادمان (رشت)، منصور توگلی - محمدرضا نعمتی (اصفهان)، مهدی یزدان‌حسین‌پور (نیشابور)، عباس صادق‌زاده اردبیلی (اردبیل)، مهدی طحانی (کرمان)، مهدی صدی (اسری)

* ۲۱ شهریور (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق: محمدرضا بزرگی و احمد بندی در اصفهان و ارومیه



تقویم هفته:

از ۱۵ تا ۲۱ شهریور ماه ۶۳

* ۱۵ شهریور (۱۳۴۴): بنیانگذاری سازمان مجاهدین خلق ایران

* ۱۵ شهریور (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق محمدعلی امامیان - سید محمد برقی - علی بنان - حسین تهرانی‌کیا - جلال داوودی - حسن شجاع‌الدینی - کامران قنبری (تهران)، بهروز بی‌غم - منصور ربیعی - شهناز سعیدی (بروجرد)، عبدالرضا پوربختگان (فسا)، اصغر جوربانیان - سیدآقا جان حسینی - شکرالله محمدشریفی (مازندران)، گاوس حسینیان (یاسوج)، ابراهیم هیبت‌الله‌پور (مسجد سلیمان)، تمینه شاگری (رشت)

* ۱۵ شهریور (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق فریبرز رحیمی (مشهد)، سید محمود نمائی (بجنورد)

* ۱۶ شهریور (۱۳۴۷): شهادت آموزگار و نویسنده‌ی متعهد و انقلابی صمد بهرنگی

* ۱۶ شهریور (۱۳۵۱): شهادت مجاهد خلق مهدی رضائی گل سرخ انقلاب ایران

* ۱۶ شهریور (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق علی آشتیانی - عباس احمدپور - منصوره افخمی - مسعود بلهری - مجید جعفری - حبیب حاجی خداوردی خانی - راضیه حسینی - حسن دولت‌آبادی - محمود سمنا - محمد شعبان‌پور - محمد علی شگروی - امیر غفوری - سیمین لویی - نوید امیر محمدعلی‌زاده - مهرداد ملا حسینی - جواد ملا محمدی - سهراب نیک‌محمدی - رضا واعظی (تهران)، بهرام هادیان - سعید آقباری (مشهد)، عمیده خاک‌پاک - رمضان ذبیحی - جعفر شفیعی - مریم فرحی - بیژن منفرد (مازندران)، نادر رایبی (زنجان)، احمد سرافرازی - علی‌اکبر هاشمیان - مجتبی نجاتی فریدی (کرج)، علی‌اصغر صادقی (تربت حیدریه)، مسعود گیان (بهبهان)

* ۱۶ شهریور (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق جعفر محمدیان - رضا گیتانی (خراسان)

* ۱۷ شهریور (۲ سپتامبر ۱۹۷۶): درگذشت مائو تسه‌تنگ رهبر فقید خلق و انقلاب چین

* ۱۷ شهریور (۱۳۵۷): گشتار وحشیانه‌ی مردم و سرکوب خونین تظاهرات اعتراضی مردم تهران به دستور شاه خائن

* ۱۷ شهریور (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین خلق حسین اخوت‌عراقی - مزگان اصفهانیان - هاشم بیانی - سهراب بیگ‌محمدی - محسن حسینی - حمیدرضا حسینی - مجید فتاحی - علی‌اصغر والایی (تهران)، سیدعلی امامی - جواد برزین - محمد رحیمی - کریم طاهری - سیدحسین کیا - مجید میری - پروین نوروزی اقدم (زنجان)،

اخباری از فعالیت‌های انقلابی هسته‌های مقاومت

هسته‌های مقاومت مجاهد خلق در مردادماه گذشته، در شهرهای تهران، رشت، تبریز، شیراز، اصفهان، خوی، جیرفت، بهشهر، قم، بروجرد، بابل، اراک و... موفق به انجام بیش از ۱۸۰ فقره عملیات از جمله به آتش کشیدن خودروهای مزدوران و نهادهای سرکوبگر، انفجار بمب‌های صوتی، پخش اعلامیه و تراکت، شاعرنویسی و... گردیدند.

رژیم را بوسیله ناپالم به آتش می‌کشند. در جریان این عملیات که در جاده‌ی شهر ری و تقاطع خیابان دیلمان و ساعت ۱۱/۳۰ شب انجام شد، سه خودروی مزبور خسارات زیادی وارد می‌آید.

تهران: هسته‌های مقاومت مجاهدین شهید "محمد صیفي زاده" "فریبا عرفانی" "فرزانه لطیف" "ابراهیم حسینی" "عباس عمانی" "مجتبی رستمی" "زهرا رحمانی" "محمد خداینده‌لو" "وحید خاکی جوان" "مرضیه اسماعیلی" "حبیب خبیری" "مهران اسفندیاری" "محبوبه مرتضائی" "رویا قربان‌زاده" "مهین بافکار" "محسن فرشید" "افسانه شمس‌فرد" "کمال شکوری" "حسین زندی‌شاد" "زهرا شاهرادی" "سیما مطلبی" "گیتی نظیری" "حیدرعلی نیاکان" "بهرام ملک‌قاسمی" "سعید خضالی"

تبریز: "حسن وحدت" "مجید جعفری" "حمید موباب‌پور" "موسی رنجوری" "لعیا عنصریان" "حسن برکتین" رشت: "مجتبی قربانی" "غلام آزاده" "پرویز واحدی" "یاسر دادرسی" اراک: "کاظم توکلی" "اعظم شادبختی"

شیراز: "سعید افضل" "سیروس طاهر حقیقی" "فرخ‌امامی" مشهد: "پوران رحیمی" "زهرا محمدزاده" اصفهان: "محمد فقیهی" "محمد رضا سرائیان" "منصوره محبان" بابل: "عادل حقانی" "زهرا حدادی" "حسن دهقان‌نژاد" "..."

خوی: "حسن وحدت" جیرفت: "حامد" بهشهر: "حسین قللی‌زاده" قم: "ابوالفضل تسلیمی" * * *

هفته‌ی آخر مرداد ماه می‌باشد، ضمن اینکه بسیاری از هسته‌های مقاومت، خود به تنهایی چندین عمل در فواصل مختلف مردادماه انجام داده‌اند که در این گزارش، پس از درج چند خبر عملیاتی، تنها به ذکر هویت این قبیل هسته‌ها که دهها عملیات ایدائی بزرگ و کوچک انجام داده‌اند اکتفا خواهد شد:

* در رشت یک واحد از رزمندگان هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "یاسر دادرسی"، در ۲۶ مردادماه گذشته، یک بمب صوتی را در محلی نزدیک به کمیته‌ی ضدخلقی مرکز و مقابل خانه‌ی یکی از عناصر مزدور و شناخته‌شده‌ی شهر بنام رحیمی منفجر می‌کنند. صدای انفجار بمب باعث وحشت شدید مزدوران می‌گردد

* در بابل، یک واحد دو نفره از هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "فرهاد محسن‌پور"، در ۳۱ مردادماه گذشته، یک خودروی دشمن را که متعلق به مسئول جنایتکار دایره‌ی باصطلاح عقیدتی - سیاسی شهرداری بود به آتش می‌کشند. این عمل موفقیت‌آمیز در ساعت ۱۰/۳۰ شب و در چهار راه آرامگاه بابل که یکی از مناطق حساس شهر است، انجام گرفته است.

* در بروجرد یک واحد از رزمندگان هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "سلمان دارابی" در ۲ شهریور ماه جاری، اتومبیل یکی از مزدوران جنایتکار خمینی، بنام جزایری را به آتش می‌کشند و اتومبیل بطور کامل در آتش سوخته و منهدم می‌گردد.

* در شهر ری یک واحد از رزمندگان هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید (۰۰۰) در ۲۶ مردادماه گذشته، یک جیب متعلق به ارگان‌های سرکوب

فعالیت‌های انقلابی "هسته - مقاومت" همچنان روبه گسترش می‌باشد. این فعالیت‌ها که از سوی ستاد بخش اجتماعی سازمان مجاهدین، در دستور کار مستمر هسته‌های مقاومت قرار گرفته، از یکسو باعث ارتقاء روابط و مناسبات درونی هسته‌ها گشته و از سوی دیگر با توجه به خصلت ضداختناق خود، باعث ترس و وحشت و اتلاف انرژی مزدوران و جاسوسان رژیم شده و نیز در همین رابطه وسیعاً مورد استقبال هموطنانمان واقع گردیده است. موارد این عملیات در مرداد ماه گذشته بالغ بر ۱۸۰ فقره می‌باشد که از جمله شامل به آتش کشیدن خودروهای ایادی و مزدوران دشمن، انفجار بمب‌های صوتی در مجاورت ارگان‌های ضدانقلابی رژیم، و نیز عملیات ایدائی با استفاده از تاکتیک ریختن چسب فطره‌ای بر قفل خانه‌ها، مفازها و اتومبیل‌های ایادی و جاسوسان خمینی، شعار نویسی بر روی آنها و همچنین پرتاب تخم‌مرغ رنگی بر روی تصاویر بزرگ سردمداران جنایتکار رژیم و پخش تراکت و اعلامیه و شعار نویسی در سطح وسیع بوده است. لازم به یادآوری است که اخبار برخی از این عملیات تا نیمه‌ی اول مرداد که بدستمان رسیده بود، در "مجاهد" شماره‌های ۲۱۷ و ۲۱۸ به چاپ رسید. اخباری که ذیلاً ملاحظه می‌کنید عمدتاً مربوط به عملیات دو

پیشمرگه‌های مجاهد خلق در جاده‌ی منطقه‌ی "خانیک" واقع در منطقه‌ی مزبور، اقدام به مین‌گذاری می‌کنند. در ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه‌ی روز بعد، یک "تراکتور" تدارکاتی دیگر دشمن در اثر برخورد با مین گاشته‌شده بگلی منهدم شده که در نتیجه ۲ تن از مزدوران به‌هلاکت رسیده و ۳ نفر دیگر زخمی می‌گردند. ستاد عملیات پیشمرگه‌های مجاهد خلق - کردستان ۶۳/۶/۱۲

عملیات خمپاره‌باران پایگاه "خورنقان" در منطقه‌ی پاره توسط واحد آتشبار پیشمرگه‌های مجاهد خلق

بنا به گزارش فرماندهی پیشمرگه‌های مجاهد خلق در منطقه‌ی پاره (۱۰ و ۳۰ دقیقه‌ی ۱۰ و ۳۰ روز هشتم شهریور، واحد آتشبار توپخانه‌ی پیشمرگان مجاهد خلق، مواضع دشمن ضدخلقی در پایگاه "خورنقان" واقع در منطقه‌ی پاره را زیر آتش خمپاره‌گرفته و خسارات و تلفاتی بدشمن وارد ساختند که میزان دقیق آن اطلاع در دست نیست.

ستاد عملیات پیشمرگه‌های مجاهد خلق - کردستان ۶۳/۶/۱۰

اطلاعیه‌های ستاد عملیات پیشمرگه‌های مجاهد خلق - کردستان

تهاجم پیشمرگه‌های مجاهد خلق به پایگاه "نستان" در منطقه‌ی سردشت و به‌هلاکت رساندن بیش از ۴۰۰ سادار و مزدور ضدخلقی و به آتش کشیدن منبع سوخت پایگاه و انهدام یک خودروی دشمن

نمودند که در نتیجه یک پیشمرگه‌ی مجاهد خلق بر اثر ترکش خمپاره، زخم سطحی برداشت. در این تهاجم، بر اثر اصابت موشک‌های "آر. پی. جی" به درون سنگرهای پایگاه دشمن، حداقل ۴ تن از پاسداران جنایتکار خمینی کشته و تعدادی نیز زخمی شدند. همچنین منبع سوخت پایگاه با انفجار موشک‌های "آر. پی. جی" به آتش کشیده شد و یک خودروی تراکتور دشمن نیز منهدم گردید.

رزمندگان مجاهد خلق پس از پایان پیروزمندانه‌ی این عملیات، سالم به پایگاه‌های خویش بازگشتند. ستاد عملیات پیشمرگه‌های مجاهد خلق - کردستان ۶۳/شهریور/۳

بنا بر گزارش فرماندهی پیشمرگه‌های مجاهد خلق در منطقه‌ی سردشت، رزمندگان مجاهد خلق در اولین ساعات با مداد روز پنجشنبه اول شهریور ماه سال جاری، بر اساس شناسائی‌های قبلی و پس از استقرار در مواضع از پیش تعیین‌شده، با شلیک موشک‌های "آر. پی. جی" و آتش سنگین تیربار، پایگاه "نستان" واقع در منطقه‌ی سردشت را زیر آتش خود گرفتند.

دشمن علیرغم اینکه در حالت آماده‌باش بود، قادر به انجام واکنش موثری نگردید و تنها پس از پایان این عملیات مزدوران مستقر در پایگاه، وحشت‌زده اقدام به خمپاره‌باران نواحی اطراف منطقه‌ی عملیات و مواضع پیشمرگه‌های مجاهد خلق

عملیات مین‌گذاری پیشمرگه‌های مجاهد خلق در منطقه‌ی برا دوست واقع در شمال کردستان و ازبای در آمدن ۹ تن از مزدوران ضدخلقی خمینی و انهدام ۲ دستگاه خودروی تراکتور دشمن

پیشمرگه‌های مجاهد خلق در منطقه‌ی شمال کردستان، رزمندگان مجاهد خلق طی دوره‌ی عملیات مین‌گذاری، ضربات دیگری بر پیگر ماشین سرکوب خمینی جنگ‌افروز وارد ساختند. مشروح این عملیات به قرار زیر است:

۱ - در تاریخ ۹ شهریور ماه جاری، پیشمرگان مجاهد خلق بطور گسترده‌ای در جاده‌ی پایگاه‌های "بردغل" به "ربط" واقع در منطقه‌ی برادوست اقدام به مین‌گذاری می‌کنند. در ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه‌ی روز بعد یک تراکتور تدارکاتی دشمن، در اثر برخورد با مین ضد خودرو بگلی منهدم شده و ۲ تن از سرنشینان مزدور خودرو به‌هلاکت رسیده و ۲ مزدور دیگر شدت زخمی می‌گردند.

۲ - در تاریخ دهم شهریور ماه جاری نیز یک واحد دیگر از

افشاء بسیج ضدخلقی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی خمینی با بکار گرفتن همه‌اشکال مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.

پیام برادر مجاهد مسعود رجوی فرمانده عالی و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران بمناسبت آغاز بیستمین سال بنیانگذاری سازمان

بقیه از صفحه ۱۵۱

دیپلماتیک و استراتژیک مجاهدین (در چارچوب شورای ملی مقاومت) در ارتباط و در همبستگی متقابل با کم و کیف سیاسی و نظامی و اجتماعی و تشکیلاتی آنان است. به عبارت دیگر جریانات کوچکتر (بدون اینکه قصد جسارت به آنها و کوچک شمردنشان را داشته باشم) هیچ الزام و نیازی به اسلوبها و اشکال و ملاحظات سیاسی و دیپلماتیک شورای ملی مقاومت ندارند و نباید داشته باشند. زیرا حد و حدود مسئولیتها و تعهدات ایشان بکلی با ما متفاوت است. گما اینکه خوبنهایی نیز که برای اثبات دعاوی و پیشبرد خطوط خود پرداختهاند کیفی با ما تفاوت دارد: به عبارت دیگر و البته فقط در عالم مثال (باز هم بدون اینکه کمترین قصد جسارت داشته باشم) یک نوجوان غیربالغ (چه رسد به قول لنین به یک کودک بیمار) هرگز نمی‌تواند و نباید از گذر مناسبات و روابط یک فرد بالغ و پخته و جا افتاده تقلید کند. زیرا یک چنین شبیه‌سازی نابجا طبعاً ریسکها و خطرات مهمی را در پیش‌رو خواهد داشت. علیهذا اگر مجاهدین (آنهم در چارچوب شورای ملی مقاومت بنماید یک آلترناتیو سیاسی جدی و واقعی و نیز در چارچوب یک دولت موقت) به دریای خون و پایگاه وسیع اجتماعی (با تعهدات عینی و الزام‌آور آن که بکلی با تعهدات ذهنی گروههای صرفاً روشنفکری متفاوت است) تکیه نداشته و به یک ساخت آبدیده و استوار تشکیلاتی (با همهی نظرات‌های مستمر و دستجمعی‌اش بر حفظ اصول عقیدتی و انقلابی و نیز بر رفتار و کردار فرد فرد اعضا و بویژه مسئولان بالاتر و عالی‌الخصوص بر دقایق زندگی و کردار و رفتار مسئول اول سازمان) پشتگرم نبودند هرگز در معادلات گوناگون و پیچیده بین‌المللی وارد نمی‌شدند. معادلاتی که به هیچوجه یک فرد تنها یا یک گروه کوچک نمی‌تواند آنها را به بازی بگیرد زیرا بنحوی از آنها در ال‌بلائی پیچ‌وخمها و تضادهای مختلف آن تحلیل خواهد رفت. از قدیم هم گفته‌اند که هر کس بایستی لقمه را به اندازه‌ی دهان بردارد و پا را از گلیم توان خود درازتر نکند و الا در ورای صلاحیت داخلی و بین‌المللی خود و در ورای اعتبار واقعی و عملی‌اش، در برخورد با تضادهائی که قدرت مواجهه با آنها و حل‌کردنشان را ندارد، در عرصه‌ی بین‌المللی نیز مقهور جاذبه‌های انحرافی می‌شود و در این مسیر به درجات مختلف در مدار جاذبه‌ی قوای بزرگتر از خودش تحلیل می‌رود. اینجاست که ما باز هم از تمام نیروهای اصیل و مبارز مردم ایران که مشتاقانه چشم به آزادی و استقلال میهن دوخته‌اند صمیمانه دعوت می‌کنیم تا با هر عقیده و مرامی که دارند به اتحاد عمل مبارزاتی با یکدیگر برخیزیم. باشد که مردم و میهن اسیرمان هر چه زودتر شاهد پیروزی و آزادی را در کنار خود بیابند.

مجاهدین خلق ایران؛
خواهران و برادران

نیازی به تذکر نیست که شما در چارچوب سازمان مجاهدین خلق ایران برای نخستین بار در تاریخ میهنمان به تشکل و حزب قوام‌یافته‌ی انقلابی نقش داده‌اید که تاکنون در تاریخ احزاب سیاسی کشور ما نظیر نداشته است. زیرا:

اولاً - برخلاف بسیاری گروهها که هنوز وارد دوران بلوغ سیاسی نشده چند پاره و قطعه‌قطعه شده‌اند، سالهاست به دوران بلوغ سیاسی و تشکیلاتی قدم گذاشته و بصورت یک سازمان توده‌ای سراسری درآمدید.

ثانیاً - در بحبوحه‌ی بزرگترین ضربات و آزمایشات جدا از خود استواری و سرسختی نشان داده و پیوسته صفوف پولادین شما منسجم‌تر و متحدتر شده است.

ثالثاً - بخاطر این استواری و بخاطر پرهیز از اعوجاجات کودکانه و اجتناب از چپ و راست زدن‌ها و خط‌عوض‌کردن‌های موسمی، به سنگین‌ترین وزنه‌ی سیاسی و تشکیلاتی موجود در تاریخ معاصر میهنمان تبدیل شده و برای اکثر مردم بصورت مهمترین تکیه‌گاه قابل اعتماد آنها درآمدید.

رابعاً - چنانکه می‌دانید و به عیان دیده‌اید در درون سازمان ما و بویژه در عالی‌ترین ارگان رهبری - کمنده‌اش خبری از جاه‌طلبی‌ها، منفعت‌جویی‌ها و حرص و آزهای قدرت‌طلبانه‌ی فردی نیست و هر آنگاه که در پائین‌ترین سطوح اعضا سازمان نیز با یک‌چنین نمونه‌های ناپاکی برخورد کرده‌ایم به طرد و تصفیه‌ی عنصر مربوطه اقدام نموده و نصفیه‌ی رسوبات ارتجاعی و انحرافی را در سراسر حیات ۱۹ ساله‌ی سازمان شرط بقا و تکامل سازمان انقلابی دانسته‌ایم.

خامساً - نه شاه و نه خمینی و نه هیچیک از دشمنان عقیدتی و طبقاتی و سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران برغم فشارهای ناجوانمردانه و بیگانه‌شان تاکنون در انهدام عقیدتی و اجتماعی و سیاسی و تشکیلاتی مجاهدین توفیقی حاصل نگردانند.

سادساً - نظر بین‌المللی نیز هر اختلاف نظری در مورد مسئله‌ی ایران وجود داشته باشد همگان بر این نکته متفق و معترفند که سازمان مجاهدین خلق ایران سرسخت‌ترین، استوارترین، فراگیرترین، جدی‌ترین و مردمی‌ترین محور مبارزاتی بر علیه رژیم خمینی است. اکنون در آغاز بیستمین سال تاسیس سازمان مجاهدین خلق ایران بر این حقیقت بایستی تاکید نمود که تمامی امتیازات و نقاط مثبت این تشکل انقلابی در پرتو ایدئولوژی انقلابی اسلام از متن تاریخ و فرهنگ مردم ایران ناشی شده است و ما تنها به خاطر جوهر دمکراتیک و استقلال تام و تمام خود و مجاهدت بی‌امان در راه خدا و خلق به مدارج حاضر نایل گردیده‌ایم.

ترجمیح می‌دهم رسالت مجاهدین در مقطع تاریخی کنونی را در یک کلام در نگاهبانی از حرمت و ارزش و مفهوم "کلمات" خلاصه کنم. بخصوص در دورانی که حرمت "کلمات" و معانی دقیق آنها هیچگاه چون امروز در معرض تاراج و تاخت‌وتاز خمینی‌گرایانه نبوده است. تا آنجا که اگر نسل ما علیه خمینی برتنی‌شورید همین میزان هم که از حرمت ارزشهای عقیدتی و ملی و مردمی و انقلابی ما و مفهوم "کلمات" حقیقی آن باقی مانده، رنگ می‌بخت.

اگرچه بسا جای خوشبختی است که نسل ما با دریای خون خود مجدداً به این "ارزشها و کلمات" که خمینی به هنگ حرمت تمامی آنها گم بسته بود، جانانه رنگ داد و گرد آنها پروانه‌وار پر و بال سوخت. سالها پیش از این نیز بنیانگذار کبیر سازمان محمد حنیف، پیوسته بر ضرورت درک "معنا و مفهوم" هر

"کلمه" از جانب مجاهدین تاکید می‌نمود و از اینجا بود که هزاران هزار شهید و اسیر مجاهد سرچشمه گرفتند و منجمله کلمات جاودانی همچون ثریا ابوالفتحی و سعید منبری را به اتفاق همسرش سهیلا (یاورزاده) بر تارک تاریخ معاصر ایران نقش نمودند.

ثریا و سهیلا در پانز سال ۶۰ بر رفیع‌ترین قلل انقلاب خلق تیرباران شدند. سعید منبری در ۱۲ اردیبهشت سال ۶۱ به همسرش سهیلا و دیگر خواهران و برادران مجاهدش پیوست.

شرح شهادت و تیرباران خواهر قهرمانم ثریا ابوالفتحی در زندان تبریز برآستی اسطوره‌ی فراموشی‌ناپذیری است که یکی از شیواترین برگ‌های افتخار مجاهدین را در کسوت زن رشید و دلیر مجاهد خلق بیان می‌کند و بیگمان هر انقلابی و هر زن و مرد آزادی‌ایرانی را به تکریم و تحسین وامی‌دارد. آنقدر که دلخراش‌بودن صحنه‌ی تیرباران در فضائی مملو از کمالات و پاکبختگی انقلابی و عقیدتی و شوق و شور متعالی از یاد می‌رود. آنقدر که زبان از تشریح مناسبت و شیفتگی عقیدتی این شیرین مجاهد و شهادت افسانه‌اش درمی‌ماند. آنقدر که دژخیان و زندانبانان نیز متأثر و غرق تحقیر نسبت به خودشان و غرق در احساس احترام نسبت به مقام والا و درخشان و پرشکوه قهرمان شهید ما ثریا ابوالفتحی می‌شوند.

صدای رسا و گرم و انگیزنده‌ی سعید منبری نیز که گاه در آن سالهای شاه سلول‌های اوین را چه در هنگام نیایش و چه در موقع سرود و آواز به وجد و شور می‌آورد هنوز در گوشم طنین‌انداز است. بخصوص وقتی که صدای پرتنین خود را به توصیف "ستاره‌ی خونینی" اوج می‌داد و می‌خواند:

"آخر روم یک نیمه‌شب همراه یاران
بر لب نهم بس نغمه از گلبنگ قرآن
ای ناخدا، ای ناخداهان بادبان‌ها را برافراز
کاینک منم در انتظار موج و طوفان
از بس ستاره شد نهبان در خاک تیره
دیگر زمین دریای نور و کهکشان شد
راهی نمانده تا شهادت؛ پایمردی؛

اینک سلام ای صبح خون ای فجر فردا"
آری تمامی این "کلمات" بر "مسئولیت" مجاهدین خلق ایران می‌افزاید و ما را در مسیر نیل به پیروزی محتوم خلقمان و نیز در راستای خودسازی انقلابی و تزکیه‌ی اخلاقی مصمم‌تر می‌کند.

بار خدایا شهید و قدیهای عظیم ما طی ۱۹ سال گذشته را از ما بپذیر که تو شنوا و دانای، بار خدایا تقصیرات و لغزشها و خطاهای زندگان ما را ببخش، زشتی‌هایمان را در پرتو جمال و کمال خودت بپوشان و به خیر و نیکی مبدل کن. ما را در گف حمایت و رحمت خود بگیر و در خدمت به خلقت هرچه شایسته‌تر گردان. بار خدایا انقلاب رهاثیبخش و نوین خلق در زنجیر ایران را هرچه سریع‌تر به حاصل و ثمر بنشان و وزیدن نسیم پیروزی و رحمت و زندگی را بر این دیار خمینی‌زده بشارت ده.

فضل‌الله‌المجاهدین علی‌القاعدین اجرا عظیماً

مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران
مسعود رجوی

۱۰/شهریور/۶۳

برای تحقق صلح و آزادی همهٔ سلاحها را بجانب رژیم ضدبشری خمینی نشانه‌رویم!

یاد "گل سرخ انقلاب" مجاهد قهرمان مهدی رضائی گرامی باد



آخرین وداع "مهدی" با مادرش در بیدادگاه نظامی شاه خائن

در جریان هر مبارزه‌ی انقلابی و در تلاطم خروش و خیزش و فراز و نشیب آن، همواره قهرمانانی متولد می‌شوند، سبیل‌ها و الگوهای شکل می‌گیرند، و هر یک به نوعی الهام‌بخش رهروان و پیوندگان راه و آرمان خود می‌گردند. نسل "حنیف" از بسو و توفش خود، کهکشان‌ی از ستاره‌ها را در آسمان میهن انقلابی‌مان ترسیم کرده‌است. و "گل سرخ انقلاب"، مهدی رضائی از قهرمانان این نسل و سبیل پایداران و شرف انقلابی و وفاداری به راه خدا و خلق در زیر شکنجه می‌باشد. زندگی او بسیار کوتاه اما بس پر بار است:

مهدی در سال ۱۳۳۱ در تهران دنیا آمد و در کنار برادران مجاهد دلیرش "رضا" و "احمد" درس مبارزه و انقلاب آموخت. در ۱۶ سالگی به سازمان پیوست و از آن پس تا زمان دستگیری و شهادت، عمر کوتاهش را وقف خلق و انقلاب نمود. مهدی در اردیبهشت ۵۱ بدنبال یک درگیری نابرابر با مزدوران کمیته و ساواک شاه‌خائن - که طی آن یکی از افسران کمیته ضد خلقی نیز به هلاکت رسید - در اثر از کار افتادن سلاحش، به اسارت مزدوران دشمن درآمد و مستقیماً به شکنجه‌گاه برده شد و روزهای متعاقب آن سخت‌ترین و دردناک‌ترین شکنجه‌های جلادان شاه‌خائن قرار گرفت. با اینهمه، مهدی در بیدادگاه نظامی، به افشای جنایات رژیم ضد خلقی شاه پرداخت و هم از عشق و ایمانش به خلق و

بهر روزی آن سخن گفت و در این رابطه از شکنجه‌ها و سوختن و منگ شدن "رگ و پوست" اش پرده برداشت. او در بیدادگاه با قامتی افراشته و غروری انقلابی خروشید: "ما به خلق ستم‌دیدی خود عشق می‌ورزیم، هدف ما چیزی جز بهروزی خلق و درهم شکستن هرگونه روابط ظالمانه‌ی اجتماعی و اقتصادی و استوار ساختن تعالیم عالی‌ی اسلامی در جامعه نیست؛ جامعه‌ای آزاد، بی‌طبقات و توحیدی، جامعه‌ی ایده‌آل ماست" و نیز در برابر انبوه اتهامات ردیلانه‌ی کارگزاران بیدادگاه شاه، صریحاً پاسخ داد: "من در اینجا

مجاهد و میلیشیای قهرمان در رویارویی قهرآمیز با دیکتاتوری ضد بشری خمینی جلا داد. بدون تردید، هر زنده‌ی مجاهد با مشاهده‌ی لجن‌زار سیاه فریب و سرکوب و استثمار قرون - وسطائی خمینی، از زبان مهدی دلیر، فریاد برآورده است که: "در جاییکه هر ندای حق طلبانه با زور، سرکوب و به خون کشیده می‌شود، آیا راهی جز انقلاب مسلحانه، جز توسل به تفنگ باقی می‌ماند؟! عملیات انقلابی ما تازه گوشه‌ی کوچکی از پیگار انقلابی ما با دشمنان خلق است"، آری، مجاهدین سوگند یاد کرده‌اند و از جمله در هزاران وصیت‌نامه‌ی خون‌رنگ خود اعلام داشته‌اند که به این پیگار انقلابی و گسترش و اوجگیری آن، تا سرنگونی قطعی خمینی - این سبیل شقاوت و فساد و جنایت - تمامی دارودسته‌ی دین‌فروش و تبیگار او و تا تحقق جامعه‌ی عاری از استبداد و استثمار و استثمار ادامه خواهند داد.

به اتهام عشق به خلق و پیگار در راه خلق محاکمه می‌شوم". از آن پس نام مهدی به میان توده‌ها رفت و الهام‌بخش بسیاری از جوانان پرشور میهنان گردید. کافیتست اشاره شود که در زندان‌های رژیم شاه خائن، پس از توده‌گیر شدن حماسی مقاومت و شهادت مهدی، کمتر نوجوان مبارزی یافت می‌شد که در پرونده‌اش، مطالبه‌ی دفاعیات مهدی رضائی و انگیزه و الهام گرفتن از آن، وجود نداشته باشد. از آن پس در عصر حاکمیت ارتجاع نیز، مهدی از جمله الگوها و الهام‌دهندگان جوانان

توجه

چنانکه خوانندگان عزیز "مجاهد" در شماره‌ی حاضر ملاحظه می‌کنند انبوه صفحات و فهرست‌ها و لیست‌ها و مطالب (که ناگزیر بسیاری از آنها را نیز حذف کرده‌ایم) بسا فراتر از حد اکثر کتش دستگاه‌های فنی ماست. با اینهمه، کادرهای محدود نشریه و کلیه‌ی خواهران و برادران دست‌اندرکار نشریه با کار دائمی شبانه‌روزی طی هفته‌های اخیر حداکثر (گاه فقط با ۳ الی چهار ساعت استراحت در شبانه‌روز) توانستند این شماره را بموقع آماده نموده و بزرگ چاپ ببرند که البته بسیاری مطالب و مقالات آن ناگزیر حذف گردیده است؛ اما از آنجا که دستگاه‌های فنی ما نیازمند مرمت و تعمیر و یا خریداری مجدد است، "مجاهد" هفته‌ی آینده منتشر نخواهد شد و نوبت بعدی انتشار، پنجشنبه ۲۹ شهریور خواهد بود. امیدواریم کوشش‌های ناچیز ما در درگاه خدا و خلق قهرمان ایران در راستای رهایی میهن، مقبول واقع شود.

هیئت تحریریه‌ی "مجاهد"

تو ای خون جوشان، جوانی!

و تضمین فردای زیبای این کهکشان

بقیه از صفحه ۱۴۳

و موجی فرا می‌شود از دل موج
به بام قیام و رهائی - تو ما را ورق زن
تو ما را دگر کن - تو ما را سحر کن
و فصلی بیاور -

که در آن، زمستان، به زیباترین شکل ممکن، بهارست
و خواند:

تو ای خون جوشان - درخش آذر خشی
بر اندام عریان - بر اندام مردم - تو شولای رزمی
و با فنده‌ی کینه در کینه در کینه‌های
[در این ساعت سرد - چه باروت خشکی کنار حریق ست]
و با فنده‌ی صخره در صخره در صخره‌های
[شکیرد تو را دره، یارا! که گوئی پدید آمد از سرفرازی]
و آنگ
تو ای خون جوشان - جوانی!
و تضمین فردای زیبای این کهکشان

نگه کن چکیده‌ست یاد شهیدان
در این گاه‌ی آب
تو یارا از این گاه‌سام نوش - از این عهد و پیمان
حضور سواران و میدان
از این گاه‌سام نوش - که خفته‌ست در جان آن ماه -
که تا ابر ظلمت درونم بسوزد
از این گاه‌سام نوش - از این جاری پر طراوت
از این دانش پر تلاطم

کجائی محمد! *
درون تن سازمانت - در این گاه‌ی سرخ
چه رازی نهفته‌ست؟
که پیوسته سرشار ماه و ستاره‌ست
و پیوسته جوشد از آن خون و رزم رهائی
و هر دم بریزد تمامی سرشار خود را به میدان
و اما ... نگردد تویی از تب و تاب امواج و خیزاب
محمد!
درون تن سازمانت - درون تن ما -
چه رازی نهفته‌ست؟
مرداد ۶۳
* بنیانگذار کبیر - مجاهد شهید، محمد حنیف نژاد



۲۰ شهریور (۱۵ ذی الحجه)

ولادت با سعادت امام علی النقی (ع) رابه عموم
پیروان آن حضرت تبریک و تهنیت می گوئیم

اطلاعیه

مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان
درباره هفته گسترش اعتراضات و
"مبارزه با جنگ"

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران
و با درود به تمامی شهدای بخون خفتهی خلق
در سرتاسر میهن خونبارمان
و با گرامیداشت خاطرهی شهدای
پرسنل انقلابی و مردمی ارتش

هموطنان دلیر کرد ،
هواداران مجاهدین خلق ایران در مناطق گردنشین ،
پرسنل ملی و مردمی ارتش مستقر در کردستان ؛
قریب چهار سال از جنگ خانمانسوز ایران و عراق می گذرد و
خمینی خون آشام همچنان با اصرار خائنانه بر استمرار آن می گوشت .
همچنین بیش از ۵ سال است که قلع و قمع مردم ستمزدهی
بقیه در صفحه ۶

مجازات

یکی از عوامل
سرکوب و اختناق
دراهواز

عملیات مجاهد شهید
حسن بقال شوشتری
در صفحه ۱۵۲

اخباری از

فعالیت های انقلابی
هسته های مقاومت

در صفحه ۱۵۳

اطلاعیه های ستاد
عملیات پیشمرگه های

مجاهد خلق

در کردستان

در صفحه ۱۵۳

بمناسبت عید فرخنده قربان ، بین الملل عقیدتی انقلاب و قربانی

"فدا و قربانی"

ضرورت اجتناب ناپذیر انقلاب

در صفحه ۱۴

معبری کاردار جانی و شکنجه گرد جدید

رژیم خمینی در فرانسه کیست ؟

وقتی دزد فریادمی زند "آی دزد"

در صفحه ۱۳

وحشت نخست وزیر خمینی

در رابطه با اعلام هفته "مبارزه با جنگ"

توسط مجاهدین

بدنبال موضعگیری ناطق نوری (وزیر کشور)
و رفسنجانی (رئیس مجلس ضد خلقی)

بخشنامه ستاد فرماندهی نیروی هوایی

در رابطه با اعلام هفته "مبارزه با جنگ"

در صفحه ۶

هم میهنان!

در مبارزه برای سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی ، استمرار و
گسترش مقاومت خوتین خواهران ، برادران و فرزندان مجاهد
شما نیازمند حمایت های مالی است . حتی از کمک های اندک در مسیر
تقویت مقاومت فروگذار نکنید و به تاثیرات آن کم بها ندهید .
کمک های مالی خود را به هر میزان و از هر طریقی که می توانید
به سازمان مجاهدین خلق ایران ، هسته های مقاومت و میلیشیای
مجاهد خلق برسانید .

برای آبنه شدن "مجاهد" در خارج از کشور فرم زیر را در کاغذ جداگانه ای
پر کرده و به همراه بهای اشتراک به آدرس یستی زیر ارسال نکنید :

فرانسه
A.E.M B.P49
75462 Paris CEDEX 10 FRANCE

Nom: _____
Prénom: _____
Adresse: _____

بهای اشتراک :

- سه ماهه معادل ۱۲ دلار
- شش ماهه ۲۲ دلار
- یکساله ۴۴ دلار

برای ارتباط مستقیم با دفتر برادر مجاهد مسعود رجوی
مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران با آدرس زیر مکتب کنید :

فرانسه
B.P.18 95430
AUVERS-SUR-OISE FRANCE

برای وصل ارتباط با سازمان مجاهدین خلق ایران
می توانید از طریق "روابط عمومی بخش اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران
در خارج از کشور" اقدام کنید . شماره تلفن ۰۳۴۸۵۷۷ - ۳۳۳ (فرانسه)

و یا با آدرس های مقابل مکتب کنید .

کمک های مالی خود را به یکی از حساب های زیر واریز نموده
و حواله ای آنرا به یکی از آدرس های مقابل ارسال دارید :

انگلستان
Midland Bank plc
281 Chiswick High Road
London W4 4HJ England
A-Khodabandeh N. 91082078

از خارج فرانسه
BANK SOCIETE GENERAL
N°: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA
(PARIS FRANCE) code guichet 03002

در داخل فرانسه
B.N.P. PONTOISE 1269652

نامه های خود را برای "مجاهد"
و هم چنین را دیو "صدای مجاهد"
به آدرس های زیر ارسال دارید :

انگلستان

BM BOX 9090
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

اتریش

Pf:6
1110 WIEN
AUSTRIA

آلمان

Pf.: 800552
5_Köln 80
W_Germany

فرانسه

B.P 214
92108 BOULOGNE
BILLANCOURT
CEDEX
PARIS FRANCE

دستور محوری روز :
گسترش هسته های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع ،
شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام رهائی بخش عمومی